



میلاذ با سعادت
حضرت مهدی (عج) مبارک باد

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۲۴ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ | ۱۳ شعبان ۱۴۴۷ | ۲ فوریه ۲۰۲۶ | ۱۶ صفحه

محمدحسین رجبی دوانی در گفت و گو با صبح صادق
سرنوشت فرعون های تاریخ ذلت است



۳
دیدگاه

نوید کمالی



دوگانه های فرساینده

۵
راهبرد

مهدی سعیدی



فراموش شدگان

۲
سرمقاله

کارنامه انقلاب اسلامی در وضعیت تحمیل جنگ ترکیبی

ثمره استقلال ایران

۱۱
خرد

بازدارندگی
پیش دستانه

۲
نگاه

واعدوا لهم ما استطعتم من قوة

اتحاد
ایرانی

۱۱
خرد

کابوسی

تروریست ها



نیم نگاه

تقابل در خیابان!



رنا صارمی‌راد
کارشناس مسائل بین‌الملل

در چند هفته اخیر، ایالات متحده با موجی از اعتراضات علیه پلیس مهاجرت ایالات متحده (ICE) روبه‌رو شده است. این اعتراضات که پس از کشته شدن چند معترض به دست نیروهای دولتی آغاز شد، مرکز این تنش‌ها و اعتراضات شهر «مینیاپولیس» است؛ جایی که در چند درگیری جداگانه، مأموران فدرال به وسیله شلیک گلوله جان دو شهروند آمریکایی به نام‌های «رنسی گود» و «الکس پرتی» را گرفتند. در پی این اتفاقات، اعتراضات در بیش از ۴۶ ایالت شکل گرفت.

در چنین وضعیت بحرانی، اظهارنظر و واکنش سه چهره برجسته دموکرات و رؤسای جمهوری پیشین آمریکا، یعنی جو بایدن، باراک اوباما و بیل کلینتون، توجه رسانه‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است.

جو بایدن، به‌طور مشخص بر تهدید ارزش‌های آمریکایی و لزوم پاسخگویی دولت تأکید دارد. بایدن در بیانیه‌های عمومی اخیر، از جمله در واکنش به قتل الکس پرتی، این اقدام را خیانت به اساس ارزش‌های آمریکایی و نقض قانون اساسی خواند. وی ضمن محکوم کردن خشونت مأموران نیروهای دولتی، خواستار تحقیقات شفاف، عادلانه و دقیق درباره هر دو مورد کشته‌شدگان شد و تأکید کرد، اعمال خشونت‌آمیز دولت علیه شهروندان باید همین حالا متوقف شود. رویکرد بایدن نشان می‌دهد، وی در تلاش است اعتراضات را به یک موضوع گسترده‌تر درباره حاکمیت قانون و ضرورت بازبینی در سیاست‌های دولت ترامپ تبدیل کند؛ در مقابل، باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین و چهرای دانشگاهی که معمولاً با تأکید بر گفت‌وگو و فعالیت‌های مدنی شناخته می‌شود، سعی کرد واکنشی عاطفی و اخلاقی‌محور نسبت به این حوادث ارائه دهد. او همراه با همسرش، میشل اوباما در بیانیه‌ای مشترک، تیراندازی‌ها را فاجعه‌ای غم‌انگیز خواند و از مردم خواست تا به صورت مسالمت‌آمیز اعتراضات را به پیش ببرند و برای دفاع از ارزش‌های آمریکایی و آزادی‌های مدنی خود در خیابان‌ها بایستند. بیل کلینتون نیز در این وضعیت موضعی انتقادی اتخاذ کرد. تمرکز او نیز بیشتر بر جنبه‌های عملی رفتار مأموران فدرال و تأکید بر حمایت از حق اعتراض مسالمت‌آمیز قرار گرفت. او سخنان خود به حقوق اساسی مردم برای مستندسازی و رصد عملکرد قانون و اعتراض مسالمت‌آمیز اشاره کرد و از دولت فدرال خواست تا به صدای عمومی گوش فرادهد، نه آنکه صرفاً معترضان را سرکوب کند. بررسی اظهارنظر‌های این سه چهره، اگر چه هم‌راستار محکومیت خشونت و اهمیت تغییر در سیاست‌های کلان دولت جمهوری‌خواه است، اما تفاوت‌های راهبردی قابل توجهی را نیز نشان می‌دهد. بایدن بر چارچوب قانونی و بازبینی سیاست‌های فدرال تأکید دارد، اوباما بحث عنصر اخلاقی و مشارکت مدنی را به میان می‌کشد، و کلینتون بیشتر حق اعتراض مسالمت‌آمیز و مراقبت از آزادی‌های اساسی را برجسته می‌کند. این تفاوت رویکردها نه تنها بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های شخصی این رهبران است، بلکه از جهتی می‌توان این مسئله را به عنوان نمود گفت‌وگامی واحد در میان دموکرات‌ها نیز دانست. در نهایت، واکنش‌های این سه شخصیت برجسته نشان می‌دهد، اعتراضات از پلیس مهاجرت فراتر رفته، به یک بحران فراگیر تبدیل شده و به پرسش‌های بنیادی درباره چرایی و چگونگی دخالت دولت در امور مدنی و جامعه، پاسخگویی در مقابل قانون، و نقش شهروندی در دموکراسی آمریکا تبدیل شده است.



مهدی سعیدی

جریان‌شناس سیاسی

با خوابیدن غبار اقدامات تروریستی دی‌ماه ۱۴۰۴، و عیان شدن روز به روز پشت پرده‌های آن ماجرای خونین که به کشتار ۳۱۱۷ نفر از مردمان این سرزمین انجامید، انتظار جامعه آن است که آنهایی که فریب بیگانگان را خورده و در هیجانات شب‌های ۱۸ و ۱۹ دی ماه در جای اشتباه تاریخ ایستاده بودند، صف خود را از بدخواهان ملت جدا کرده و برای دفاع از این سرزمین، موضعی وطن‌پرستانه در برابر بیگانگانی بگیرند که این‌بار امنیت این سرزمین را نشانه رفته‌اند.

در این بین، برخی چهره‌های سیاسی که دیگر افکار عمومی چندان برای آنها اعتباری قائل نیست و جزء فراموش‌شدگان به شمار می‌آیند، با تأخیر فراوان دست به کار شده و با صدور بیانیه‌هایی مواضع خود را در قبال این اقدامات تروریستی اعلام داشته‌اند. در همین چند روزه دو نفر از سران فتنه که پیشگام اختلاف‌افکنی در جامعه بوده و پس از ناکامی در انتخابات سال ۱۳۸۸، صندوق رأی ملت را به آتش کشیدند، به میان آمدند و با صدور دو بیانیه که شباهت‌هایی به یکدیگر داشت، مواضعی را ایراد داشتند که همسو با مواضع اخیر پهلوی دوزاری و رسانه‌های ضدانقلاب بود. در این مورد توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

در نگاه اول آنچه در این بیانیه‌ها به چشم می‌خورد، مینا قرار دادن اطلاعات دروغی است که رسانه‌های ضدانقلابی چون اینترنشنال و بی‌بی‌سی و... آن را با هدف فریب ملت ایران انتشار داده‌اند! متأسفانه مدعیان سیاست‌ورزی به آتچنان زبونی افتاده‌اند که گوش و دل‌شان را به صدای بیگانه سپرده و از آنجا خط می‌گیرند! نکته دوم تلاشی است که در این بیانیه‌ها برای تحریک افکار عمومی و جریحه‌دار کردن احساسات ملت شده است. تعبیری که تنها



علی حیدری علی آبادی

کارشناس دفاعی

رویکردهای خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بیش از پیش آشکار شده است. پس از یک دوره تنش و درگیری ۱۲ روزه که هدف آن برهم زدن ثبات داخلی و ایجاد آشوب گسترده بود، اما با هوشیاری و مقاومت مردم ایران ناکام ماند، شاهد تلاش‌های جدیدی از طرف آمریکا هستیم

این بار، با دستاویز قرار دادن نگرانی‌های بازاریان در مورد نوسانات قیمت ارز، فضایی ایجاد شد تا توطئه‌هایی که در آن دوره ۱۲ روزه نافرجام مانده بودند، دوباره عملی شوند. با بهره‌گیری از عناصری وابسته به بیگانگان و تحریکات خارجی، تلاش شد تا با به خیابان‌ها فرستادن گروهی از «زامبی‌های اینترنشنالی»، ناآرامی و شورش ایجاد شود. متأسفانه، برخی عناصر آموزش‌دیده و مرتبط با گروه‌های تروریستی نیز به این توطئه‌ها دامن زدند، به امید اینکه با ایجاد کشته و تلفات، بهانه‌ای برای یک حمله نظامی به ایران ایجاد شود.

اما مردم ایران با هوشیاری و درک عمیقی که از دسیسه‌های دشمن داشتند، این توطئه‌ها را به خوبی تشخیص دادند. آنچه در شامگاه پنج‌شنبه ۱۸ دی در تهران و برخی نقاط کشور رخ داد، با دقت و بصیرت مردم مشاهده و فهمیده شد. این رویدادها در واقع پیش‌زمینه‌ای برای یک اقدام نظامی احتمالی آمریکا یا رژیم صهیونیستی بود، اما با مقاومت و هوشیاری ملت ایران، این توطئه نیز ناکام ماند. مردم ما دریافته‌اند که دشمن در پی چه هدفی است و با انکا به وحدت و همبستگی، در برابر هرگونه تهدید و توطئه‌ای ایستاده‌اند.

با همین هدف دنبال شده بدون آنکه مبتنی بر واقعیت باشد!

نکته سوم بزرگنمایی است که این دو تلاش می‌کنند از جمعیت آن دو شب اراشه کنند و حاضران در خیابان را اکثریت ملت ایران معرفی کنند! این در حالی است که طبق برآوردهای دقیق دستگاه‌های ذی‌ربط در خوشبینانه‌ترین وضعیت حداکثر ۳۵۰ هزار نفر در سراسر کشور در شب ۱۸ دی ماه در خیابان حاضر شده بودند که بخش زیادی از آنها نیز در میانه راه پس از آغاز خشونت به خانه‌ها برگشتند! این میزان در شب ۱۹ دی‌ماه به کمتر از یک سوم کاهش یافت، به نحوی که در شب بیستم دی، دیگر کسی در خیابان‌ها حاضر نبود! اینها هیچگاه نماینده مردم نیستند! حتی معترضان جامعه اعتراض‌شان به گرانی و مشکلات معیشتی و اقتصادی است، اما کسی که خود روزگاری نخست‌وزیر این کشور بوده و بعدها برای ریاست‌جمهوری نامزد شده و اکثریت رأی ملت را جلب نکرده، مدعی است: «مردم به چه زبانی بگویند که این نظام را نمی‌خواهند!» این فریب‌خوردگان کافی بود نگاهی به جمعیت میلیونی ۲۲ دی ماه ببندازند تا ببینند پیام ملت ایران چیست! آنها کافی بود از حسن روحانی بشنوند که می‌گوید: «در این اعتراضات در ۲۲ دی خوب به میدان آمدید و به دشمنان پاسخ دادید و ایستادگی کردید، چون خواستید به دشمنان بگویید که ما اجازه نمی‌دهیم شما در امور داخلی ما مداخله کنید. مردم خیلی کار بزرگی کردند. پیام مردم در ۲۲ دی این بود که اعتراض درست به حق است ولی ما در برابر دخالت خارجی می‌ایستیم. این پیام مردم بود و این کار را کردند که کار بزرگی بود.»

نکته چهارم عدم درک درست از آن چیزی است که در شهرهای کشور شکل گرفته است. حضور تیم‌های تروریستی مسلح به سلاح‌های سرد و گرم که نتیجه آن کشتار بیش از ۲۴۰۰ نفر از نیروهای حافظ امنیت و مردم کوچه و خیابان بوده، به خوبی نشان می‌دهد که این ماجرا فراتر از اعتراضات و حتی اغتشاشات، و به مثابه یک جنگ شهری تمام عیار طراحى شده بود. در کدام

سر مقاله

فراموش شدگان

اعتراض و اغتشاش در تاریخ ثبت شده است که در دو شب حدود ۳۰۰ نفر از حافظان امنیت با سلاح سرد و گرم به شهادت رسیده باشند؟! این دو اگر به دنبال کشف حقیقت بودند، کافی بود با افراد دیگری بیرون از رسانه ملی و دستگاه رسمی حاکمیتی مشورت کنند تا ماجرای آن دو شب برای آنها آشکار می‌شد. کاش از «مهدی خزعلی» حامی مشهورشان در انتخابات ۸۸ سؤال می‌پرسیدند و می‌شنیدند که: «دو ساعت اول خیابان از نیروی پلیس و امنیتی خالی بود و شهر ناامن بود، بانوی محجبه امنیت نداشت، کسی که ظاهر مذهبی داشت، محکوم به مرگ بود و خودروی عزیزی از دوستان که خود منتقد حاکمیت بود در مسیر پمپ بنزین به جرم داشتن ریش مورد تعرض واقع شد! شهر دست داعش بود! نقش پیکر مطهر دانشجوی پزشکی بر شیبستان مسجد سوخته در تاریخ این سرزمین ماندگار شد! من به چشم خویش حجم خشونت ویرانگر تروریست‌های مزدور اجنبی را دیدم و چه بسیار جوانان بی‌گانه این مرز و بوم را به خاک و خون کشیده و مردمان را داغدار کردند!»

نکته پنجم و شاید مهم‌ترین نکته قابل ملاحظه آن است که جهت‌گیری کلی این دو سیاه‌ه هدف قرار دادن رکن اقتدار و انسجام ملی ملت ایران و عمود خیمه انقلاب اسلامی و جایگاه ولایت فقیه و شخص رهبر حکیم انقلاب اسلامی است. متنی پر از عقده‌گشایی از رهبری که تلاش دارد همسو با ضدانقلاب، تیر هجمه‌ها را به سمت خیمه ولایت نشانه رود! این فراموش‌شدگان روسایهان تاریخ که دیگر هیچ کس نام آنها را دنبال نمی‌کند، به جرئومه‌ای از عقیده‌های حقارت و حسادت نسبت به محبوب ملت ایران بدل شده‌اند و از هر فرصتی برای پنجه کشیدن بر صورت آفتاب این سرزمین-که بزرگی و عظمت و دانایی و کارآمدی‌اش را در جنگ ۱۲ روز به رخ کشیده است-استفاده می‌کنند!

آنها به تعبیر مهدی خزعلی: «امروز به همه اصول و ارزش‌ها پشت پا زده‌ای، هم صدای استعمار عریان آمریکا، رژیم کودک‌کش و نژادپرست صهیونی و همراه منافق، تجزیه‌طلب و

بازدارندگی پیش‌دستانه

چگونه ایران را با رهبرد نظامی، جنگ با آمریکا را مدیریت می‌کند؟

متقابل در صورت وقوع هرگونه اقدام خصمانه است. قابلیت‌های موشکی ایران، زیرساخت‌های دفاعی استراتژیک و آمادگی نیروی انسانی، همگی نشان‌دهنده یک قدرت بازدارنده قابل توجه هستند که نباید دست‌کم گرفته شود.

درک قدرت بازدارندگی ایران، به رهبران کلیدی جنگ‌طلب در آمریکا باید این پیام را منتقل کند که هرگونه اقدام نظامی علیه ایران، هزینه‌های بسیار سنگینی به همراه خواهد داشت و ممکن است به یک جنگ منطقه‌ای تمام‌عیار منجر شود.

هیچنین ایران می‌تواند با فعال‌سازی دیپلماسی دفاعی، کشورهای منطقه را که میزبان پایگاه‌های آمریکا هستند، متقاعد کند که در صورت استفاده از خاک آنها برای تهدید ایران، با عواقب جدی مواجه خواهند شد. این عواقب می‌تواند شامل خسارات مالی، تلفات انسانی و بی‌ثباتی امنیتی باشد. هدف از این دیپلماسی، ایجاد یک زنجیره بازدارندگی منطقه‌ای است که مانع از هرگونه اقدام نظامی علیه ایران شود.

ایران باید در ذهن متوهمان جنگ‌طلب در آمریکا و رژیم صهیونیستی این تصویر را خلق کند که در صورت تجاوز به خاک جمهوری اسلامی، تمام امکانات نظامی از لحاظ تجهیزات و نیروی انسانی و حتی منافع اقتصادی آنها در تیررس موشک‌های ایرانی خواهد بود. این پیام باید به طور واضح و قاطعانه به آنها منتقل شود که یک حمله مستمر و با دوام از طرف ایران صورت خواهد گرفت، نه به صورت مقطعی که منجر به آتش‌بس یا صلح پشیمندی شود و هزینه‌های تجاوز به مراتب بیشتر از هر گونه منفعتی خواهد بود که تصور می‌کنند به دست خواهند آورد.

رصد دائمی و دقیق

با این حال، در صورتی که با وجود تمام تلاش‌ها نتوان ذهن متوهم جنگ‌افروزان را تغییر داد، نیروهای نظامی ایران باید با رصد دقیق و دائمی

خاندان مزدور و نوکر صفت پهلوی شده‌ای، امروز به خون شهیدان خیانت کرده‌ای و وارد اردوگاهی شده‌ای که «الله اکبر»، «یاحسین»، «بازهر!» نمی‌شناسند! هم جبهه کسانی شده‌ای که پرچم عزای حسین(ع‌علیه) را به آتش می‌کشند، مسجد و امامزاده را می‌سوزند، چادر از سر دختران زینب می‌کشند و جز هتاکی و فحاشی و خشونت چیزی نمی‌دانند!»

این انسان‌های حقیر کلام‌شان امروز با فاسدترین چهره‌های تاریخ همچون تنابناهو و ترامپ یکی شده است! رؤسای رژیم‌های ددمنشی‌که روزگاری حضرت امام خمینی(ره) را به قتل و آدم‌کشی متهم می‌کردند، امروز سیدعلی خامنه‌ای را متهم می‌کنند و این دو نیز همزبان با آنها همان را تکرار می‌کنند! از این سنت الهی غافلند که: «یَرِیدُونَ أَن یُظْفَرُوا نُورَ اللّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَیَأْتِیَ اللّهُ إِلَآ أَن یمُتَّ نُوْرُهُ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ».

نظام جمهوری اسلامی ایران، چهل و هفتمین سالگرد پیروزی خود را جشن می‌گیرد و طی این حدود نیم قرن، روز به روز بر اقتدار آن افزوده شده است، به نحوی که امروز کل جبهه متحد غرب و رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده است. در این مسیر قطار انقلاب با ریزش‌ها و رویش‌هایی مواجهه بوده و بسیاری از جوانان دهه ۷۰ و ۸۰ و ۹۰ای، امروز پرچمدار این انقلاب اسلامی هستند و بخشی از مدعیان دیروز که روزگاری را برای تحقق انقلاب اسلامی تلاش کرده بودند، در مسیر انحطاط و ارتجاع قرار گرفته و از قطار انقلاب و ملت پیاده‌شده‌اند!

تاریخ شهادت داده است که باذن الله نام خمینی‌ها و خامنه‌ای‌ها و اصحاب آخرالزمانی آنها در تاریخ این سرزمین جاودانه مانده است و خصم آنها را باید در زباله‌دان‌های تاریخ جست‌وجو کرد. چراغی را که ایزد برافروزد/ چو ابله پف کند ریشش بسوزد.

از تحركات نظامی دشمن اعم از آمریکا و رژیم صهیونیستی آن را زیر نظر داشته و در صورتی که به طور قطع محرز شود دشمن قصد حمله به جمهوری اسلامی ایران را دارد، ایران باید با قاطعیت و سرعت عمل کافی وارد عمل شده و پیش از هر گونه اقدام تهاجمی از سوی آمریکا در حالی که در خط حمله قرار گرفت، با یک اقدام پیش‌دستانه و ضرب‌هزنی دقیق و کوبنده، استحقکات نظامی آمریکا را در همان خط حمله هدف قرار دهد. این اقدام، چند هدف اساسی را دنبال می‌کند:

اولین هدف، ایجاد غافلگیری و به‌هم‌ریختگی عملیاتی است: حمله غافلگیرانه و دقیق به دشمن، به ویژه در شرایط نامساعد آب و هوایی در دریا و در نقاط استراتژیک، مانند ناوگان‌های دریایی مستقر در سطح دریا، می‌تواند دشمن را در یک حالت گیج‌کننده و نهایتاً دچار به‌هم‌ریختگی عملیاتی گسترده کند. بهره‌گیری از شرایط طبیعی نامساعد (مانند طوفان یا مه غلیظ) در دریا، در کنار حملات دقیق موشکی (هاپیر سونیک) به ناوها، می‌تواند نیروی نظامی آمریکا را در وضعیت بی‌عملی در مقابل نیروهای نظامی ایران قرار دهد.

دومین هدف تحمیل واقعیت میدانی: این اقدام، به آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان آنها ثابت خواهد کرد که ایران به وعده‌های خود عمل می‌کند و در صورت لزوم، به تهاجم، پاسخ درخور و قاطع خواهد داد. این امر یک پیام روشن و قاطع تلقی خواهد شد و احتمالاً موجب بازدارندگی هرگونه اقدام نظامی تهاجمی در آینده خواهد شد.

این رویکرد نشان‌دهنده عزم راسخ ایران در دفاع از منافع ملی خود و پابندی به حق دفاع از خود است و به منزله یک اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از بحران‌های بزرگ‌تر و حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای ضروری تلقی می‌شود.

سرنوشت فرعون‌های تاریخ ذلت است



حسن نوروزی

خبرنگار

گفت‌وگوی پیش‌رو با «محمدحسین رجبی دوانی» کارشناس تاریخ اسلام، سعی دارد بین وقایع امروز جهان با سنت‌های تغییرناپذیر الهی پیوندی برقرار کند؛ گفتنی است این مصاحبه با الهام از هشدار صریح رهبر معظم انقلاب درباره سرنوشت مستکبران مغرور شکل گرفته و می‌کوشد نشان دهد که استکبار معاصر، اگرچه در ظاهر مدرن و پیچیده است، اما در ماهیت تفاوتی بسا فرعون‌ها، نمرودها و طاغوت‌های تاریخ ندارد. رجبی دوانی با استناد به آیات قرآن و نمونه‌های تاریخی، منطق الهی سقوط جباران و وظیفه ملت‌ها در برابر این گردن‌کشی‌ها را برای مخاطب امروز تبیین می‌کند.

آقای رجبی دوانی ابتدا بفرمایید با توجه به آیات قرآن، نسبت میان استکبار امروز و مصادیق تاریخی قرآن را چگونه می‌توان برای مخاطب معاصر تبیین کرد؟

در تبیین فرمایش رهبر معظم انقلاب، مبنی بر اینکه سرنوشت ترامپ جبار مغرور، همچون نمرودها و فرعون‌ها و رضاخان و محمدرضا، سرنگونی و به خاک ذلت افتادن است، باید عرض کنم که قرآن کریم چنین وعده‌ای را داده است. قرآن می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا»؛ کافران ستمگر مغرور به پیامبران می‌گفتند: ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم، یا شما را وادار می‌کنیم که به آیین ما درآیید. مفسروران ستمگر، اولاً دنیا را ملک خود می‌دانستند و می‌گفتند این سرزمین متعلق به ماست و شما باید یا از آن بیرون بروید یا کاملاً تسلیم ما شوید؛ نه‌تنها با ماکاری نداشته باشید، بلکه به آیین ما درآیید، از ما تبعیت کنید و تحت امر ما باشید.

از طرفی هم در پاسخ به این استکبار و طغیانی که کافران ستمگر مغرور داشتند، خداوند در آیه ۱۵ سوره مبارکه ابراهیم، یعنی دو آیه بعد، می‌فرماید: «وَأَسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ»؛ یعنی پیامبران از خداوند در برابر این درخواست تبهکاران مغرور ستمگر تقاضای فتح و پیروزی کردند و هر گردنکش حق‌ستیز مغروری نومید و نابود شد.

خداوند وعده داده است که وقتی تبهکاران ظالم قدرتمند مغرور چنین دنیا را از آن خود می‌دانند و حتی پیامبران بزرگ الهی را که مردم را به سر منزل رستگاری هدایت می‌کنند، تهدید می‌کنند و می‌گویند شما را از دنیایی که متعلق به ماست بیرون می‌رانیم یا مجبور می‌کنیم تسلیم ما شوید و به آیین ما درآیید، این گردنکشان نومید و نابود خواهند شد. در بیان مصادیق، نمرود، پادشاه ظالم و گردنکش بابل، که در برابر حضرت ابراهیم(ع)؛ آن پیامبری که مردم را به توحید دعوت می‌کرد-با تکبر و تبهکاری برخورد می‌کرد، خداوند او را در اوج قدرت و غرور، با یک پشه چنان نابود کرد که با حقارت و بدبختی در میان اطرافیان خود به هلاکت رسید. فرعون، پادشاه مستکبر و مغرور مصر، که نه‌تنها ادعای خدایی داشت بلکه به تعبیر قرآن می‌گفت «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»، خود را در اوج قدرت می‌دید. حتی وقتی حضرت موسی(ع) با آن معجزات بزرگ الهی برای هدایت او و نجات مردم تحت ستم آمد، باز هم حاضر نشد از استکبار خود دست بردارد. با وجود آنکه دید از پس معجزات موسی(ع) برنمی‌آید، به تعقیب پرداخت تا آنان را نابود کند، اما خود در برابر چشمان همان مردم مستضعفی که به‌شدت تحت ستم قرار داده بود، در امواج تلاطم دریا غرق شد. آنگاه که در حال غرق شدن بود، به بدبختی خود پی برد و اعلام کرد به خدای موسی ایمان آورده است، اما این ایمان دیگر سودی برای او نداشت.

آیا می‌توان گفت نقطه مشترک نمرود، فرعون، رضاخان و محمدرضا شاه، نه صرفاً قدرت ظاهری، بلکه توهم «مالکیت بر سرنوشت ملت‌ها» بوده است؟

رضاخان اگر چه با کمک انگلیسی‌ها و به واسطه آنان بر ایران سلطه پیدا کرده بود و از نظر قدرت، مانند فرعون و نمرود نبود، اما به سبب جنایات و ظلم‌های هولناک و سرکوب‌های وحشیانه‌ای که در داخل کشور انجام داد، به‌عنوان یک دیکتاتور مطلق‌العنان که جز وحشت و خونریزی به چیزی نمی‌اندیشید، مردم را مرعوب کرده بود. همه مخالفان را قلع‌و‌قمع کرد و شهید بزرگوار آیت‌الله مدرس و بسیاری دیگر از مخالفان را از سر راه برداشت. او در همان اوج غرور و تفرعن، زمانی که در جریان جنگ جهانی دوم اندکی خواست از اطاعت اربابان انگلیسی خود سر بتابد، به دست همان‌ها با خفت و خواری از پادشاهی عزل شد. همه اموال و دارایی‌هایش مصادره شد و با حقارت و بدبختی از کشور تبعید شد و در تبعید با ذلت و بیچارگی به هلاکت رسید. خبر عزل و کنار گذاشته شدن او از پادشاهی چنان مردم ایران را خوشحال کرد که با وجود اشغال کشور به دست دشمنان، مردم از سرنگونی آن تبهکار بسیار راضی و خرسند بودند.

پسر جنایتکار او نیز که ما حکومت خائنه‌ان، وحشیانه و سرشار از کشتار و شکنجه‌اش را تجربه کردیم، با کمک ساواک و با حمایت کامل آمریکا و انگلیس، خود را در اوج اقتدار می‌دید. به‌ویژه از سال ۱۳۵۴ به بعد، همه مخالفان سیاسی و گروه‌های مسلح را سرکوب کرده بود؛ از جبهه ملی و نهضت آزادی و حزب توده گرفته تا گروه‌های مسلحی چون فداییان خلق و سازمان مجاهدین خلق. چنان همه را در هم کوبیده بود که خود را در اوج قدرت می‌دید و آمریکا نیز رژیم شاه را «جزیره ثبات خاورمیانه» و

خداوند وعده داده است که وقتی تبهکاران ظالم قدرتمند مغرور چنین دنیا را از آن خود می‌دانند و حتی پیامبران بزرگ الهی را که مردم را به سرمنزل رستگاری هدایت می‌کنند، تهدید می‌کنند و می‌گویند شما را از دنیایی که متعلق به ماست بیرون می‌رانیم یا مجبور می‌کنیم تسلیم ما شوید و به آیین ما درآیید، این گردنکشان نومید و نابود خواهند شد

منظور ترامپ از مذاکره که متأسفانه با استقبال برخی جریان‌های سیاسی واداده داخلی نیز مواجه شده است- همان چیزی است که قرآن کریم از زبان مستکبران بیان می‌فرماید: او تنها خواهان تسلیم است؛ یعنی ایران اسلامی باید تسلیم اراده و خواسته‌های او شود

شخصیت لوده، قمارباز و بی‌سواد ترامپ، نشان‌دهنده به بن‌بست رسیدن تمدن غرب و سرکرده آن، یعنی رژیم جنایتکار آمریکاست

«ژاندارم خلیج فارس» می‌نامید.

در خاطرات «ویلیام سولیوان»، آخرین سفیر آمریکا در ایران، آمده است که رژیم شاه چنان از استحکام برخوردار می‌نمود که سازمان سیا سقوط و سرنگونی رژیم سعودی را محتمل می‌دانست، اما هرگز سرنگونی یا به خطر افتادن رژیم شاه را پیش‌بینی نمی‌کرد. با این حال، به لطف خداوند متعال، هنگامی که امام خمینی(ره) قیام خود را علیه این رژیم تبهکار آغاز کرد، به‌ویژه در سال ۱۳۵۶ پس از واقعه خونین قم و قیام مردم این شهر و سپس قیام مردم قهرمان تبریز، در مدت چند ماه و با کمترین هزینه‌ها، خداوند رژیم شاه و شخص او را به چنان ذلت و حقارتی کشاند که خود شاه ناگزیر شد در برابر دوربین تلویزیون به‌صراحت به ظلم و فساد حکومتش اعتراف کند و بگوید: «من صدای انقلاب شما مردم را شنیدم». این سخن در حقیقت اعترافی آشکار به خطا و وعده‌ای بی‌ثمر برای تغییر اوضاع بود؛ چراکه مردم ایران جز سقوط حکومت او به چیزی رضایت نمی‌دادند.

سرانجام، شعله‌های انقلاب سراسر حکومت شاه را فرا گرفت و او در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ با خواری و خفت از کشور گریخت. آوارگی او از مصر آغاز شد و سپس به مراکش انجامید، اما در آنجا نیز تحمل نشد؛ با آنکه حکومت‌های فاسد این کشور‌ها از دوستان قدیمی او بودند. پس از آن به پاناما رفت و آنجا نیز پذیرای او نبودند. نهایتاً راهی آمریکا شد، اما در آن کشور نیز با وجود دهه‌ها خدمت به منافع آمریکا، پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به دست دانشجویان انقلابی، از او خواستند خاک این کشور را ترک کند. شاه از کشوری به کشور دیگر رانده می‌شد و هر جا می‌رفت با اعتراض و تظاهرات مردم مواجه بود، تا سرانجام در بیماری، غربت و بیچارگی به هلاکت رسید. این سرنوشت، سزای کسانی است که با تکبر، گردن‌کشی و غرور، ملت‌های آزاد جهان را تهدید می‌کنند.

برخی معتقدند شرایط امروز جهان با گذشته تفاوت کرده و مقایسه ترامپ با طاغوت‌های تاریخی دقیق نیست؛ پاسخ شما به این دیدگاه چیست؟

در خصوص تهدیدهای دونالد ترامپ علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رفتارهای متکبرانه و گردن‌کشانه او در زمان حاضر، باید گفت که ترامپ در میان حاکمان و سردمداران نظام سلطه در عصر کنونی، نمادی بی‌پرواترین گستاخی‌ها و زورگرایی‌هاست. او حتی به متحدان آمریکا نیز رحم نکرده و چشم طمع به کشورهایی همچون کانادا و جزیره گرینلند دنامارک دوخته است، چه رسد به کشورهای اسلامی. این فرد تبهکار که مهم‌ترین پشتیبان رژیم خون‌خوار و وحشی صهیونیستی در جنایات غزه است، تصور می‌کند با چنین تهدیدهایی می‌تواند ایران اسلامی و نظام ولایی را به زانو درآورد.

از نگاه شما، مفهوم «مذاکره» در ادبیات ترامپ چه تفاوتی با مذاکره عادلانه و مبتنی بر احترام متقابل دارد؟

منظور ترامپ از مذاکره که متأسفانه با استقبال برخی جریان‌های سیاسی واداده داخلی نیز مواجه شده است- همان چیزی است که قرآن کریم از زبان مستکبران بیان می‌فرماید: او تنها خواهان تسلیم است؛ یعنی ایران اسلامی باید تسلیم اراده و خواسته‌های او شود. ترامپ مصادق همان سرکشان آیه ۱۳ سوره مبارکه ابراهیم است که دنیا را ملک خود می‌پندارند. همان‌گونه که دیدیم، نسبت به ونزوئلا، کشوری مستقل با رئیس‌جمهوری که از طریق انتخابات قانونی بر سر کار آمده بود، آشکارا دست‌اندازی کردند و گفتند نفت ونزوئلا را می‌خوانند. او با چنین رفتارهایی داعیه سلطه نه‌تنها بر آمریکا، بلکه بر جهان را دارد و در حقیقت راه نمرودها و فرعون‌ها را می‌پیماید که ان‌شاءالله به اراده الهی به‌زودی به خاک ذلت و حقارت خواهند افتاد.

اگر وعده الهی درباره سرنوشت جباران قطعی است، وظیفه ملت‌ها و نخبگان در برابر این گردن‌کشی‌ها چیست؛ صبر، مقاومت یا کنش فعال؟

شخصیت لوده، قمارباز و بی‌سواد ترامپ، نشان‌دهنده به بن‌بست رسیدن تمدن غرب و سرکرده آن، یعنی رژیم جنایتکار آمریکاست. امید آن است که ذلت و حقارت ترامپ با نابودی این رژیم تبهکار همراه شود؛ رژیمی که در دهه‌ها و حتی دو قرن اخیر، همواره دشمن ملت‌های آزاده در آمریکای لاتین و سراسر جهان بوده و کارنامه‌ای سیاه از جنایات هولناک علیه بشریت از خود بر جای گذاشته است. باور دارم که خداوند متعال، ان‌شاءالله، به دست ترامپ، رژیم آمریکا را به سمت اضمحلال و نابودی سوق خواهد داد. اگر فروپاشی شوروی به دست فردی تحصیل‌کرده و عاقل همچون گورباچف رقم خورد، آمریکا به دست فردی فاسد، تبهکار و قمارباز نابود خواهد شد تا تاوان جنایات گسترده خود را بپردازد.

دیدگاه

شماره ۱۲۲۴ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴

صبح صادق

روزنه

خیانت‌مستمر

علی معبودی

مستول نمایندگی ولی فقیه در سپاه سید الشهدا استان تهران



قرآن در سوره مبارکه مانده، آیه ۶۴ می‌گوید: «كَلِمًا أَوْ قَلْوًا نَأْتِي لِنُخْرِبَ أَطْفَالَهَا» الّله» یهودی‌ها دائم در جنگ افروزی هستند و البته خداوند جنگ را به ضررشان به پایان می‌رساند. «وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» ذات این گروه با تولید فساد در ابعاد مختلف عجین شده و در سوره مبارکه بقره، آیه ۱۳۰ می‌فرماید، هر کاری بکنید، جماعت یهود دست از سر مسلمانان بر نمی‌دارند. همچنین، در آیه ۸۲ سوره مانده نهی اکید می‌کند از اینکه جماعت یهود را دوست خویش قرار دهید؛ چرا که در این صورت شما جزء آنها خواهید شد. برجسته‌ترین صفت و عمل یهود ستم بر انسان‌ها بوده است.

آنچه از این آیات درمی‌یابیم، این است که نژاد یهود دو هدف مهم را همیشه نسبت به جامعه دینی مسلمانان طراحی و عملیاتی می‌کند: اول ارتداد و برگشت از دین انسان‌ساز اسلام و دوم استثمار بشریت و جامعه مسلمانان.

اما در خصوص ایران باید گفت، صهیونیست‌ها قبل از انقلاب دنبال تبدیل ایران به رژیم صهیونیستی و حتی بالاتر از الحاق ایران به این رژیم بودند. آنها افزون بر حضور غیرمرنی در مراکز حیاتی پهلوی‌ها، زمین‌های حاصلخیز مانند دشت وسیع قزوین را در اختیار گرفته بودند.

وقتی امام(ره) با عنایت خداوند انقلاب را به پیروزی رساندند، تمام بافته‌های صهیونیسم در ایران پنبه شد؛ البته آنها پس از پیروزی انقلاب لحظه‌ای از نقشه‌های شوم‌شان کوتاهی نکردند و از همان ابتدای انقلاب غائله‌های گوناگونی را در چهار گوشه کشور راه انداختند و به جنگ دامن زدند و وقتی شکست خوردند صدام را تجهیز و تحریک کرده و ایران را هشت سال گرفتار جنگ کردند. آنها پس از پیروزی ایران اسلامی در جنگ هشت ساله، رفتند سراغ جنگ فرهنگی، تهاجم فرهنگی و شیخیون فرهنگی و فتنه‌های گوناگون؛ اما باز با عنایت الهی و رهبری رهبر معظم انقلاب تیرشان به سنگ خورد تا اینکه جنگ ۱۲ روزه را راه انداختند. آنها در محاسبات غلط خوش قصد داشتند طومار ملت ایران را برای همیشه بپیچند؛ لکن دست غیبی آمد و ورق را برگرداند و ملت ایران یک بار دیگر در قله عظمت و عزت پیروزی قرار گرفت. صهیونیسم پس از ناامیدی تمام اشرار داخلی را سازماندهی کرد و در سایه جنگ شناختی تعداد معدودی از جوانان و نوجوانان را فریب داده و به بهانه اعتراض جنگ ترکیبی پیچیده‌ای را باهمان عوامل آموزش دیده راه انداخت و اتفاقاً در فتنه ۱۸ دی خود شیطان فرماندهی میدان را به‌دست گرفت و مست از پیروزی با خشونت گسترده مساجد و قرآن و هر آنچه دست‌شان رسید، به آتش کشید؛ غافل از اینکه ایران کشوری صاحب تمدن و ملتی متمدن است و اهریمن شاید بتواند آن را ببلعد؛ ولی قادر بر قورت دادنش نخواهد بود. ایران و ملت متمدن به تعبیر رهبر عزیزتر از جان‌مان کمر فتنه را شکست و یک بار دیگر قلعه خیر به دست فرزندان امیر مؤمنان(ع) فتح شد و طراحی قوم لجوج و کینه‌توز و ستمگر ناکام ماند و ملت ایران در قله پیروزی همچنان قرار خواهد داشت و ایران عزیز را به‌عنوان حرم با همه وجود حفظ خواهد کرد. ان‌شاءالله.

پیشخوان

جاسوسی علیه معترضان!



روزنامه «واشنگتن پست» نوشت: «مأموران فدرال اداره گمرک و مهاجرت آمریکا که به سراسر کشور اعزام شده‌اند، اکنون به مجموعه‌ای گسترده از فناوری‌های جاسوسی پیشرفته مجهز هستند. این سازمان ابزارهایی نظیر ردیاب‌های بیومتریک، پایگاه‌های داده موقعیت‌یابی تلفن همراه، نرم‌افزارهای جاسوسی و پهپادها را خریداری کرده است. هم‌زمان، محدودیت‌های مربوط به نحوه استفاده از برخی از این فناوری‌ها نیز کاهش یافته است.» به نوشته این روزنامه، مقامات اداره گمرک و مهاجرت آمریکا ادعا می‌کنند که مجازند از تمام ابزارهای موجود برای رصد و بررسی شبکه‌های معترضان علیه این سازمان، از جمله شهروندان آمریکایی استفاده کنند. واشنگتن پست افزود: «این سازمان دامنه عملیاتی استفاده از فناوری‌هایی مانند تشخیص چهره، هوش مصنوعی و سایر فناوری‌های پیشرفته را به میزان قابل توجهی گسترش داده است. یک اپلیکیشن جدید به مأموران این سازمان امکان می‌دهد که اسکن فوری چهره و اثر انگشت افراد در محل را با پایگاه‌های داده حاوی وضعیت مهاجرتی و سایر اطلاعات هویتی مقایسه کنند.»

بزرگ‌ترین زندان



روزنامه «دالاس مورنینگ» از احداث بزرگ‌ترین زندان برای مهاجران در آمریکا خبر داد و نوشت: «انباری که ماه‌هاست خالی و بلااستفاده مانده، حالا پیکره عظیم و بتونی آن با درهای بسته و پارکینگ خالی قرار است به بزرگ‌ترین مرکز نگهداری مهاجران در آمریکا تبدیل شود و می‌تواند تا ۹ هزار و ۵۰۰ نفر را در خود جای دهد. این طرح بخشی از تلاش‌های دولت دونالد ترامپ برای افزایش چشمگیر اخراج مهاجران بدون مدارک است.» به نوشته این روزنامه محلی، منتقدانی می‌گویند این طرح می‌تواند زیرساخت‌های محلی را تحت فشار قرار دهد، ترس را در میان خانواده‌های مهاجر گسترش دهد و نگرانی‌هایی درباره بهداشت و ایمنی شرایط داخل زندان‌های بزرگ را در بر دارد. بازداشت و نگهداری مهاجران از سوی سازمان مهاجرت و گمرک آمریکا به شدت افزایش یافته است. بر اساس داده‌های موجود، دست‌کم ۶۵ هزار نفر تا تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۲۵ در بازداشتگاه‌های این سازمان زندانی بودند. «اریک فولکرث»، یک کشیش ارشد محلی به این روزنامه گفت: «ما نباید انسان‌ها را در انباری که برای بسته‌ها در نظر گرفته شده، اسکان دهیم.» او و شماری دیگر از فعالان مذهبی هشدار دادند که این مرکز، هم شأن انسانی مهاجران را از بین می‌برد و هم زیرساخت‌های محلی را تحت فشار شدید قرار خواهد داد.»

زهر ا توحیدیان

دبیر گروه بین‌الملل

در سایه عملیات روانی پیچیده رسانه‌های معاند و بازی تهدید نظامی، یک اتساق فکر آمریکایی حملات انتقام‌جویانه ایران در عین‌الاسد را تحلیل کرد و درباره توانمندی‌های موشکی ایران هشدار داد. اندیشکده هادسون در این‌باره نوشت: «در هشتم ژانویه ۲۰۲۰، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک حمله موشکی بالستیک هماهنگ‌شده علیه پایگاه هوایی عین‌الاسد و یک تأسیسات نظامی دیگر انجام داد. این حملات که در چندین موج بین اواخر شب و اوایل صبح صورت گرفت، در ابتدا تلفات جانی فوری نداشت. رسانه‌های غربی این عملیات را عمدأ محدود و کنترل‌شده توصیف کردند و نوشتند که سپاه به گونه‌ای عمل کرده که ضمن وارد کردن خسارت، از آستانه‌هایی که ممکن است موجب تشدید درگیری شود، عبور نکرده است.»

این اتاق فکر آمریکایی ضمن اذعان به توانمندی ایران در هدف گرفتن پایگاه‌های آمریکایی در منطقه، ادعا کرد: «نقشه ایران بر تغییر چشم‌انداز تهدید در منطقه و افزایش هزینه دفاع آمریکا از پایگاه‌های خود در برابر حملات موشکی احتمالی

فراسو

قدرت مرگبار

گزارش روزنامه آمریکایی از توان موشکی ایران

«وال استریت ژورنال» نوشت: «تخمین زده می‌شود تهران ۲۰۰۰ موشک بالستیک میان‌برد دارد که می‌توانند به سراسر منطقه غرب آسیا برسند و تا اسرائیل را هدف قرار دهند. همچنین ذخایر قابل توجهی از موشک‌های کوتاه‌برد دارد که قادر به رسیدن به پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس و کشتی‌های تنگه هرمز هستند.»

این روزنامه افزود: «ایران همچنین ذخایر قابل توجهی از موشک‌های کروز ضد کشتی و قایق‌های اژدرافکن و همچنین پهپادهای زیادی دارد که می‌توانند کشتی‌های آمریکایی را تهدید کنند. این زرادخانه به ایران ظرفیت حمله به اهداف در سراسر غرب آسیا را می‌دهد، به این معنی که هرگونه حمله‌ای از سوی آمریکا می‌تواند به سرعت تشدید شود.»

به نوشته وال استریت ژورنال، «کشورهای خلیج فارس که متحدان نزدیک واشنگتن هستند، می‌گویند که ایران احتمالاً سلاح‌های خود را به سمت دارایی‌های آمریکا که نزدیک‌ترین فاصله را به سواحل

ضعیف و ناسازگار

«جفری ساکس» استاد سرشناس دانشگاه کلمبیا، در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا تلاش‌های دیپلماتیک درباره اوکراین شانس واقع‌بینانه‌ای برای موفقیت دارند یا خیر، اظهار کرد: «مشکل این است که اوکراین در دست باند و گروهی است که حکومت نظامی برقرار کرده و ترجیح می‌دهند اوکراین را به قتل برسانند تا اینکه مصالحه کنند. افسوس که اروپا مدیریت بسیار ضعیفی دارد و با سیاست‌های زلنسکی که برای اوکراین فاجعه‌بار است، همراهی می‌کند.» وی همچنین ادعاهای تکراری ترامپ مبنی بر پایان قریب‌الوقوع جنگ اوکراین را زیر سؤال برد و تأکید کرد: «ترامپ برای حل مشکل اوکراین از طریق دیپلماسی مؤثر، بسیار ضعیف و ناسازگار است.»



ایران متمرکز است. هنگامی که هزینه حفظ ساختارهای پدافند هوایی و موشکی در اطراف پایگاه‌های آمریکایی به سطحی غیرقابل تحمل برسد، نیروهای مستقر در آنجا به شدت آسیب‌پذیر می‌شوند. در چنین سناریویی، عاقلانه‌ترین رویکرد واشنگتن، عقب‌نشینی و ترک منطقه خواهد بود.» اندیشکده هادسون افزود: «پس از حملات آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در ژوئن ۲۰۲۵، ایران یک حمله موشکی بالستیک محدود علیه پایگاه هوایی العدید در قطر انجام داد. اگرچه باتری‌های پاتریوت از پایگاه محافظت کردند، اما هیچ ساختار پدافند هوایی و موشکی نمی‌تواند به طور نامحدود در برابر ویژگی‌های برتری حمله و اثرات اشباع جنگ موشکی مقاومت کند. حملات موشکی بعدی ایران به احتمال زیاد شامل شلیک‌های بیشتر و مدت زمان حمله طولانی‌تری خواهد بود. علاوه بر این، همه پایگاه‌های آمریکا در غرب آسیا از محافظت پدافند موشکی موجود در العدیدبرخوردار نیستند.»

به نوشته این اتاق فکر، بخش‌هایی از تأسیسات عین‌الاسد به مدت چهار تا هفت روز پس از حمله ایران بدون برق باقی ماندند. طی ۲۴ ساعت پس از حمله، ده‌ها نظامی مستقر در پایگاه با تشخیص آسیب‌های تروماتیک مغزی مواجه شدند. محل‌های اصابت موشک شامل خوابگاه‌ها،

آشیانه‌های هواپیما و تأسیسات پشتیبانی عملیاتی بود. با اصابت اولین موشک‌ها، بسیاری از نظامیان در معرض خطر قرار گرفته و مجبور شدند خود و دیگران را به سرعت به سمت پناهگاه منتقل کنند. چندین پناهگاه فروریخت یا آتش گرفت و ساکنان را مجبور کرد تا آنها را رها کرده و در جای دیگری به دنبال محافظت بگردند. حملات به مدت سه تا چهار ساعت ادامه یافت و پرسنل را در معرض امواج انفجار متعددی قرار داد. هادسون در ادامه نوشت: «مدت‌ها قبل از اصابت موشک‌ها به عین‌الاسد، تحلیلگران از احتمال چنین حمله‌ای هشدار داده بودند. پنج سال قبل از حمله، یک نشریه دانشگاهی نیروی هوایی ایالات متحده هشدار داده بود که نیروی موشکی بالستیک در حال گسترش ایران، به خطری مستقیم برای پایگاه‌های آمریکا در سراسر غرب آسیا تبدیل شده است. این ارزیابی تأکید می‌کرد که موشک‌های ایران پتانسیل آن را دارند که پایگاه‌های هوایی، مراکز لجستیک، گره‌های فرماندهی و بنادر تخلیه را در معرض خطر قرار دهند.»

این اتساق فکر با بیان اینکه ایران بزرگ‌ترین زرادخانه موشک‌های بالستیک در منطقه را در اختیار دارد و به طور پیوسته در حال بهبود برد و دقت آن است، افزود: «این امر، فرض دیرینه در امان بودن نیروهای آمریکایی مستقر در خاورمیانه

پنجره

ترامپ در بن‌بست

روایت رویترز از برنامه موشکی گنبد طلایی آمریکا

احتمالاً مقابله با تهدیدها از مدار زمین طراحی شده‌اند. این بخش شامل شبکه‌های پیشرفته ماهواره‌ای و تسلیحات مداری است که هنوز محل بحث هستند.

به گفته یکی از مقام‌ها، یکی از عوامل اصلی تأخیر، اختلافات داخلی بر سر تجهیزات محرمانه فضایی بوده است. نیروی فضایی آمریکا در ماه نوامبر حدود شش قرارداد کوچک‌ارزش برای ساخت نمونه‌های اولیه دفاع موشکی در چارچوب گنبد طلایی اعطا کرد. به گفته منابعی که پیشتر با رویترز گفت‌وگو کرده بودند، این قراردادها به شرکت‌هایی از جمله نورثروپ گرومن، ترو اتومالی، لاکهیدمارتین و اندوریل تعلق گرفت و ارزش هر یک حدود ۱۲۰ هزار دلار بود.

«تام کاراکو» کارشناس امنیت تسلیحاتی در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی در واشنگتن، گفت بخش عمده سال گذشته صرف بررسی‌های امنیتی، تصمیم‌گیری‌های نیروی انسانی و تصویب طرح‌های پیچیده شده است. او افزود بعید است پروژه گنبد طلایی تا سال ۲۰۲۸ به‌طور کامل تکمیل شود.

یک سال پس از آغاز ابتکار دفاع موشکی «گنبد طلایی» ترامپ، این پروژه با وجود جاه‌طلبی‌های اولیه، پیشرفت محسوسی نداشته و به‌دلیل اختلافات فنی و نگرانی‌ها درباره اجزای فضایی، با تأخیر در اجرای عملی و مشکلاتی در بودجه مواجه شده است. به نوشته «رویترز»، فرمان اجرایی ایجاد این سامانه، جدول زمانی فشرده‌ای را برای استقرار یک سامانه جامع دفاع موشکی سرزمینی تا سال ۲۰۲۸ تعیین کرده بود. با این حال، یک سال بعد، بخش قابل توجهی از ۲۵ میلیارد دلاری که تابستان گذشته به این برنامه اختصاص یافت، هنوز هزینه نشده است؛ چراکه مقام‌ها همچنان بر سر عناصر بنیادین معماری فضایی این سامانه اختلاف نظر دارند.

طرح گنبد طلایی بر گسترش سامانه‌های دفاع زمینی موجود، از جمله موشک‌های رهگیر، حسگرها و سامانه‌های فرماندهی و کنترل تکیه دارد و در عین حال افزودن عناصر آزمایشی فضایی را نیز مدنظر قرار می‌دهد؛ عناصری که برای شناسایی، رهگیری و

در تیررس ایران

«مارکو روییو» وزیر خارجه آمریکا، درباره تحولات در ایران بدون ارائه هرگونه سسندی ادعا کرد: «شاید در این لحظه اعتراضات متوقف شده باشد، اما در آینده‌ای نزدیک دوباره رخ خواهد داد.» وی با اشاره به تحرکات نظامی اخیر آمریکا در منطقه غرب آسیا افزود: «بیش از ۳۰ هزار نیرو در منطقه داریم که همگی در تیررس هزاران موشک و پهپاد ایران قرار دارند. باید به قدری حضور نظامی خود در منطقه را تقویت کنیم که بتوانیم در صورت تصمیم ایران برای حمله به نیروهای مان در منطقه، از آنها دفاع کنیم. ایران از توانایی کافی برای ضربه زدن به نیروهای آمریکا در منطقه برخوردار است.»



آمریکای منزوی

«جان کری» وزیر خارجه پیشین آمریکا، با بیان اینکه «اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری و سرمایه‌گذاری» آمریکاست، نوشت: «نابود کردن روابط دیرینه، یعنی اشتباه گرفتن دوست با دشمن که ما را منزوی می‌کند، نه رقبا می‌مارا. تاریخ گواه آن است که چرا بازگشت به نظام قرن نوزدهمی حوزه‌های نفوذ خطرناک است.» وی افزود: «واشنگتن پست از جنگ جهانی دوم سخت تلاش کرد تا تصویر یک قدرت امپریالیستی را از آمریکا دور کند. اکنون آمریکا در حال مخایره این پیام است که به دنبال تشکیل یک امپراتوری قرن بیست‌ویکمی است که از گرینلند تا آمریکای جنوبی گسترده شده است.»



از عین‌الاسد درس بگیرید!

صبح صادق هشدار اتاق‌های فکر آمریکایی به ترامپ را بررسی می‌کند

۵
راهبرد
شماره ۱۲۲۴ دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ صداقت

دیگران

اراده بقا

صبح صادق این یادداشت را صرفاً به منظور اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند *******

این باور که فشار اقتصادی می‌تواند جایگزین نیروی نظامی شود، یکی از پایه‌های فکری بین‌الملل‌گرایی لیبرال‌را تشکیل می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، تحریم‌ها و انزوای مالی، هزینه‌تهاجم‌را آتینچنان بالا می‌برند که دولت متخاصم ناگزیر از بازنگری در اهداف خود می‌شود. این رویکرد به‌طور گسترده در قبال منازعه اوکراین به کار رفته و با هر نشانه‌ای از بروز چالش در اقتصاد روسیه، این امید جان می‌گیرد که فشارهای اقتصادی، سرانجام مسکو را به تغییر مسیر وامی‌دارد. با این حال، تاریخ گواه دیگری می‌دهد. جنگ‌ها به ندرت صرفاً به‌دلیل افزایش هزینه‌ها متوقف می‌شوند؛ بلکه اغلب با شکست نظامی، گسست در ائتلاف حاکم، یا تحولات بنیادین در ساختار سیاسی به پایان می‌رسند.

نگاهی به تاریخ معاصر نشان می‌دهد، پس از شروع جنگ‌های بزرگ، ابزارهای اقتصادی به ندرت توانسته‌اند مستقیماً نتیجه را رقم بزنند. برای نمونه، تحریم نفتی علیه امپراتوری ژاپن در دهه ۱۹۴۰، نه تنها به عقب‌نشینی آن منجر نشد، بلکه با ایجاد هراس از یک فلج راهبردی، این کشور را به سمت تشدید جنگ سوق داد. این موارد نشان می‌دهد فشار اقتصادی تنها زمانی کارساز است که به یکی از این سه پیامد ملموس منجر شود: فروپاشی توانایی عملیاتی برای جنگیدن، از هم گسستن منافع ائتلاف قدرت، یا بی‌ثباتی در ساختار سیاسی. در غیر این صورت، دولت‌ها حتی با تحمل هزینه‌های گزاف، به مسیر خود ادامه می‌دهند.

تاب‌آوری در برابر فشارهای اقتصادی، در دلایل ساختاری عمیقی ریشه دارد. اقتصاد دوران جنگ، با بازآرایی مسیرهای تجاری، یافتن جایگزین‌های داخلی و هدایت منابع از بخش مصرف به سمت ماشین جنگی، خود را سازگار می‌کند. روسیه امروز نیز به‌شکلی نظام‌مند این الگو را پیاده کرده است. دولت با اولویت‌بخشی به بخش نظامی، افزایش چشمگیر بودجه دفاعی و متمرکز کردن ظرفیت صنعتی بر تولید مهمات، موفق به حفظ ظرفیت عملیاتی خود شده است. از این منظر، شاخص‌های عمومی اقتصاد کلان، تصویر کاملی از توانایی یک کشور برای ادامه جنگ ارائه نمی‌دهند. تا زمانی که یک کشور قادر به پرداخت حقوق نیروها و تولید تجهیزات باشد، منازعه ادامه خواهد یافت. علاوه بر این، تحریم‌ها با محدود کردن نخبگان متمایل به غرب و همسو کردن منافع نخبگان داخلی با تداوم وضع موجود، به‌طور ناخواسته‌ای به انسجام بیشتر در ساختار قدرت کمک کرده‌اند.

اما شاید مهم‌ترین عامل، چارچوب ذهنی حاکم بر این منازعه باشد. زمانی که یک درگیری از سوی رهبران یک کشور، نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک نبرد وجودی برای بقای ملی و حراست از سرنوشت تاریخی تعریف می‌شود، منطق اقتصادی در اولویت دوم قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی، پرهیز از شکست به هر قیمتی، بر تمام محاسبات دیگر برتری می‌یابد و عقب‌نشینی تحت فشار، به مثابه یک ضعف غیرقابل قبول تلقی می‌شود که می‌تواند پایه‌های قدرت داخلی را متزلزل کند. در سطح جامعه نیز، زمانی که فشارها به‌صورت تدریجی اعمال شوند و دولت توانایی مدیریت روایت‌ها را نداشته باشد، این سختی‌ها به منزله بخشی از یک ایثار ملی برای تحقق اهداف بزرگ‌تر پذیرفته می‌شوند.

^{*مقاله‌ای از اندیشکده سلطنتی دفاعی (RUSI)}

نگاهی به مفهوم «امنیت ترکیبی» و نقش آن در پیشگیری از چالش‌ها و تهدیدهای نوپدید

دوگانه‌های فرساینده

قطع شریان‌های درآمدی کشور و تشدید فشارهای معیشتی، به مثابه ماشه‌ای برای شعله‌ور کردن مجدد ناآرامی‌های داخلی عمل می‌کند. این راهبرد، که پیشتر در مدل‌هایی نظیر «فشار حداکثری» آزموده شده، اکنون با بهره‌گیری از نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی، به دنبال ایجاد یک فرسایش دومینووار است؛ فرسایشی که از اقتصاد شروع می‌شود، به جامعه تسری می‌یابد و در نهایت، ثبات سیاسی و تمامیت ارضی کشور را هدف قرار می‌دهد.

در ایسن میان، بازیگران دیگر نیز در حال محاسبه و کنشگری هستند. چنانکه تحلیل‌های اخیر در رسانه‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهد، توافقات تاکتیکی و آتش‌بس‌های موقت در منطقه، همچون آنچه پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه میان کشورمان و رژیم صهیونیستی رخ داد، به معنای پایان تخاصم نیست، بلکه وقفه‌ای برای بازسازی توان و انتظار برای فراهم شدن فرصتی دیگر است. این بازیگران، ناآرامی‌های داخلی در کشورمان را نه به مثابه یک مسئله داخلی، بلکه به مثابه یک متغیر راهبردی در معادلات خود رصد می‌کنند و حفظ و احیای آن را برای مهار و تضعیف توان ایران ضروری می‌دانند. زمانی که نهادهای بین‌المللی مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل، دانسته یا نادانسته، با صدور قطعنامه‌ها، فضای روانی و سیاسی لازم برای «مشروع‌سازی» تهدیدهای سخت و نرم علیه کشورمان را فراهم می‌کنند، این پیام به‌وضوح ارسال می‌شود که جنگ اصلی پیش از آنکه در میدان نظامی آغاز شود، در میدان «روایت» و «ادراک» در جریان است. سناریوهایی مانند آنچه در بنغازی شاهد بودیم نیز دقیقاً در چنین بستری متولد می‌شوند؛ جایی که مشروعیت‌زدایی از حاکمیت، زمینه را برای مداخله مستقیم خارجی هموار می‌کند.

امنیت ترکیبی و بازتعریف بقا در جهان آشوبناک

اتکا به چارچوب‌های امنیتی سنتی و سخت‌افزاری در چنین جهان پر تهدید و پیچیده امروز، نه تنها ناکافی، بلکه به‌طور بالقوه خطرناک است. «امنیت» به ابزارهای قهری و انتظامی، و غفلت از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی آن، خطایی راهبردی است که می‌تواند به «ناامنی خودساخته» منجر شود. زمانی که بخش‌هایی از جامعه به دلیل فشارهای معیشتی احساس طردشدگی و ناامیدی کنند، و زمانی که شکاف میان روایت رسمی و ادراک عمومی عمیق شود، سرمایه اجتماعی که مهم‌ترین سپر دفاعی یک ملت و کشور در برابر انواع تهدیدهای داخلی و خارجی است، دچار فرسایش می‌شود و این دقیقاً همان چیزی است که دشمنان کوچک و بزرگ کشور ما به دنبال آن هستند. در چنین وضعیتی، هرگونه اقدام سلبی

و محدودکننده در حوزه رسانه و افکار عمومی، نه تنها به بازدارندگی پایدار منجر نمی‌شود، بلکه خود به مولد ناامنی‌های شناختی و اجتماعی بدل شده و خوراک تبلیغاتی دشمنان را فراهم می‌آورد که نمونه آن را در ابام خاموشی چندین روزه اینترنت شاهد بودیم. از این‌رو، گذار به یک مفهوم ترکیبی و نوین از امنیت یک ضرورت انکارناپذیر است. امنیت ترکیبی، مفهومی یکپارچه است که در آن، ثبات اقتصادی، رضایت عمومی، کارآمدی سیاست خارجی، و قدرت فناوریانه، هم‌وزن و هم‌اهمیت با توانمندی‌های نظامی و دفاعی در نظر گرفته می‌شوند. در این نگاه، «قدرت ملی» دیگر صرفاً در توان سخت افزاری دفاعی خلاصه نمی‌شود، بلکه در میزان «انسجام ملی»، «تاب‌آوری اقتصادی» و «قدرت اقناع» افکار عمومی داخلی و جهانی تعریف می‌شود؛ چرا که امروز در عصری قرار داریم که جنگ‌ها بیش از آنکه در میدان نبرد تعیین تکلیف شوند، در ذهن‌ها و قلب‌ها رقم می‌خورند. بنابراین، در چنین عصری نه تنها کشور و نظام ما؛ بلکه تمام کشورها و نظام‌های سیاسی جهان نیازمند حکمرانی اقناعی، فعال و پاسخگو هستند. تنها در چنین حالت و شرایطی خواهد بود که یک نظام سیاسی به جای مدیریت پسینی بحران‌ها، به پیشگیری هوشمندانه از آنها از طریق سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و ارتباط مؤثر با جامعه خواهد پرداخت.

از دوگانه‌های فرساینده تا انسجام ملی

مسیر پیش روی کشورمان در این مقطع تاریخی، مسیری دشوار، اما روشن است. کلید عبور از این گردنه سخت، نه در انکار واقعیت‌ها و مشکلات و نارسایی‌های تلخ داخلی یا تهدیدهای جدی خارجی، بلکه در تولید فهم مشترک راهبردی و ترمیم انسجام ملی نهفته است. در وضعیتی که دشمنان خارجی آشکارا از تجزیه ژئوپلیتیکی کشورمان سخن می‌گویند و برای تحقق آن بر روی گسل‌های کوچک و بزرگ داخلی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، هر صدایی که بر طبل دوگانه‌های فرساینده و تفرقه‌افکن بکوبد، آگاهانه یا ناآگاهانه، در حال تکمیل جورچین دشمن است. دوگانه‌هایی نظیر «میدان و دیپلماسی»، «توسعه و امنیت»، «داخل و خارج»، «حکومت و ملت» و هر دوگانه کوچک و بزرگ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مرزهایی کاذب هستند که تنها به تضعیف کلیت «ما» به عنوان یک ملت-دولت تاریخی می‌انجامند. در مقابل، راهبرد عبور باید بر تقویت عقلانیت حکمرانی و کاهش هزینه‌های امنیتی کشور متمرکز باشد. این امر مستلزم آن است که در سطح کلان، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان، با شجاعت و دوراندیشی، منابع اصلی نارضایتی عمومی را که عمده‌تأ در ناکارآمدی‌ها

ضرورت جذب حداکثری

و انرژی راهبردی کشور، به جای آنکه صرف توسعه، پیشرفت و مقابله با تهدیدهای واقعی خارجی شود، صرف مهار تنش‌های داخلی و مدیریت بحران‌های خودساخته می‌شود. در این حالت، امنیت هستی‌شناختی جامعه، یعنی حس تعلق به یک سرنوشت مشترک و اراده جمعی برای دفاع از کیان ملی، به شدت تضعیف شده و کشور در برابر سناریوهایی نظیر جنگ داخلی یا تجزیه، به شدت آسیب‌پذیر می‌شود.

عبور از این وضعیت خطرناک و ارتقای انسجام ملی، نیازمند یک بازنگری عمیق در سطح گوناگون ملی و کنشگری نخبگان است. نخستین گام، حرکت از «سیاست هویت» به سمت «سیاست حل مسئله» است. مادامی که معیار قضاوت و تخصیص منابع، نه بر اساس شایستگی و نیاز، بلکه بر مبنای تعلق به یک گروه یا جریان خاص باشد، چرخه تولید نارضایتی و شکاف ادامه خواهد یافت. مسئولان باید با ایجاد فرصت‌های برابر، توزیع عادلانه منابع و به‌رسمیت شناختن موجد موجود در جامعه، این پیام را به همه افراد و گروه‌های



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

این روزها جهان و منطقه غرب آسیا در گذاری پرتلاش و تاریخی به سر می‌برد و کشورمان، به واسطه موقعیت ژئوپلیتیک و کنش‌گری مستقل خود، در کانون این تحولات قرار گرفته است. تلاقی هم‌زمان فشارهای فزاینده بیرونی، بازآرایی شتابان مناسبات منطقه‌ای و تحولات داخلی خاصه ناآرامی‌های دی ماه، وضعیتی پیچیده و چندلایه را پیش روی کشور و منطقه قرار داده است که در آن، مفاهیم، نگاه‌ها و تحلیل‌های قدیمی و غیر روزآمد قادر به تبیین و مدیریت واقعیت‌ها نیستند. حوادث هفته‌های اخیر، که با اصلاحات اقتصادی آغاز و به بروز ناآرامی‌های پرهزینه و خشونت‌بار منتهی شد، زنگ خطری جدی را به صدا درآورد. ایسن رخدادها نه تنها خسارات سنگین انسانی و مالی بر کشورمان تحمیل کرد، بلکه بستری فراهم کرد تا کارزار «ایران‌هراسی» با بازنمایی کشورمان به مثابه یک «بازیگر بحران‌ساز و بحران‌زده»، ابعادی تازه یابد. در چنین وضعیتی، تحرکات نظامی ایالات متحده در خلیج فارس و در سای عمان تحت عنوان آنچه ترامپ آن را تلاش برای تحمیل یک «مذاکره مطلوب» می‌خواند، تهدیدی است که صرفاً در قالب نظامی و امنیتی قابل تحلیل نیست. این وضعیت، این پرسش راهبردی را به میان می‌آورد که در این مقطع حساس از نظم در حال گذار در منطقه، کشورمان چگونه می‌تواند با بازتعریف مفهوم امنیت ملی و گذار به یک رویکرد ترکیبی و جدید، ضمن خنثی‌سازی تهدیدها، از این چالش‌ها به مثابه فرصتی برای تقویت انسجام داخلی و خنثی‌سازی تهدیدهای وجودی علیه خود استفاده کرده و به سمت و سوی ارتقای جایگاه راهبردی خود در منطقه حرکت کند.

از جنگ روایت‌ها تا آستانه نبردی دیگر

تحلیل دقیق وضعیت کنونی مستلزم درک ماهیت «تهدید ترکیبی» است که کشورمان با آن مواجه است. تهدیدی که در آن، قدرت سخت نظامی و فشار اقتصادی، با جنگ شناختی و عملیات روانی پیوندی عمیق یافته است. اعزام ناوگان دریایی ایالات متحده به منطقه، آن‌گونه که رئیس‌جمهور این کشور نیز بارها در توییت‌ها و سخنرانی‌های چند روز اخیر خود به آن اشاره کرده، صرفاً یک نمایش قدرت نظامی نیست؛ بلکه قطعه‌ای از پازلی بزرگ‌تر است که در آن، محاصره اقتصادی با هدف

سید علی حسینی

کارشناس امنیت ملی

جامعه را می‌توان به مثابه یک موجود زنده در نظر گرفت که سلامت و بقای آن در گرو کارکرد هماهنگ و منسجم اجزای درونی آن است. در این میان، انسجام ملی نه یک شعار سیاسی یا مفهومی انتزاعی، بلکه به منزله سیستم‌ایمنی این پیکره اجتماعی عمل می‌کند؛ یک سپر دفاعی حیاتی که در برابر ویروس‌های تفرقه و تهدیدهای خارجی، تاب‌آوری و قدرت بازدارندگی ایجاد می‌کند. از این منظر، هر عاملی که به تضعیف این انسجام و تولید شکاف‌های عمیق اجتماعی دامن بزند، مستقیماً «امنیت ملی» را هدف قرار داده است. پدیده خطرناک «دوگانه‌سازی» که امروز در سطوح گوناگون جامعه ما رسوخ کرده، دقیقاً چنین کارکردی دارد و نیازمند یک کالبدشکافی دقیق و جامعه‌شناختی است.

آسیب اصلی دوگانه‌سازی، فرسایش تدریجی و مخرب سرمایه اجتماعی است. اعتماد، به‌عنوان چسب نامرئی روابط اجتماعی و پیوند میان شهروندان با یکدیگر و با ساختار حکمرانی، در بستر دوگانه‌های هویتی از میان می‌رود. هنگامی که تفاوت در دیدگاه سیاسی، سبک زندگی یا باور فرهنگی، به برچسبی

یادداشت

نسخه درست
در موقع نامناسب!

مرتضی افقه

اقتصاددان



تک نرخی شدن ارز و حذف ارز ترجیحی که دولت طی روزهای اخیر از آن بسیار سخن گفته و با کالابرگ یک میلیون تومانی به حذف ارز ترجیحی و حرکت به سمت تک نرخی کردن ارز رسمیت بخشیده است، در اقتصاد ایران نه می تواند موجب بهبود وضعیت معیشتی مردم شده و نه به تثبیت نرخ ارز کمک کند. بنابراین دولت با نسخه تک نرخی کردن ارز نمی تواند بار بخش قابل توجهی از مشکلات خود و معیشت مردم را حل و فصل کند.

آنچه در این موضوع حائز اهمیت است، اینکه تک نرخی کردن ارز قواعد خاص خود را دارد یعنی محیط و بسترهای لازم برای انجام این امر در اقتصاد اگر فراهم نباشد، منجر به خسارات دیگری می شود که نتایج نامطلوبی به دنبال دارد.

به نظر می رسد دولت و شخص رئیس جمهور براساس سخنان اقتصاد خوانده هایی که وی را به تک نرخی سازی ارز تشویق کردند، با این توجیه که در این صورت رانتی توزیع نمی شود و مفاسد اقتصادی از بین می رود و معیشت مردم در خط سیر ثابتی قرار می گیرد، تصمیم به انجام این کار را گرفت؛ اما نسخه درستی به دست آقای رئیس جمهور ندادند؛ زیرا حذف ارز ترجیحی و تک نرخی شدن ارز در شرایط اقتصاد ایران و وضعیت سیاست خارجی و بحران های بین المللی نمی تواند مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور را حل کند.

در این موضوع شک و تردیدی وجود ندارد که عدم توزیع رانت مطلوب هر اقتصادی است، هر چند در توسعه یافته ترین کشورها نیز دولت ها به افشار مختلفی از جامعه که توانایی کار و تولید و کسب درآمد برای گذران زندگی خود و خانواده ندارند، یارانه می دهند و خدماتی به صورت رایگان یا با هزینه های پایین به آنها ارائه می دهند؛ اما در اقتصادی که تحت تنش های خارجی نرخ ارز مدام در حال افزایش است و نوسانات ارزی معیشت مردم را به بازی گرفته است، نمی توان چنین توسعه یافته ای که کمترین شباهتی به ما چه در حوزه مدیریت اقتصادی و سیاست خارجی ندارند، تشبیه کرد و از آنها الهام گرفت.

اقتصاد خوانده هایی که به رئیس جمهور مشاوره می دهند، به جای مراجعه به کتاب و بررسی اصول علم اقتصاد بهتر است نیم نگاهی به وضعیت اقتصادی و معیشتی هشتاد میلیون ایرانی داشته باشند و مسائل عرصه سیاسی و بین الملل که چگونه بر افزایش نرخ ارز و به تبع آن بر بالا رفتن قیمت همه کالاها اثر گذار است.

بهتر است چنین مشاورانی به جای بررسی کتاب های اقتصادی که فرمول هایی برای مدیریت اقتصاد در شرایط عادی نوشته شده، به وضعیت تورم بیش از ۵۰ درصد دقت کنند و متوجه باشند لزوماً آنچه در کتاب های اقتصادی نوشته شده، برای همه کشورها یکسان نیست و وقتی زیر ساخت ها فرسوده و بحران های بین المللی ما را احاطه کرده است، نباید نسخه های درمان کشورهای را در اقتصاد تورمی ایران اجرا کرد؛ زیرا بی توجهی به این موضوع مردم را تحت فشار های اقتصادی و معیشتی قابل توجهی قرار می دهد.



ساحل عباسی

خبرنگار

کارشناس و تحلیلگر بازار کار گفت: «برای رفع نگرانی های بخش قابل توجهی از جامعه که یارانه و کالابرگ دریافت می کنند، بی شک دولت باید به مردم شفاف توضیح دهد که از چه راهی منابع مالی کالابرگ و یارانه نقدی را تأمین می کند. وقتی می دانیم دولت دچار کسری بودجه است و موظف به اصلاحاتی در حوزه دستمزدها شده، بنابراین رقم های سنگینی به دولت تحمیل می شود که محل تأمین منابع آن مشخص نیست.»

«حمید حاج اسماعیلی» کارشناس و تحلیلگر بازار کار در گفت و گو با «صبح صادق» درباره بررسی های میدانی توزیع و تخصیص کالابرگ به گروه های مختلف درآمدی به چند نکته مهم اشاره کرد و گفت: «پیش از اینکه دولت موضوع کالابرگ یک میلیون تومانی را مطرح کند، انتقادهای زیادی نسبت به رویکرد دولت در لایحه بودجه از سوی دهک های مختلف درآمدی مطرح می شد؛ موضوعی که در خصوص یارانه ها نیز مطرح بود.»

وی در این باره گفت: «از این رو نسبت به رویکرد دولت در بخش یارانه ها و کالابرگ انتقادهایی وجود داشت و وجود دارد؛ زیرا اعتبار مشخصی برای این موضوع و ماهه ای آتی در نظر گرفته نشده است. با اینکه مجلس دولت را موظف به بازنگری در موضوع دستمزد و یارانه ها و ارائه برنامه مشخص کرد؛ اما دولت در این زمینه اقدام مشخصی انجام نداده و متأسفانه همچنان ابهامات گذشته برای تعیین اعتبار ثابت در بخش یارانه و کالابرگ وجود دارد.» این کارشناس بازار کار یادآور شد: «به این دلیل و با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی ۲ درصد ارزش افزوده مورد نظر دولت را که قرار بود افزایش بیابد، حذف کرد، ابهام دیگری درباره تأمین منابع مالی یارانه و کالابرگ یک میلیون تومانی ایجاد شده است؛ چرا که دولت یکی از منابع تأمین مالی حمایت های خود را افزایش دو درصدی مالیات بر ارزش افزوده عنوان کرده بود؛ در حالی که اکنون این میزان افزایش حذف شده و عملاً دولت از این طریق درآمد جدیدی کسب نخواهد کرد. ضمن اینکه با توجه به افزایش میزان تورم و اینکه یارانه یک میلیون

حمید حاج اسماعیلی، در گفت و گو با صبح صادق مطرح کرد

منابع کالابرگ چگونه تأمین می شوند!



حاج اسماعیلی یادآور شد: «عموماً دهک ده افرادی با درآمدهای بسیار بالا نیستند، مثلاً بازنشستگانی که درآمدهای سی میلیونی دارند یا برخی از کارمندان معمولی و... نیز جزء دهک ده دسته بندی شده اند.» وی گفت: «به هر حال با حذف ارز ترجیحی و افزایش قیمت ها به معیشت بسیاری از افراد آسیب رسیده است، اما برخی از این افراد هنوز از دریافت همین کالابرگ نیز محروم مانده اند.»

وی در ادامه بحث تصریح کرد: «مستولان و متولیان امر بر این نکته تأکید دارند که یارانه به هشتاد میلیون ایرانی داده می شود؛ در حالی که این رقم درست نیست، زیرا بسیاری در حوزه کارگری و کارمندی یارانه ای دریافت نکرده اند و به زعم وزارت رفاه در دهک ده دسته بندی شده اند. با توجه به اینکه در ایران دهک بندی های بالای ۱۰ نداریم، لذا کسانی که حقوق سی میلیون تومانی دریافت می کنند، از نظر دولت ثروتمند و مساوی با تجار و بازرگانان یا افراد با درآمدهای بسیار بالا هستند، بنابراین این شرایط موجود با اظهارات آقای وزیر در تعارض است، اینکه می گویند هر کسی به صرف اینکه بازنشسته باشد و حقوق بگیر باشد، مشمول دریافت کالابرگ می شود و دولت به تمکن مالی وی توجهی ندارد، درست و واقعی نیست.»

حمید حاج اسماعیلی در خصوص چرایی یک میلیون تومانی شدن رقم کالابرگ نیز گفت: «به نظر می رسد به غیر از بحث حذف ارز ترجیحی و تبعات تورمی آن یکی از دلایل افزایش رقم کالابرگ کاهش استفاده کنندگان از کالابرگ است که طی ماه های

اخیر کاهش چشمگیری داشته است.» این کارشناس و تحلیلگر بازار کار یادآور شد: «وقتی طی چند ماه اخیر نزدیک به سی میلیون نفر از دریافت کالابرگ حذف شده اند، نشان می دهد بخش زیادی از حقوق بگیران و کارمندان مشمول دریافت کالابرگ نیستند مگر اینکه دولت در این خصوص شفاف سازی کند و با سندن و مدرک نشان دهد به هشتاد میلیون نفر کالابرگ یارانه می پردازد.»

وی در پایان گفت و گو تصریح کرد: «امید می رود اعطای کالابرگ با توجه به افزایش صد تا چهارصد درصدی قیمت برخی از اقلام خوراکی و بسیاری از کالاها به همه اقشار جامعه مد نظر دولت باشد و دولت توجه ویژه ای به پرداخت یارانه و کالابرگ به بازنشستگان و کارمندان داشته باشد.»

است، مردم از این موضوع نگران هستند که اگر دولت نتواند اعتبار کالابرگ را افزایش دهد، چه بر سر معیشت آنها می آید. مجموع مسائل موجود این مسئله را قطعی می کند که میزان حمایت های دولت باید افزایش یابد؛ اما دولت هنوز منابع لازم برای این حمایت ها را مشخص نکرده است.»

حاج اسماعیلی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «بعد از اعلام حذف ارز ترجیحی از سوی دولت شاهد افزایش قیمت همه کالاها بودیم، به نحوی که طی هفته های گذشته روغن در بازار برای چند روزی دچار کمبود شد؛ زیرا برخی از شرکت ها روغن های خود را از بازار جمع آوری کردند، چرا که تولیدکننده ها مترصد افزایش قیمت بودند. افزایش قیمت ها به گفته سخنگوی دولت قرار بود در چند قلم کالا رخ دهد؛ در حالی که امروز همه کالاها و خدمات از حذف ارز ترجیحی متأثر شده و افزایش قیمت قابل توجهی یافته اند.»

این کارشناس اقتصادی گفت: «با اینکه مستولان نسبت به نگرانی های مردم در تأمین معیشت حداقلی آگاه هستند؛ اما در خصوص موضوع اعطای یارانه و کالابرگ به مردم تناقض های زیادی در گفتار مستولان دیده می شود. برای نمونه، وزیر کار تأکید دارد به همه دهک ها به جز دهک ۱۰ کالابرگ داده شده است؛ اما بسیاری از مردم کالابرگ نداشته اند یا اینکه دهک بندی ها درست نیست. در جای دیگر گفت شد حتی دهک ده هم کالابرگ دریافت می کند و... در واقع گاها اظهارات دولتی ها هماهنگ و یکسان نیست.»

♦ دولت یکی از منابع تأمین مالی حمایت های خود را افزایش دو درصدی مالیات بر ارزش افزوده عنوان کرده بود؛ در حالی که اکنون این میزان افزایش حذف شده و عملاً دولت از این طریق درآمد جدیدی کسب نخواهد کرد

♦ طی ماه های آینده تمامی ارزهای ترجیحی به جز ارز ترجیحی دارو حذف شود؛ اما با نگاهی به افزایش قیمت هایی که نه فقط در چند قلم کالا، بلکه در قیمت تمامی کالاها اتفاق افتاده است، مردم از این موضوع نگران هستند که اگر دولت نتواند اعتبار کالابرگ را افزایش دهد

♦ امید می رود اعطای کالابرگ با توجه به افزایش صد تا چهارصد درصدی قیمت برخی از اقلام خوراکی و بسیاری از کالاها به همه اقشار جامعه مد نظر دولت باشد و دولت توجه ویژه ای به پرداخت یارانه و کالابرگ به بازنشستگان و کارمندان داشته باشد

شاخص

بحران امنیت

اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی به گاز روسیه و مقابله با نوسانات انرژی، به دنبال تأمین کنندگان جدید گاز است. پس از جنگ اوکراین، کاهش واردات از روسیه و جهش قیمت ها، این بلوک را به شدت به گاز طبیعی مایع (الان جی) آمریکا وابسته کرده است. کمیسر انرژی اتحادیه اروپا، «دن یورگسن» هشدار داد، این وابستگی جدید خطر جایگزینی یک بحران با بحران دیگر را دارد و بر تنوع منابع تأکید کرد. او قصد دارد برای مذاکره با کانادا، قطر و کشورهای شمال آفریقا سفر کند. تنش های ژئوپلیتیکی، از جمله بحران گرینلند و فشارهای تجاری آمریکا، بر امنیت انرژی اروپا سایه افکنده است.



منهای نفت

سی باس

در هر مزگان، ماهی «سی باس» به ستاره صادرات غیرنفتی تبدیل شده است. این استان با تولید سالانه ۱۳ هزار تن آبزی و توسعه مزارع پرورش در قفس های دریایی، توانسته است نیاز بازارهای عربی، مانند دویی، دوحه و مسقط را با محصولاتی تازه و باکیفیت تأمین کند. نزدیکی جغرافیایی هر مزگان به بازارهای هدف، زمان و هزینه حمل و نقل را کاهش داده و رقابت پذیری محصول ایرانی را افزایش داده است. با تکمیل زنجیره ارزش و توسعه مراکز تکثیر لارو، وابستگی ارزی کاهش یافته و اشتغال منطقه گسترش یافته است. سی باس ایرانی اکنون نماد کیفیت، فناوری و قدرت صادراتی هر مزگان در خلیج فارس است.



افزوده

رکود تورمی

«رکود تورمی» یکی از پیچیده ترین چالش های اقتصادی است که کشورها را درگیر بحران های همزمان می کند. در این وضعیت، برخلاف چرخه های سنتی اقتصاد، دو پدیده ناسازگار با هم، یعنی «رکود اقتصادی» و «تورم بالا» به صورت همزمان رخ می دهند. معمولاً پیش بینی می شود در رکود تقاضا کاهش یافته و تورم نیز فروکش کند، اما در رکود تورمی، رشد اقتصادی متوقف شده یا به شدت کند می شود، در حالی که قیمت کالاها و خدمات همچنان رو به افزایش است. این پدیده می تواند ناشی از شوک های عرضه، افزایش ناگهانی قیمت انرژی یا سیاست های اقتصادی نادرست باشد.



وظیفه مؤمنان در عصر غیبت چیست؟

گفتاری از آیت الله عبدالله جوادی آملی

در عصر غیبت وظیفه ما این دعایی است که زراره از حضرت امام صادق(ع) سؤال می کند وظیفه ما در عصر غیبت چیست و حضرت این دعای نورانی «اللهم عَزِّفْنِی نَفْسَک» را به او می آموزاند. در این چند جمله نورانی از ذات اقدس الهی مسئلت می کنیم این توفیق غدیری شدن را به ما مرحمت کند و از افتادن در گودال سقفی ما را نجات بدهد. فرمود ما اهل بیت(ع) معتقدیم که امام مردم، خلیفه پیغمبر است، جانشین خداست. پس مسئله نبوّت، رسالت، امامت، ولایت و خلافت اینها هیچ کدام با رأی مردم نیست، اینها خلیفه ذات اقدس الهی اند یا مع الواسطه یا بلاواسطه، این اصل اول.

اصل دوم آن است که شناخت خلیفه بدون شناخت مستخلف عنه ممکن نیست. ما وقتی می توانیم خلیفه الله را بشناسیم که الله را بشناسیم. فرق جوهری غدیر و سقیفه در همین چند جمله است که حضرت به زراره آموخت. فرمود بگو «اللهم عزّفتنی نفسک فإنّک اِن لم تعرّفنی نفسک لم اعرّف رسولک» تا من الله را نشناسم، صفات ذاتی او را نشناسم. من اگر تو را نشناسم رسول تو را

نمی شناسم، رسول که منتخب مردم نیست، رسول که وکیل مردم نیست، رسول خلیفه الله است. امام آن است که جای پیغمبر بنشیند، نه کسی که سقیفه او را تأیید کند و مردم به او رأی بدهند! پس در عصر غیبت وظیفه ما فهم است و فهم! وقتی این شد بقیه امور حل است، شما ببینید زراره از بهترین شاگردان حضرت است و وجود مبارک حضرت هم بهترین دعای وظیفه عصر غیبت را به او آموخت که وقتی بفهمید غدیر حق است و سقیفه باطل است، راه مشخص می شود. الان اگر وجود مبارک حضرتش وجود و ظهور پیدا کند، اداره هفت میلیارد بشر روی کره زمین آسان است؛ چون حضرت اولین کاری که به عنایت الهی انجام می دهد، این است که عقل مردم را بالا می برد، مگر جهان با کشتن اصلاح می شود؟ این بیان نورانی حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه هست که فرمود حضرت که ظهور کرد همان کاری که وجود مبارک پیغمبر (ص) کرد، امام عصر(عج) هم همان کار را می کند. حضرت که در حجاز ظهور کرد، این دو کار رسمی را جزء برنامه هایش قرار داد، در بخش اندیشه و علم و

فکر آمده برهان را به جای وهم و خیال نشانده، تا آدم دهن باز نکند، چیزی که علمی نیست نگوید و ننویسد! در گرایش ها و علاقه ها روی میل کار نکنند، بلکه روی عقل کار کنند. کاری که آدم نتواند با آن بهشت را کسب کند، این عقل نیست عاقل ترین مردم جهان که دیگر زیر این آسمان دومی ندارند، همین اهل بیت(ع) هستند.

غرض این است که اهل بیت(ع) سعی کردند ما را با فرهنگ دین آشنا کنند. فرمود در عصر غیبت وظیفه ما این است تا خدای ناکرده گرفتار سقیفه و طرز تفکر سقفی نشویم. آن هم بیان نورانی حضرت امیر(ع) که فرمود وقتی حضرت ظهور کرد مسیر فکر را عوض می کند یعنی مظلّه و گمان و وهم و خیال را طرد می کند، علم و برهان و استدلال را جای آن می نشاند و از نظر گرایش ها هوا و هوس را طرد می کند، عقل و عدل را به جای آن می نشاند، در چنین زمان و زمینی اداره مردم آسان است. خداوند فرمود ما انبیا را فرستادیم تا بشر علیه ما برهان اقامه کنند و نگوید خدایا تو که می دانستی ما با مرگ نمی بوسیم از جای دیگر به جای دیگر



سقوط از ترس سقوط

دارند تو کوتاه بیایی تا آنان نیز کوتاه بیایند؛ اما این کوتاه آمدن پایانی ندارد. تجربه تاریخ نشان داده است، هر جا مقاومتی وجود نداشته، تحقیر و سلطه تشدید شده است.

مستکبران تنها زمانی از تهدید و تحقیر دست برمی دارند که احساس کنند طرف مقابل توان ایستادن روی پای خود را دارد. آیه «وَلَا تَهْوَاْ وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَنْتُمْ اِلَ الْعُلُوْاْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ» دقیقاً به همین منطق اشاره دارد؛ سستی نکنید و اندوهگین نشوید، اگر ایمان داشته باشید شما برترید. برتری ای که قرآن از آن سخن می گوید، برتری اخلاقی، ایمانی و اراده است، نه وابستگی به قدرت های ظاهری اما وقتی ایمان تضعیف می شود، جای آن را ترس پر می کند و ترس، انسان را به اطاعت کورکورانه می کشاند.

ظالمان برای تثبیت سلطه خود، بیش از هر چیز روی ذهن ها کار می کنند. آنان می کوشند این باور را القا کنند که بدون تکیه به آنان، زندگی ممکن نیست؛ بدون حمایت آنان، اقتصاد فرو می باشد؛ بدون رضایت آنان، امنیت از بین می رود. این همان «بردگی مدرن» است؛ بردگی ای که با زنجیر آهنین نیست؛ بلکه با زنجیر باورها شکل می گیرد. امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً»؛ بنده دیگری نباش، در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) بسیاری از انسان ها آزادی الهی خود را فراموش می کنند و داوطلبانه به بندگی صاحب قدرت تن می دهند.

سیدحسین خامنی خوانساری



دبیر گروه معارف

یکی از ریشه های مهم سر فرود آوردن انسان ها و ملت ها در برابر ظالمان و مستکبران، دلبستگی افراطی به دنیاست؛ دلبستگی ای که گاه در قالب محبت به ثروت، قدرت، مقام، امنیت ظاهری یا حتی شهرت بروز می کند. قرآن کریم بارها هشدار می دهد که دنیا محل ماندن نیست و تکیه گاه امنی برای انسان به شمار نمی آید؛ اما مشکل از جایی آغاز می شود که انسان، بقای خود را در گرو حفظ همین داشته های ناپایدار می بیند. خداوند می فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»؛ زندگی دنیا چیزی جز کلاّی فریبنده نیست. با این حال، بسیاری از انسان ها به همین متاع فریبنده دل خوش می کنند و حاضر می شوند برای حفظ آن، عزت و آزادی خود را واگذار کنند.

ترس از دست دادن دنیا، انسان را به نقطه ای می رساند که گمان می کند برای ماندن در قدرت، ثروت یا حتی یک زندگی معمولی، باید رضایت مستکبران را جلب کند! اینجاست که رابطه ای نابرابر شکل می گیرد؛ رابطه ای که در آن مستکبر نه شریک می خواهد و نه هم سطح، بلکه مطیع و وابسته می طلبد. قرآن این حقیقت را به روشنی بیان می کند: «وَوَلُواْ لَوْ ذُهِبَ قُتَيْدُهُنَّ»؛ آنان دوست

که همه عزت نزد خداست. عزتی که از غیر خدا طلب شود، سرانجام به ذلت می انجامد. در نگاه اسلامی، مستکبر هیچ گاه اجازه نمی دهد کسی در کنار او قدرتمند و مستقل شود. او دیگران را تا جایی بالا می کشد که نردبان صعود خودش باشند، نه بیشتر. به همین دلیل، تکیه به مستکبر نه تنها امنیت آور نیست، بلکه انسان و ملت ها را در چرخه ای از وابستگی و تحقیر گرفتار می کند.

در ترکیب ترس از دنیا و ضعف ایمان جست و جو کرد. هر جا ایمان به وعده های الهی تقویت شود، ترس فرو می ریزد و انسان جرئت ایستادن پیدا می کند. قرآن وعده می دهد: «وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند. ایسن کفایت، یعنی بی نیازی از تکیه بر ظالمان. تا زمانی که انسان ها باور نکنند می توانند بدون مستکبران زندگی کنند، رشد یابد و عزتمند باشند، چرخه سلطه ادامه خواهد داشت. اما لحظه ای که این باور شکسته شود، معادله قدرت نیز دگرگون می شود. در کل هیچ انسان نباید به هیچ مستکبر و ظالمی برای به دست آوردن قدرت، ثروت، شهرت و... روی بیاورد؛ زیرا مستکبر هیچ گاه نمی خواهد و نمی تواند رشد کسی را سبب شود. بسیاری از قدرت طلبان و دنیا دوستان با اطاعت از مستکبران به دنبال جلوگیری از سقوطشان بودند، اما با دست همان مستکبر سقوط کردند!

تاریخ نگار

ورود به کوفه

پس از شکست خوارج در جنگ نهروان، سه نفر از آنان در مکه گرد هم آمدند و برای ترور سه نفر، یعنی امام علی(ع)، معاویه و عمرو بن عاص توافق کردند. عبدالرحمن بن ملجم مرادی مسئولیت قتل امام علی(ع) را بر عهده گرفت و به کوفه رفت. او در ۲۰ شعبان سال ۴۰ هجری وارد کوفه و خانه اشعث بن قیس شد و با راهنمایی های وی با دختری به نام قطام دختر علقمه، آشنا و دلباخته زیبایی وی شد و از او خواستگاری کرد. قطام، که پدر و برادرش در نهروان کشته شده بودند، پذیرش ازدواج خود را مشروط به کشتن امیرالمؤمنین علی(ع) کرد.



احکام

نجاست لباس نمازگزار

پرسش: اگر نمازگزار یقین داشته باشد که نجاستی بر بدن یا لباسش وجود ندارد و نماز بخواند، بعداً معلوم شود که بدن یا لباس او نجس بوده است، آیا نماز وی باطل است؟ اگر در حین نماز نجاست حاصل شود، نماز او چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر اصلاً علم به نجس بودن لباس یا بدن نداشته باشد و بعد از نماز متوجه آن شود، نماز او صحیح است و اعاده و قضا واجب نیست؛ ولی اگر در اثناء نماز نجاست عارض شود، اگر برای وی ازاله نجاست از بدن یا در آوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد، ممکن باشد، باید نجاست بدن را بر طرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل کند و اگر بر طرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و وقت هم وسعت دارد، واجب است که نماز را قطع کند و با بدن و لباس پاک آن را اعاده کند.

(آیت الله العظمی خامنه ای اجوبه الاستفتائات، سؤال ۴۳۰)

دین

شماره ۱۲۲۴ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴

صداقت

مکتب

جرم فراموش شده!

محمدتقی بهار لو

کارشناس سیاسی

در منظومه فکری قرآن، «امنیت روانی» صرفاً یک امر اخلاقی یا توصیه ای حاشیه ای نیست؛ بلکه یکی از پایه های استحکام جامعه اسلامی به شمار می آید. جامعه ای که آرامش روانی در آن مخدوش شود، حتی اگر از نظر ظاهری امن باشد، در معرض فروپاشی تدریجی قرار می گیرد. قرآن کریم بسا نگاهی دقیق و واقع گرایانه، به عواملی اشاره می کند که این آرامش جمعی را تهدید می کنند و برای آنها احکام و هشدارهای صریحی ارائه می دهد.

در آیه ۶۰ سوره احزاب، خداوند از جریانی سخن می گوید که کارویژه اصلی آن ایجاد اضطراب و تشویش در فضای عمومی است: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»؛ اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه [از کارشان] باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نپایند. هم نشینی «مرجفون» با منافقان و بیمار دلان در این آیه، به روشنی از سطح تهدیدی حکایت می کند که قرآن برای این رفتار قائل است: تهدیدی که متوجه بنیان های روانی جامعه است، نه صرفاً نظم ظاهری آن.

واژه «ارجاف» در لغت به معنای لرزاندن و ایجاد اضطراب آمده و در کاربرد قرآنی، ناظر به کنش هایی است که با خیر، تحلیل یا موضع گیری، آرامش روانی جامعه را هدف قرار می دهد. این معنا در آیات دیگری نیز تأیید می شود؛ از جمله آیه ۱۹ سوره نور که می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الْمَدِينَةِ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». در این منطق، اشاعه ترس، اضطراب یا فساد روانی، یک خطای فردی ساده نیست، بلکه به مثابه آسیب اجتماعی تلقی می شود.

تفسیر قرآنی نیز بُعد عینی این مفهوم را روشن تر کرده اند. علی بن ابراهیم قمی در بیان شأن نزول آیه ارجاف نقل می کند که گروهی از منافقان در مدینه، هنگام خروج پیامبر اکرم(ص) برای جهاد، شایعه قتل یا اسارت ایشان را منتشر می کردند؛ اخباری که موجب «اغتمام مسلمین» می شد و فضای جامعه را دچار اضطراب می کرد. ایسن رفتار، صرفاً دروغ پردازی نبود، بلکه آگاهانه و با هدف برهم زدن روحیه عمومی انجام می گرفت.

نکته قابل توجه آن است که قرآن، ارجاف را به نشر اخبار کاذب محدود نمی داند. حتی بازگویی خبر درست در زمان و موقعیت نامناسب، اگر به قصد ایجاد تشویش صورت گیرد، می تواند مصداق این عنوان باشد. از همین رو، تقلیل ارجاف به «شایعه» یا «دروغ» با منطق قرآنی سازگار نیست. در ادامه همین نگاه، قرآن برای این رفتار مجازات های سنگینی ذکر می کند. آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب از اخراج، طرد و حتی قتل سخن می گویند:

«ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» و «مَلْعُونِينَ أَيْمًا نَقِفُوا أَخَذُوا وَقَتَلُوا نَقِيَّتِلَا». شدت این تعبیر نشان می دهد، تخریب امنیت روانی، در تراز تهدیدهای بزرگ اجتماعی قرار دارد. از منظر قرآنی، همان گونه که جان انسان محترم است «وَمَنْ قَتَلَ نَفْسًا... فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده ۳۲). روح جمعی جامعه نیز حریمی دارد که تعرض به آن جرم تلقی می شود. ارجاف عنوانی قصدی است؛ یعنی تحقق آن منوط به اراده و نیت آگاهانه برای ایجاد اضطراب است و دقیقاً به همین دلیل، در متن قرآن با چنین حساسیت و شدتی مورد خطاب قرار گرفته است.

۸
 پیوست
شماره ۱۲۲۴ دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴
 صداق

 کابوس
 تروریست‌ها
 پیوستی ویژه اشتباه راهبردی
 اروپا در تروریستی اعلام کردن
 سپاه پاسدارن

وارونگی حقیقت در ویت‌رین بروکسل

تصمیم اخیر اتحادیه اروپا در قراردادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست ادعایی «گروه‌های تروریستی»، بیش از آنکه یک اقدام حقوقی باشد، یک بیانیه سیاسی «غیرقانونی» و «غیرموجه» است که با واقعیت‌های میدانی چهار دهه گذشته فرسنگ‌ها فاصله دارد. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که تاریخ معاصر منطقه شهادت می‌دهد، سپاه نه یک تهدید، بلکه «قوی‌ترین» و «مؤثرترین» نیروی ضدتروریستی در جهان بوده‌است. نادیده‌گرفتن نقش این نهاد در فروپاشی خلافت خودخوانده داعش و مهار گروه‌های تجزیه‌طلب، نشان‌دهنده یک استاندارد دوگانه است؛ جایی که جای شاکي و متهم در راهروهای دیپلماتیک بروکسل عوض شده و بازوی امنیت‌ساز ایران هدف کینه‌توزی‌های سیاسی قرار گرفته‌است. اقدام اروپا علیه سپاه را باید از منظر «انتقام‌گیری» تحلیل کرد؛ انتقام از نهادی که تمام نقشه‌های ژئوپلیتیک برای تکه‌تکه کردن خاورمیانه را نقش‌برآب کرد. نگاهی به کارنامه چهل‌ساله این نهاد، تصویری متفاوت از آنچه رسانه‌های غربی می‌سازند، ارائه می‌دهد.

- چهار دهه نبرد با تروریسم سپاه**

سپاه از همان نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب، درگیر مبارزه با تروریسم بوده‌است. از غائله خلق عرب در جنوب‌غرب (بهار ۱۳۵۸) گرفته تا مقابله با گروه‌های تجزیه‌طلب «کومله» و «دموکرات» در غرب و فتنه «خلق ترکمن» در گنبد کاووس، این سپاه بود که مانع از فروپاشی تمامیت ارضی ایران شد. در دهه ۶۰، زمانی که گروهک منافقین با اعلام جنگ مسلحانه، کوچه‌ها و خیابان‌های شهر را به خون بی‌گناهان آغشته می‌کرد، سپاه با خنثی‌سازی توطئه‌های تروریستی این گروهک، امنیت را به کشور بازگرداند. تشکیل «سپاه حفاظت هواپیمایی» در دی‌ماه ۱۳۶۳ نیز پاسخی مستقیم به هواپیماربایی‌های زنجیره‌ای بود که امنیت پروازهای ایران را هدف گرفته بودند؛ مأموریتی که تا امروز با موفقیت ۱۰۰ درصدی ادامه یافته‌است.

- نجات منطقه از سقوط**

نقش سپاه در شکست دادن داعش در عراق و سوریه، فصلی درخشان در تاریخ نظامی جهان است. در حالی‌که ائتلاف‌های بین‌المللی تنها به پروازهای نمایشی اکتفا می‌کردند، سپاه با حضور میدانی و مستشاری، از سقوط بغداد و دمشق جلوگیری کرد. علاوه‌بر داعش، گروه‌هایی همچون «القاعده»، «جبهه النصره» و دیگر شاخه‌های سلفی-جهادی همواره زیر ضربات مهلک این نهاد بوده‌اند. جالب است که در ایام پایان سيطرة شجره خبیثه داعش در منطقه، فرمانده معظم کل قوا در پاسخ به نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه وقت تأکید کردند: «شما با تلاشی ساختن توده سرطانی و مهلک داعش، نه‌مقط به کشور های منطقه و به جهان اسلام؛ بلکه به همه ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید.»

در مرزهای شرقی نیز، تلاشی کردن گروهک «جندالله» به سرکردگی عبدالمالک ریگی و ضربه زدن به بقایای آن در قالب «جیش‌العدل» و «پژاک»، بخشی از تلاش‌های مستمر سپاه برای صیانت از امنیت مردم در برابر تروریسم‌وارداتی بوده‌است.

- عصر وعده‌های صادق**

سپاه در سال‌های اخیر نشان داده‌است که هرگونه اقدام تروریستی علیه امنیت ملی ایران، با پاسخی پشیمان‌کننده مواجه خواهد شد. جدول زیر برخی از مهم‌ترین عملیات‌های راهبردی سپاه را نشان می‌دهد:

تاریخ-عملیات/هدف-علت اقدام
خرداد ۱۳۹۶- عملیات لیلَه‌القدر

قانون قربانی سیاست

- اتحادیه اروپا در آستانه فروپاشی تمدنی**

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این اقدام اتحادیه اروپا و شورای وزیران آن که سپاه عزیز و مقتدر ایران اسلامی را به مثابه بزرگ‌ترین نهاد مبارزه واقعی با تروریسم و جلوگیری از گسترش این پدیده شوم در سراسر جهان از جمله اروپا هدف قرار داد، از حیث حقوقی دچار تناقض‌های بدیهی حقوق بین‌الملل است که از جمله می‌توان به نقض اصول و قواعد حقوقی آن اشاره کرد که اتحادیه اروپا بر مبنای آن تأسیس شده و اعتبار بین‌المللی یافته‌است.»

- نقض قانون بین‌الملل**

وزارت امور خارجه نیز در بیانیه‌ای نوشت: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان بخش لاینفک از مجموعه نیروهای مسلح رسمی جمهوری اسلامی ایران، وفق قانون اساسی کشور، نقشی بی‌بدیل و افتخارآمیز در حفظ حاکمیت و امنیت ملی ایران، صیانت از ثبات منطقه‌ای و مقابله با تروریسم، از جمله همان تروریسم داعشی که محصول ائتلاف و دسیسه برخی کشورهای اروپایی و آمریکا بود، ایفا کرده‌است؛ هرگونه اطلاق عنوان تروریستی به یک نهاد حاکمیتی و رسمی، بدعتی خطرناک، نقض فاحش اصل حاکمیت قانون در روابط بین‌الملل و بی‌اعتنایی آشکار به اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها و منع مداخله در امور داخلی کشورهاست.»

- ارتش‌های اروپایی تروریست هستند**

«علی لاریجانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز نوشت: «اتحادیه اروپا قطعاً می‌داند مطابق مصوبه مجلس شورای اسلامی، ارتش کشورهایی که در مصوبه اخیر اتحادیه اروپا علیه سپاه پاسداران مشارکت داشته‌اند، تروریستی به‌شمار می‌آیند. لذا عواقب آن متوجه کشورهای اروپایی است که به چنین اقدامی دست زدند.»

- ریاکاری سیاسی**

سفارت ایران در اتریش اقدام اتحادیه اروپا برای اعلام سپاه پاسداران به عنوان سازمان تروریستی را «ریاکاری سیاسی و تحریک غیرمسئولانه» خواند و هشدار داد: «تهران به این تصمیم خصمانه با تمام ابزارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی پاسخ خواهد داد.» سفارت ایران در وین در ادامه تأکید کرد: «این تصمیم، سرسپردگی اتحادیه اروپا به یک رژیم نسل‌کش و اشغالگر و حامیان جنگ‌طلب آن در ایالات متحده را آشکار می‌کند و اعتبار آن را به عنوان یک بازیگر مستقل جهانی کاملاً از بین می‌برد. این یک تصمیم بی‌ملاحظه از دکترین خطرناک «قدرت، حق را می‌آورد» است.»

- اگر سپاه نبود کشور نبود**

همچنین وزارت ورزش و جوانان اقدام سیاسی اتحادیه اروپا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را محکوم کردو با اشاره به جمله تاریخی حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر اینکه «اگر سپاه نبود، کشور نبود» آمده‌است: «اقدام غیرمتعارف اتحادیه اروپا در قبال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مغایر با اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی است. سپاه بر اساس قانون اساسی، بخش لاینفک و رسمی از ساختار دفاعی و حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد، شناسایی یک نهاد رسمی نظامی متعلق به یک کشور عضو سازمان ملل متحد تحت عناوین غیرحقوقی، برخلاف حاکمیت ملی کشورهاست.»

- عجز اتحادیه اروپا**

مجمع جهانی بیداری اسلامی نیز در بیانیه‌ای تأکید کرد: «اقدام اتحادیه اروپا در تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اقدامی کاملاً سیاسی‌کارانه، مزورانه و ریاکارانه است. حمایت‌های بی‌چون‌وچرای اتحادیه اروپا از نسل‌کشی زنان، کودکان و غیرنظامیان بی‌گناه در بیش از دو سال محاصره و جنایات مداوم علیه مردم غزه، که بارها به دست رژیم اشغالگر قدس به کشتار، معلولیت، بی‌خانمانی و آوارگی گسترده منجر شده‌است، به‌خوبی گویای این رویکرد دوگانه است. اتحادیه اروپا نه‌تنها کوچک‌ترین موضع‌گیری بی‌بیانه‌ای در محکومیت این جنایات ضدبشری صادر نکرد، بلکه با حمایت‌های سیاسی، نظامی و تسلیحاتی، پشتیبانی همه‌جانبه‌ای از تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی به‌عمل آورد.»

چند روز پیش بود که «کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد، وزرای خارجه اتحادیه اروپا با قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی موافقت کرده‌اند؛ این اقدام برخلاف رویه‌های حقوقی در اتحادیه اروپا و صرفاً به بهانه‌های سیاسی انجام شده‌است؛ چرا که طبق مقررات اتحادیه اروپا، این بلوک نمی‌تواند یک سازمان را بدون حکم دادگاه یک کشور عضو به عنوان نهاد تروریستی معرفی کند. این تصمیم اتحادیه اروپا در حالی گرفته‌شده که وزیران خارجه اروپا فقط نظاره‌گر خشونت‌ها و حملات ضد انسانی رژیم صهیونی و موساد در غزه بودند و در تجهیز سلاح دریغ نکردند؛ از این‌رو در ادامه بخش‌هایی از مخالفت مسئولان و سازمان‌های لشکری و کشوری آورده می‌شود.

- سپاه در خط مقدم مبارزه با تروریسم است**

«حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای» درباره اقدام خصمانه اتحادیه اروپا در تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اظهار کرد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به جهانیان ثابت کرده که در خط مقدم مبارزه با تروریسم جهانی و منطقه‌ای است؛ اروپایی‌ها که در اقدامی خصمانه و در تبعیت از رژیم‌های شیطانی آمریکا و صهیونیستی، سپاه سرافراز را تروریستی نامیده‌اند، مطلوب است یک دهه پیش را به یاد آورند که در هراس و وحشت از داعش آمریکاساخته به سر می‌بردند و این سپاه قهرمان بود که با رشادت‌های حاج قاسم سلیمانی و همرزانش، داعش را مضمحل و ازاله کرد.»

- ایستادن در سمت تروریست‌ها**

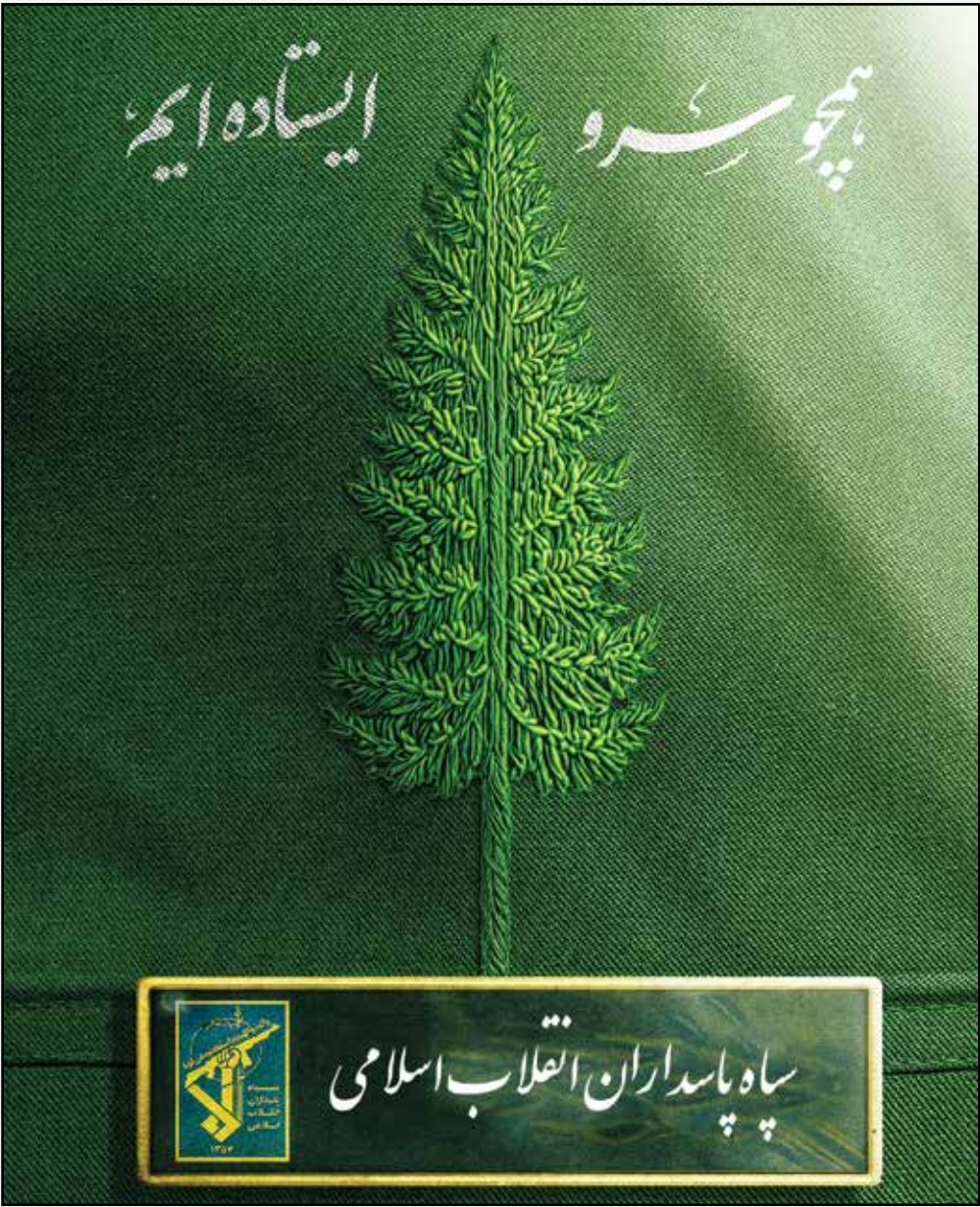
«محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در واکنش به اقدام سیاسی اروپا علیه سپاه نوشت: «سپاه پاسداران یکی از قوی‌ترین و موثرترین نیروهای ضد تروریستی در دنیاست، فقط کسانی می‌تواند سابقه سپاه در مبارزه با تروریسم داعش را انکار کنند که خودشان در سمت تروریست‌ها ایستاده باشند؛ حمایت از تروریسم نتیجه‌ای جز پشیمانی برای کشورهای اروپایی نخواهد داشت.»

- بی‌منطق، غیرمسئولانه و بغض‌آلود**

ستاد کل نیروهای مسلح با صدور بیانیه‌ای از ان‌جار خود از اقدام اتحادیه اروپا را اعلام داشت. در بخشی از این بیانیه ابراز شد: «اقدام بی‌منطق، غیرمسئولانه و بغض‌آلود اتحادیه اروپا، بی‌تردید در اطاعت بی‌چون‌وچرا از سیاست‌های سلطه‌گرانه و ضدانسانی آمریکا و رژیم صهیونیستی صورت گرفته‌است و بیان‌کننده عمق خصومت و کینه‌توزی سران این مجموعه نسبت به ملت رشید ایران، نیروهای مسلح، امنیت و استقلال کشور مقتدر جمهوری اسلامی ایران است؛ چنین تصمیم بی‌پایه و اساسی و به‌دور از هرگونه عقلانیت، با فشار رئیس جمهور متوهم و بی‌خرد آمریکا و رژیم تروریستی و کودک‌کش صهیونیستی اتخاذ شده و نقض صریح قوانین و مقررات بین‌المللی، منشور سازمان ملل متحد و اصول مسلم احترام به حاکمیت ملی کشورهاست.»

- مقتدرانه کنار سپاه ایستاده‌ایم**

افزون بر واکنش‌های پیشین، ارتش جمهوری اسلامی نیز با انتشار بیانیه‌ای این عمل را محکوم کرد. در بخشی از این بیانیه اشاره شد: «اروپای امروز دچار اختلاف و انفعال شده و در نظام بین‌الملل کنونی نقش مهمی ایفا نمی‌کند، بنابراین تلاش می‌کند با چراغ سبز نشان دادن به رئیس جمهور آمریکا، حمایت وی در برون‌رفت از معضلات اروپا از جمله جنگ اوکراین، موضوع گرینلند و تضعیف ناتو را جلب و در تحولات منطقه و جهان نقش آفرینی کند.» همچنین در این بیانیه آمده‌است: «این اقدام خصمانه که در مقطع فعلی، محرک آمریکا در افزایش دشمنی با ملت ایران است، از نظر ملت بزرگ ایران پنهان نمانده و لکه ننگ دیگری بر پرورنده سپاه استعمارگران اروپایی می‌افزاید؛ بی‌تردید این اقدام مزورانه و غیرمسئولانه اتحادیه اروپایی، خللی در عزم و اراده ملت غیور ایران ایجاد نخواهد کرد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مقابل تروریسم مورد حمایت غرب همچنان ایستاده‌است.»



حکومتی که از مردم نبود

واکاوی فقدان مشروعیت مردمی و فساد ساختاری در رژیم دیکتاتوری پهلوی

پناه راد

خبرنگار

یکی از پرسش‌های اساسی در تحلیل تاریخ معاصر ایران این است که چرا رژیم پهلوی، با وجود برخورداری از درآمدهای قابل توجه نفتی و حمایت قدرت‌های بزرگ، در نهایت نتوانست پایگاه اجتماعی پایدار و مشروعیت مردمی برای خود ایجاد کند؟ بررسی روندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن دوران نشان می‌دهد، فاصله عمیق حکومت با مردم، فساد ساختاری در سطوح گوناگون قدرت و وابستگی گسترده به بیگانگان، از عوامل اصلی تضعیف مشروعیت این رژیم و شکل‌گیری نارضایتی عمومی بود؛ نارضایتی‌ای که در نهایت به وقوع انقلاب اسلامی انجامید.

حلقه مفقوده!

مشروعیت سیاسی هر حکومت، بیش از هر چیز به میزان پذیرش آن از سوی مردم وابسته است. رژیم پهلوی از همان ابتدای شکل‌گیری، با چالش جدی در این حوزه مواجه بود. روی کار آمدن رضاشاه نه از مسیر مشارکت مردمی، بلکه در بستر تحولات امنیتی و با حمایت مستقیم قدرت‌های خارجی صورت گرفت؛ روندی که در دوره محمدرضاشاه نیز با اشکال گوناگون ادامه یافت.

در دهه‌های بعد، هر چه ساختار قدرت در رژیم پهلوی متمرکزتر شد، فاصله آن با بدنه اجتماعی نیز افزایش یافت. انتخابات فرمایشی، احزاب فرمایشی و نبود نهادهای مستقل مردمی موجب شد مردم نقش واقعی در تصمیم‌سازی‌های کلان کشور نداشته باشند. در چنین وضعیتی، حکومت بیشتر «بر مردم» حکمرانی می‌کرد تا «با مردم».

نبود سازوکارهای پاسخ‌گویی و مشارکت، به تدریج حس بی‌تأثیری و بیگانگی سیاسی را در جامعه تقویت کرد. این احساس عمومی که حکومت نماینده اراده مردم نیست، یکی از پایه‌های اصلی فروپاشی مشروعیت سیاسی رژیم پهلوی به‌شمار می‌رفت.

وابستگی به خارج

یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های رژیم پهلوی، وابستگی گسترده سیاسی، امنیتی و اقتصادی به قدرت‌های خارجی، به‌ویژه ایالات متحده و پیش از آن بریتانیا بود. بسیاری از تصمیمات راهبردی کشور، از سیاست خارجی گرفته تا مسائل کلان امنیتی، در هماهنگی با منافع قدرت‌های بیرونی اتخاذ می‌شد. این وابستگی نه‌تنها استقلال کشور را زیر سؤال می‌برد، بلکه در نگاه افکار عمومی، مشروعیت حکومت را نیز به‌شدت تضعیف می‌کرد. حضور مستشاران خارجی در ساختارهای حساس، قراردادهای یک‌طرفه و امتیازدهی‌های گسترده، این تصور را تقویت می‌کرد که منافع ملی در اولویت حکومت قرار ندارد.

برای جامعه‌ای با پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی مانند ایران، احساس تحقیر و وابستگی بسیار پر هزینه بود. همین مسئله موجب شد شعار استقلال‌خواهی، به یکی از محوری‌ترین مطالبات مردم در سال‌های منتهی به انقلاب تبدیل شود و رژیم پهلوی بیش از پیش از بدنه اجتماعی فاصله بگیرد.

فساد بی‌پایان

فساد در رژیم پهلوی، پدیده‌ای محدود به افراد یا مقاطع خاص نبود، بلکه به‌صورت ساختاری در لایه‌های گوناگون قدرت جریان داشت. تمرکز ثروت در اطراف دربار، خانواده سلطنتی و حلقه‌ای محدود از وابستگان، زمینه‌ساز شکل‌گیری شبکه‌ای از رانت و امتیازات ویژه شده بود.

دیکتاتور بازنده

نگاهی به فساد و وابستگی رژیم دیکتاتوری

پیوست

شماره ۱۲۲۴ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴

صداقت

توسعه در سایه تحریم!

نگاهی به اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی

سیدعباس خادم

خبرنگار

با گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی، اقتصاد ایران تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده است. اگرچه دوران پس از انقلاب با جنگ تحمیلی، تحریم‌ها و فشارهای خارجی همراه بود، بررسی روندهای اقتصادی نشان می‌دهد، در بسیاری از حوزه‌ها، تغییرات ساختاری و توسعه‌ای مهم رخ داده است. این تحولات نه تنها به بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی کمک کرد، بلکه دسترسی مردم به خدمات پایه و امکانات رفاهی و توزیع عدالت اقتصادی را نیز بهبود بخشیده است. گزارش حاضر، دستاوردها و تحولاتی را که اقتصاد ایران پس از انقلاب تجربه کرده است، از چند منظر بررسی می‌کند.

توسعه زیرساخت‌ها

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اقتصادی پس از انقلاب، گسترش زیرساخت‌های ملی در حوزه‌های برق، آب، گاز، حمل‌ونقل و بهداشت بود. پیش از انقلاب، بسیاری از مناطق کشور، به‌ویژه روستاها و شهرهای کوچک، از ابتدایی‌ترین خدمات عمومی محروم بودند. پس از انقلاب، با اجرای طرح‌های گسترده توسعه‌ای، بخش قابل توجهی از جمعیت کشور به شبکه‌های برق و گاز شهری و روستایی دسترسی پیدا کرد. در حوزه حمل‌ونقل، ساخت جاده‌های بین‌شهری و روستایی، توسعه خطوط ریلی و تقویت ناوگان حمل‌ونقل عمومی، نه تنها به بهبود دسترسی جغرافیایی کمک کرد، بلکه جریان اقتصادی و توزیع کالاها را نیز تسهیل کرد. این توسعه زیرساختی، پایه‌ای برای رشد صنعتی و افزایش اشتغال به شمار می‌رفت و توانست ظرفیت‌های بومی کشور را به‌صورت بهتر فعال کند. در حوزه بهداشت و درمان نیز انقلاب به گسترش شبکه درمانی و افزایش تعداد مراکز بهداشتی در مناطق محروم منجر شد. شاخص‌هایی، مانند دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهبود نرخ واکسیناسیون و افزایش پوشش خدمات بهداشتی نشان می‌دهد انقلاب، علاوه بر تغییرات سیاسی، تحولات ملموس اقتصادی و اجتماعی برای مردم به همراه داشته است.

کاهش شکاف اجتماعی

یکی دیگر از دستاوردهای مهم پس از انقلاب، توجه به عدالت منطقه‌ای و کاهش شکاف میان مناطق شهری و روستایی بود. پیش از انقلاب، تمرکز توسعه اقتصادی عمدتاً در پایتخت و چند شهر بزرگ بود و بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک از حداقل خدمات رفاهی بی‌بهره بودند. پس از انقلاب، سیاست‌های توسعه‌ای به‌سمت توزیع متوازن امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی هدایت شد. با توسعه مدارس و دانشگاه‌ها در مناطق دورافتاده، نرخ سواد و دسترسی به آموزش عالی در سطح کشور بهبود یافت. این مسئله علاوه بر افزایش مهارت نیروی کار، به ایجاد فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتر در مناطق محروم کمک کرد. علاوه بر این، توسعه مراکز بهداشتی و افزایش دسترسی به خدمات درمانی، نابرابری‌های اجتماعی را کاهش داد و کیفیت زندگی مردم را در سطح ملی ارتقا داد. در کنار توسعه زیرساخت‌ها، سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر عدالت اجتماعی، مانند حمایت از کشاورزان، توسعه تعاونی‌ها و طرح‌های حمایتی، نقش مهمی در توزیع درآمد و کاهش فقر ایفا کرد. این اقدامات، ضمن افزایش اعتماد عمومی، نشان‌دهنده تمرکز انقلاب بر عدالت و توسعه‌فر اگیر بوده است.

خودکفایی اقتصادی

اقتصاد پس از انقلاب، با هدف کاهش وابستگی به واردات و افزایش خودکفایی صنعتی، مسیر توسعه صنایع مادر و زیرساختی را دنبال کرد. پروژه‌های بزرگی در حوزه فولاد، پتروشیمی، نفت و گاز و نیروگاه‌ها اجرایی شد که علاوه بر ایجاد اشتغال، توان تولید داخلی کشور را افزایش داد. تحولات در صنعت انرژی، به‌ویژه توسعه نیروگاه‌ها و شبکه توزیع برق، زمینه‌ساز افزایش تولید صنعتی و بهبود شرایط زندگی مردم شد. در بخش نفت و گاز نیز مدیریت منابع طبیعی با هدف خودکفایی و توسعه صادرات کنترل شد و درآمدهای حاصل از فروش انرژی بر پروژه‌های زیرساختی و توسعه اقتصادی اختصاص یافت. علاوه بر تولید صنعتی، انقلاب موجب ایجاد پایه‌ای برای اقتصاد مقاومتی شد. توسعه صنایع داخلی، ارتقای توان مهندسی و تکنولوژی بومی و تقویت بخش خصوصی و تعاونی‌ها، موجب شد ایران بتواند در برابر فشارهای تحریمی و اقتصادی مقاومت بیشتری از خود نشان دهد و مسیر توسعه پایدار را تا حد امکان حفظ کند.

بهبود شاخص‌های

پس از انقلاب، توجه ویژه‌ای به بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی و رفاه عمومی شد. دسترسی گسترده‌تر به خدمات بانکی، بیمه‌ای و اعتباری، حمایت از تولید داخلی و کشاورزی، و اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی، موجب شد کیفیت زندگی مردم بهبود یابد. افزایش قدرت خرید در برخی اقشار، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی، و توسعه امکانات شهری، نمونه‌هایی از تأثیرات مثبت این تحولات است. در کنار رشد کمی، توجه به کیفیت زندگی نیز مدنظر بود. شاخص‌هایی مانند بهبود نرخ سواد، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، افزایش امید به زندگی و کاهش فقر مطلق، نشان می‌دهد انقلاب توانسته است دستاوردهای ملموسی در زمینه رفاه عمومی به همراه داشته باشد. این روند، هرچند با چالش‌ها و محدودیت‌هایی همراه بوده، اما گواهی بر تغییر مثبت در وضعیت معیشت مردم است.

مقاومت در برابر فشارها

اقتصاد پس از انقلاب با چالش‌های خارجی جدی، از جمله جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی مواجه شد. با این حال، سیاست‌های مبتنی بر خودکفایی، توسعه تولید داخلی و مدیریت منابع، توانست بخش قابل توجهی از این فشارها را کاهش دهد. افزایش تولید داخلی در بخش‌های کلیدی، رشد صنعت انرژی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی، نمونه‌هایی از این مقاومت اقتصادی است. تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی، به‌جای فلج کردن اقتصاد، موجب شد راهبردهایی برای مقاوم‌سازی اقتصاد اتخاذ شود. این تجربه نشان‌دهنده توانمندی کشور در مدیریت بحران‌ها و ادامه مسیر توسعه حتی در شرایط دشوار است و درس مهمی برای مدیریت اقتصادی آینده به همراه دارد. نگاهی تحلیلی به اقتصاد عدالت منطقه‌ای، رشد صنعتی و خودکفایی، بهبود شاخص‌های رفاهی و مقاومت اقتصادی در برابر فشارهای خارجی. این دستاوردها، هرچند با چالش‌ها و محدودیت‌های ساختاری همراه بوده‌اند، مسیر تحول و توسعه را در ایران پس از انقلاب ترسیم کرده‌اند. دهه فجر، از این منظر، نه تنها نماد یک تغییر سیاسی است، بلکه یادآور تغییر مسیر اقتصادی و اجتماعی کشور است؛ تغییر مسیری که هدف آن افزایش رفاه عمومی، توسعه متوازن و ارتقای کیفیت زندگی مردم بوده است. تجربه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، حتی در شرایط دشوار، با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری هوشمندانه، می‌توان مسیر توسعه را ادامه داد و اعتماد عمومی را تقویت کرد.



تقویم انقلاب

لشکر آماده رزم!



سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

از نیمه دوم بهمن ماه سال ۱۳۶۲ فرمانده لشکر ابوذر به همراه رزمندگان طرح «لیبک یا خمینی» در انتظار حضور در عملیات بزرگی چون خیبر بودند. در همین ایام بود که نیروهای سازمان یافته در اردوگاهی در حومه پادگان دوکوهه مستقر شده بودند، «سردار جانباز شهید علیرضا نوری»، فرمانده لشکر در میان نیروهایش قرار گرفت، متأسفانه کسی اورا درست معرفی نکرده بود؛ اما زبان به زبان می‌گشت که فرمانده لشکر هست، علایم او هم قطع دست راستش بود.

شهید نوری برای ورود نیروهایش تداپیری اندیشیده بود که الزاماً باید پیگیری می‌کرد. در این مختصر به چند مورد آن با توضیحی کوتاه ارائه می‌شود:

۱- نیروهای آماده در اردوگاهی که در حومه دوکوهه ایجاد و مستقر شده بودند تحت عنوان لشکر ابوذر به منزله احتیاط لشکر ۲۷ محسوب می‌شد، از طرفی هم به این نیروها وعده حضور در عملیات داده شده بود و کنترل و نگهداری آنها در وضعیت آماده باش، چندان آسان نبود.

۲- بعد از استقرار نیروها در حومه دوکوهه جلسه‌ای در محل استقرار فرماندهی شهید همت با حضور فرمانده وقت پایگاه ابوذر وفرمانده لشکر ابوذر برای هماهنگی در عملیات و به کارگیری نیروهای لشکر ابوذر با هدف گرفتن محور عملیاتی بحث و گفت‌وگوها در این رابطه تشکیل شد. شهید همت با اعتماد و آشنایی که با شهید نوری داشت، البته با چانی‌زنی‌ها نقاط ضعف و قوت لشکر ابوذر را بررسی کرد و به توافق‌هایی دست یافتند و مشارکت نیروها در عملیات بلامانع شد.

۳- جلسه مشترک بین فرماندهان نتیجه خیلی خوب و مثبتی داشت که فرمانده وقت پایگاه ابوذر راهی تهران شد تا به کارهای ستادی و تأمین امکانات مورد نیاز رزمندگان را پیگیر شود، در حالی که کادر اصلی پایگاه ابوذر در لشکر ابوذر با حفظ سمت درگیر ساماندهی مجموعه و زیر مجموعه‌های خود بودند، لازم بود که فرمانده وقت پایگاه ابوذر خلاها را پر کند تا برای جذب نیرو و اعزام و امکانات مورد نیاز را تأمین کند.

۴- شهید علیرضا نوری به همراه تیمی به سرعت وارد منطقه شد تا با هماهنگی کادر لشکر ۲۷ کار شناسایی محور و کسب اطلاعات لازم را به دست آورند و در ادامه هماهنگی‌ها صورت گرفت تا کادر لشکر ابوذر با کادر لشکر ۲۷ جلسات مشترکی داشته باشند، و در ادامه کادر فرمانده گردان‌ها و گروهان‌ها و سایر کادر عملیاتی تبادل تجربه کنند تا در هنگام عملیات در رفع مشکلات با یکدیگر در تعامل باشند و این تدبیر خیلی خوبی بود و نتیجه داد.

۵- با وجود اینکه نیروهای مستقر در اردوگاه از امکانات مناسب برخوردار نبودند و واقعاً شرایط سختی را در چادرها می‌گذرانند؛ اما جنب و جوش و شوق و ذوق بسیاری در عملیات‌ها بین نیروها دیده می‌شد. مرتب نیروهای پیاده در حال تمرین آموزش‌ها بودند. از طرفی هم نیروهای تبلیغاتی لشکر ابوذر در آن فضای بیابانی بلندگوهایی را نصب کرده بودند و سرودهای انقلابی به خصوص صدای دلنواز حماسی آهنگران «ای لشکر صاحب زمان آماده باش، آماده باش» پخش می‌شد و فضای معنوی حاکم شده بود که توصیف نشدنی است.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

ماجرای حضور حضرت امام(ره) در فرودگاه مهرآباد و چگونگی رسیدن ایشان به بهشت زهرا و برگزاری آن سخنرانی تاریخی، یکی از ماجراهای پیچیده‌ای است که از زبان افراد نادری نقل شده است. از جمله افرادی که در آن ساعات پراضطراب در کنار حضرت امام(ره) حضور داشته، «حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق نوری» است. وی در کتاب خاطر آتش حوادث آن ساعات سرنوشت‌ساز را اینگونه نقل می‌کند:

«وقتی هواپیمای حامل امام در فرودگاه نشست، مرحوم مطهری از طرف جامعه روحانیت به عنوان خیرمقدم به امام داخل هواپیمای رفت. از بلند فرودگاه تا سالن، امام را با یک بنز آوردند. در عکس‌های مربوط به استقبال، آقای صباغیان دیده می‌شود. این آقایان همه جا را قبضه کرده بودند، لذا پریدم و تریبون را گرفتم و با بلندگو مردم را هدایت کردم تا امام بتواند صحبت کند.

بعد از پایان مراسم، وقتی امام خواست تا سوار

بلیز شود، دید یکی از این آقایان، نمی‌دانم بزدی یا صباغیان، داخل ماشین نشسته است. امام خطاب به او فرمود که بفر مایید پایین. هوشیاری و دقت امام در مسائل خیلی عجیب و غریب بود. آدم احساس می‌کرد که امام قبلاً یک دوره در عالم رهبری کرده بوده و این دومین باری است که رهبری می‌کند... .

امام داخل ماشین با دست تکان دادن به مردم اظهار محبت می‌کرد و به دنبال آن مردم بیشتر تحریک می‌شدند. آقای رفیق دوست می‌گفت که در آن هنگام امام می‌خواست از ماشین پیاده بشود؛ ولی من قفل مرکزی ماشین را زده بودم و هر چه امام تلاش می‌کرد در ماشین را باز کند، نمی‌توانست. هجوم جمعیت باعث نگرانی من شده بود، تا اینکه شمارا روی کاپوت ماشین دیدم و پس از آن مقداری خیالم راحت شد. در نتیجه فشار جمعیت، ماشین امام خراب شده بود. استارت نمی‌خورد، جوش آورده بود. این ماشین شده بود یک تکه آهن قراضه و نمی‌شد ماشین را هُل داد. اصلاً یک سناریوی عجیبی بود. یک وقت دیدیم یک هلی کوپتر آمد و نزدیک ما نشست. چون در کمیته استقبال بحث آماده کردن هلی کوپتر مطرح بود، لذا من منتظر بودم که هلی کوپتر بیاید و واقع هلی کوپتر جزء برنامه بود. فاصله ماشین امام تا هلی کوپتر حدود ۱۰۰ متر بود. شاید یک ساعت و نیم طول کشید تا با هُل دادن، ماشین حامل امام به نزدیک هلی کوپتر

در محاصره سیل مردم

برشی از خاطرات حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق نوری از رخدادهای بهمن ۱۳۵۷



که امام دیگر تسلیم حق شد و تن به قضای الهی داده بود...

حالا ماندم چه کار کنیم. یک آمبولانس مربوط به شرکت نفت ری آنجا بود. گفتیم: «آمبولانس را بیاورید دم جایگاه.» عقب آمبولانس سمت جایگاه واقع شد. احمدآقا دست امام را گرفت و سوار آمبولانس شدند. باز هم عبا ی امام گیر کرد. عبا را کشیدم و گفتم: «آقا عبا نمی‌خواهید.» عبا ی امام را زیر بغلم گرفتم و خیلی سریع بغل راننده نشستم و گفتم: «برو» گفتم: «کجا؟» گفتم: «از بهشت زهرا بیرون برو.» کمک ماشین را زد و از پستی و بلندی سنگ‌های قبر ماشین حرکت کرد و آژیر می‌کشید و از بلندگوی آمبولانس می‌گفتم: «برود کنار، حال یکی از علما به هم خورده، باید او را به بیمارستان برسانیم.» اگر می‌فهمیدند امام داخل آمبولانس است، آمبولانس را نکه‌تکه‌می‌کردند.

از بهشت زهرا که بیرون آمدم بدنه ماشین از بس که به این زرده و سنگ‌ها خورده بود، له شده بود. یک مقداری که به سمت تهران آمدم، هلی کوپتر از بالا آمبولانس را دیده بود و در یک فرعی که واقعاً گل بود نشست، ما هم با آمبولانس خودمان را به هلی کوپتر رساندیم. مجدداً جمعیت به ما هجوم آورد؛ ولی با زحمت توانستیم امام را سوار هلی کوپتر کنیم... .»

امام در جایگاه قرار گرفت، مرحوم شهید مطهری یک سخنرانی کوتاهی کرد. امانی، پسر شهید امانی، به عنوان فرزند شهید، برنامه‌ای اجرا کرد و حضرت امام سخنرانی تاریخی خود را شروع کرد. من هم بدون عمامه و عبا تلاش می‌کردم تا مردم ساکت شوند. حتی احمدآقا گفتم: «بدون عمامه و عبا، بغل دست امام هستی، بد است.» گفتم: «مرد حسابی در این کشمکش از کجا عمامه و عبا پیدا کنم.» آقایان مرحوم شهید صدوقی، مرحوم شهید مفتح، شهید دانش منفرد و آقای معادیخواه و بادام‌چیان و حمیدزاده و انواری در جایگاه حضور داشتند.

سخنرانی امام که تمام شد به آقایان گفتم: «یک دالان درست کنید تا به طرف هلی کوپتر برویم.» هنوز به هلی کوپتر نرسیده بودیم که هلی کوپتر بلند شد، اینجا نه راه پیش داشتیم و نه راه پس. در اثر کثرت جمعیت به جایگاه هم نمی‌توانستیم برگردیم. به قول معروف جنگ مغلوبه شد، هر کس زورش بیشتر بود دیگری را پرت می‌کرد. آقایان مفتح و انواری حال‌شان بد شد و افتادند. من و حاج احمدآقا ماندیم. پهلوانان زیادی آنجا بودند، هر کدام‌شان عبا ی امام را می‌گرفتند و به سمت خودشان می‌کشیدند. عمامه امام از سرش افتاد. یک عکس کشنگی از امام از اینجا گرفته شد که چشم‌های امام به طرف آسمان است و بنده می‌فهمم

رسید. علت آن هم این بود که به پشت سری‌ها داد می‌زدیم که به جلو هُل بدهند، جلویی‌ها هم به عقب هُل می‌دادند. در نتیجه ماشین جای اولش بود. آقای محمد طالقانی از کشتی‌گیران خوب در این موقع آنجا بود. او خیلی کمک کرد تا از این مخمصه نجات پیدا کردیم... .

هلی کوپتر می‌خواست ببرد، اما مردم به آن آویزان شده بودند. وضعیت خیلی خطرناک بود. خلبان گفتم: «ممکن است هلی کوپتر منفجر بشود، نمی‌توانم ببرم. اما مگر می‌شود بگویی مردم آویزان نشود.» گفتم: «آقا ببین هر کاری که خودت می‌خواهی بکن ما که بلد نیستیم.» خلاصه با زحمت، هلی کوپتر پرید. امام و احمدآقا و آقای محمد طالقانی و بنده داخل هلی کوپتر بودیم. بعد از اینکه آمدم روی آسمان، نمی‌دانستیم چه کار کنیم و برنامه‌ای هم نداشتیم. خلبان یک دور بالای قطعه ۱۷ جایگاه سخنرانی زد و گفت: «خیلی شلوغ است، نمی‌شود بنشینیم. می‌شود به مدرسه رفاه برویم.» گفتم: «آقا امام اصلاً از فرانسه به خاطر شهدای ۱۷ شهرویر اینجا را انتخاب کرده، حالا تو می‌گویی نمی‌توانم بنشینم برویم رفاه؟ چاره‌ای دیگر نیست باید بنشین.» چند بار دور زد و مردم هم نگاه می‌کردند و نمی‌دانستند که چه کسی داخل هلی کوپتر است. سر انجام هلی کوپتر در محوطه باز نشست...

دهلیز

ارتش دشمن!

نگاهی به خدمات رژیم دیکتاتوری پهلوی به غرب

تجهیزات نظامی به قیمت‌های کلان در عین اینکه منافع نظامی و راهبردی خود را توسط متحدانش حفظ می‌کرد، منافع اقتصادی زیادی را نیز تحصیل کند.

اعلام این دکترین با بالا رفتن قیمت نفت هم‌زمان شد. اینک شاه هم پول بی‌حساب داشت، هم چراغ سبزی برای خرید پیشرفته‌ترین فناوری‌های نظامی را دریافت کرده بود و هم انگیزه بالایی در حد جنون داشت که بتواند هر آنچه می‌خواهد خریداری کند. نتیجه جمع شدن این عوامل در کنار یکدیگر قابل پیش‌بینی بود: «قراردادهای نظامی ایران و آمریکا از ۵۰۰ میلیون دلار در ۱۹۷۲ به دو و نیم میلیارد دلار فقط در ۱۹۷۳ افزایش یافت». با سرازیر شدن درآمدهای نفتی میزان خریدهای نظامی هم افزایش یافت تا آنکه در ۱۹۷۶ شاه سفارش بیش از ۱۱ میلیارد دلار از پیشرفته‌ترین جنگ‌افزارهای موجود در زرادخانه آمریکا را داد و بیش از این مبلغ از رقبای اروپایی ایالات متحده اسلحه خرید. البته می‌توان حدس زد که بخشی از این مبالغ به جیب دلالان فاسد آمریکایی، اروپایی و ایرانی سرازیر می‌شده است.

به این صورت بود که ارتش شاهنشاهی با پول مردم ایران و در جهت تأمین منافع غرب سازمان یافت. شرکت در عملیات ظفار و سرکوب مخالفان سلطنت عمان یکی از خدماتی بود که ارتش ایران به غرب ارائه داد. همچنین ایران ۳۵ فروند هواپیمای اف۵ را در اختیار ارتش آمریکا گذاشت تا از آن برای سرکوب مردم ویتنام استفاده کند.»



از اولین اقدامات استعمارگران اسپانیایی در مواجهه با بومیان جزایر باهاما، اسارت و بردگی آنان بود. «اتالی» نویسنده فرانسوی، می‌نویسد: «کریستف کلمب به ایجاد کلنی‌های اسپانیایی در مناطقی که کشف شده بود سرعت بخشید. بومیان را برده نامید و آنها را موظف کرد تا به عنوان مالیات به دولت اسپانیا طلا بدهند. وی اولین کسی بود که به تجارت برده پرداخت.»

در سال ۱۵۲۴، ایزابل ملکه اسپانیا، فرمانی صادر کرد که به ماجراجویان اسپانیایی این اجازه را می‌داد که «لاتی فوندین» (مالکیت بزرگ زمین) به وجود آورند و سرخپوستان

را به کارهای اجباری وادارند و آنها را برای گرویدن به دین مسیح تشویق کنند. ایزابل در این فرمان فرمانداران خود را مکلف می‌کنند تا با اعمال زور مفاد فرمان را اجرا کنند؛ از این رو آنان سرخپوستان را به مناطق مورد نیاز برای کار اجباری کوچ دادند. به این ترتیب اولین قدم در راه استعمار مستعمرات و مجوز واداشتن کارگران به کار اجباری صادر شد.

تعداد قابل ملاحظه‌ای از سرخپوستان ازسوی مقامات محلی میان اسپانیولی‌ها تقسیم شدند با این استدلال که یک حامی

استثمار بردگان

نگاهی به حضور استعمارگران اروپایی در آمریکا

برای آموزش آتی آنها لازم است؛ پس به ظاهر تحت راهنمایی اسپانیایی‌ها درآندند؛ اما این بومی‌ها در حقیقت به ارباب تحویل داده شدند. آنها بدون کوچک‌ترین حق اعتراض به دست‌مزد یا شرایط زندگی، مجبور بودند هر نوع وظیفه‌ای را که ارباب به آنها فرمان می‌داد، اجرا کنند. مالکان بزرگ به حدی دستمزداشان کم بود که کارگران روز‌مزد از حاصل کار اجباری خود توانایی تأمین حداقل زندگی خود را نداشتند یا حتی در

مواردی هیچ مزدی نمی‌دادند!

سیستم پرداخت چنین بود که مالکان بزرگ به کارگران روز‌مزد خود قطعه زمین غیر قابل کشتی را می‌دادند که وی در

آن با کاشتن محصولات کشاورزی، غذای خود و خانواده‌اش را تأمین کند؛ البته کارگر اجازه داشت فعالیت روی زمین مزبور را فقط در ساعات (فراغت) انجام دهد؛ در حالی که فراغت وی در روز، پس از ۱۲ ساعت (یا بیشتر) کار طاقت فرسا در مزرعه ارباب بود؛ با وجود این، محصول تولیدی در این قطعه زمین نیز تمام و کمال متعلق به وی نبود. او باید در رابطه با این محصول، دویار مالیات بپردازد، یک بار به ارباب و یک بار دیگر به ارباب ارباب، یعنی پادشاه اسپانیا.



کارنامه انقلاب اسلامی در وضعیت تحمیل جنگ ترکیبی

ثمره استقلال ایران



مصطفی قربانی

دکترای علوم سیاسی

فلسفه وجودی، دستاوردها و آینده انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین نقاظ هدف در جنگ ترکیبی نظام سلطه علیه ایران اسلامی است. درواقع، دشمن در جنگ ترکیبی تلاش می‌کند تا از فلسفه انقلاب اسلامی و کارکرد آن اعتبارزدایی کرده و در عین حال، تصویری تیره و نارو بن‌بست‌وار از آینده جمهوری اسلامی با کلیدواژه «ایران ضعیف» را برای افکار عمومی ترسیم کند. از این رو، لازم است ابتدا دستاوردهای بنیادین انقلاب اسلامی در زمینه قوی‌سازی ایران و سپس برخی از اهم دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی انقلاب اسلامی بیان شود تا مخاطب تصویر دقیق‌تری از آنچه انقلاب اسلامی برای ایران و آحاد مردم به ارمغان آورده است، داشته باشد.

● انقلاب اسلامی و قوی‌سازی ایران

سر آغاز ضعف و انحطاط جدی دولت در ایران را به طور عمده به بعد از شکست ایران در جنگ‌های اول و دوم در برابر روس‌ها در دوره قاجار می‌دانند؛ زیرا شکست در عرصه نظامی به تحمیل کاپیتولاسیون‌های تجاری بر ایران منجر شد که این امر، ضمن وابستگی ایران به خارج و به‌ور شکستگی کشاندن کسب‌وکارهای داخلی، عنصر نفوذ و دخالت خارجی را به مهم‌ترین رکن تعیین‌کننده تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تبدیل کرد. متأثر از این وضعیت، دولت ایران در عهد قاجار ماهیت «وابسته» پیدا می‌کند و به همین دلیل، به کارگزار و حلقه اصلی برای تأمین منافع قدرت‌های خارجی در ایران هم تبدیل می‌شود. جالب آنکه همین دولت برای حفظ حیات وابسته خود، حتی مجبور بود با ابزار سرکوب، مقاومت جامعه‌در برابر سلطه خارجی را هم در هم بشکند.

با روی کارآمدن رضاخان، ماهیت دولت همچنان در چارچوب مدارهای تعریف‌شده در عهد قاجار پابرجا ماند؛ با این تفاوت که وی با تمسک به ناسیونالیسم رمانتیک و به منظور بازسازی ایران بر مبنای تصویر غرب، تلاش کرد تا در حوزه‌هایی استقلال کشور را احیا کند و اقدامات توسعه‌ای هم

انجام دهد. البته در این راستا، به‌ویژه وی در تلاش برای بازسازی اقتصادی ایران و در حوزه فرهنگ و هویت، غرب‌گرا و اسلام‌ستیز بود. با سرنگونی رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ و به‌ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، موقعیت دولت ایران به وضعیتی وخیم‌تر از زمان قاجار درآمد، به گونه‌ای که دولت وقت عملاً ماهیت «دست‌نشانده» پیدا کرد و در کنار «ارتش، دربار و بوروکراسی»، قدرت خارجی، یعنی آمریکا به رکن چهارم حکومت شاه تبدیل شد. با این حال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بلافاصله نفوذ و دخالت خارجی در کشور قطع شد و در طراحی سیاست‌های گوناگون کشور تلاش شد تا جمهوری اسلامی به مثابه یک دولت قوی، فعال و کارآمد بتواند علاوه بر جبران عقب‌افتادگی‌های گذشته، موقعیت کشور را در نردبان قدرت و ثروت در نظام بین‌الملل ارتقا دهد. انصافاً در این زمینه، جمهوری اسلامی کارنامه درخشانی دارد؛ حداقل در یک دهه اول استقرار این نظام، به اندازه یک قرن اقدامات عمرانی و توسعه‌ای در ابعاد مختلف صورت گرفت.

درواقع، پس از انقلاب اسلامی، روند انحطاط و اضمحلال قدرت در ایران که قدمت حدود ۲۰۰ ساله داشت، دگرگون شد و تلاش برای تحقق ایران قوی در دستور کار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. از این نظر، جمهوری اسلامی با قوی‌سازی ایران توانسته است در مقیاسی تاریخی و بنیادین دستاوردآفرین باشد، به‌گونه‌ای که مسیر حرکت ایران را از بازیگری منفعل و وابسته به بازیگری قدرتمند و مستقل تغییر داده است.

● تحولات اقتصادی و اجتماعی پس از انقلاب اسلامی در ایران

رخداد انقلاب اسلامی آغازگر فصل نوینی در تحولات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران بود. با پیروزی این انقلاب، علاوه بر تغییر نظام سیاسی، جهت‌گیری‌های حاکم بر کشور در ابعاد و زمینه‌های گوناگون دچار تغییر شد. بنابر این، حیات جامعه ایران در زمینه‌های مختلف دگرگون شد. با گذشت ۴۶ سال از پیروزی این انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، اکنون آثار و پیامدهای تغییراتی که در اثر این انقلاب و جهت‌گیری‌های حکومت برخاسته از آن ایجاد شده، در حیات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران نمایان است.

در ارزیابی تحولات صورت گرفته در دوره جمهوری اسلامی نیز به طور کلی دو دیدگاه متعارض وجود دارد: دیدگاهی که با مقایسه وضعیت امروز ایران با برهه قبل از انقلاب، ایران امروز را در روندی رو به ترقی می‌بیند و دیدگاه دیگری که با تصویرسازی مطلوب از گذشته، مقایسه ایران امروز با کشورهای توسعه‌یافته غربی و همچنین، برجسته‌سازی برخی مشکلات اقتصادی معیشتی، منکر ترقی در وضعیت ایران امروز می‌شود. نکته مهم در این زمینه آن است که با توجه به وضعیت اقتصادی ایران در برهه کنونی، به طور غالب، این ارزیابی‌ها با توجه به این وضعیت ارائه می‌شود. این در حالی است که برای ارائه تصویری درست از آنچه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی در دوره جمهوری اسلامی ایران رخ داده است، باید ایران امروز را در امتداد گذشته دید و تحولات اقتصادی اجتماعی دوره جمهوری اسلامی ایران را در متن جامعه ایران و با نظر به ویژگی‌ها و سیر تحول جامعه ایران نگریست. آنچه بر اهمیت و ضرورت این موضوع می‌افزاید، وجود یک تلاش سازمان‌یافته در قالب «جنگ‌شناختی» برای تصویرسازی نامطلوب از کارنامه جمهوری اسلامی ایران است. ما در این مجال کوتاه اگر تنها از میان صدها دستاورد انقلاب و نظام اسلامی به وضعیت روستاها و شهرها به صورت کلان نگاهی بیندازیم، می‌توانیم ابعاد و سطوح پیشرفت و ترقی در دو نظام گذشته و کنونی را به‌نظره بنشینیم.

الفـدر روستاها

درباره تحولات روستاها باید گفت، ابتدا متأثر از شرایط انقلاب و جنگ، سیاست «بازگشت به روستا» در پیش گرفته شد که طی آن، با ورود نهادهای انقلابی به روستاها، مشارکت روستاییان در جنگ و عضویت آنها در ساختار قدرت، مناسبات قدرت در روستاها متحول شد. بعد از جنگ نیز فرآیند «شهری شدن روستاها» آغاز شد که اثر آن، اقتصاد روستایی که مبتنی بر کشاورزی و دام‌داری بود، در برابر بخش‌های خدماتی، صنعتی و تجاری تضعیف شد. به هر حال، چهره و وضعیت روستاها در برهه بعد از انقلاب دگرگون شده است. منابع و عوامل این دگرگونی عبارت‌اند از:

۱-تحصول در مالکیت زمین: این موضوع با اصلاحات ارضی قبل و بعد از انقلاب انجام شد. بعد از انقلاب، هیت‌های هفت نفره تقسیم اراضی، ۱۷۵ میلیون هکتار زمین شامل اراضی موات، مصادره‌ای و اراضی مالکان بزرگ را تقسیم کردند و در اثر این اقدام، حدود ۲۵۰ هزار خانوار روستایی زمین دریافت کردند.

۲-استخدام دولتی و در نهادهای انقلابی: به دلایلی چون جهت‌گیری‌های طبقاتی جمهوری اسلامی، مشارکت روستاییان در جنگ و... در برهه بعد از انقلاب اسلامی، روستاییان در ادارات دولتی و نهادهای برآمده از انقلاب، مانند جهاد سازندگی،

سپاه پاسداران و... استخدام شدند.

۳-تحول نظام ارتباطی روستاها: نظام ارتباطی روستاها هم به لحاظ فیزیکی؛ یعنی راه‌های زمینی و تسریع جابه‌جایی از روستا به شهر و هم به لحاظ دسترسی به تلفن و اینترنت دچار تحول شده است. **۴-تجاری شدن کشاورزی:** به دلایلی چون تحول در مالکیت زمین در روستاها و توسعه ماشین‌آلات کشاورزی در روستاها و همچنین، اقدامات جهاد سازندگی، کشاورزی در روستاها ماهیت نیمه‌تجاری پیدا کرده است.

۵-افزایش نرخ باسوادی و میزان تحصیلات: طبق سرشماری‌های انجام شده، بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ میزان باسوادی مناطق شهری از ۴/۶۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸/۹۰ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در همین زمان نرخ باسوادی مناطق روستایی از ۵/۳۰ به ۵/۷۸ درصد رسیده است.

بـددر شهرها

در شهرها نیز وجه تولید خرده‌کالایی شهری تا حدود زیادی از بین رفته، اما در سال‌های اخیر برخی از انواع آن مانند تولید صنایع دستی احیا شده است. درواقع، مشاغل مرتبط با خرده‌کالایی، مانند شاکردی مغازه هنوز وجود دارد، اما تولید خرده‌کالایی به‌شدت متبضی شده است. دلایل این امر نیز به تغییر سبک زندگی و بسط مناسبات سرمایه‌داری در اقتصاد ایران برمی‌گردد؛ زیرا بسیاری از کالاهایی که سابق با دست تولید می‌شد، امروز یا مصرف ندارد، مانند پنبه‌دوزی یا در کارخانه تولید می‌شود.

در حوزه صنعتی نیز با عبور از بی‌ثباتی‌های ابتدای انقلاب و اتمام جنگ، اولین برنامه توسعه در سال ۱۳۶۸ تدوین شد که در آن بر جایگزینی واردات، توسعه صادرات، افزایش سرانه تولیدی، توسعه اشتغال تولیدی و... تأکید شد. در برنامه دوم توسعه نیز بر تشویق صادرات، مقابله با انحصارگرایی و افزایش کارایی در تولید داخلی و... تأکید شد و در ادامه، در برنامه سوم توسعه بر اصلاحات نهادی و ساختاری تأکید شده بود و در همین برنامه، در ارتباط با صنعت، بر کاهش مداخله و انحصارات دولتی، افزایش بهره‌وری، ارتقای فعالیت‌های اقتصادی رقابتی، تشویق سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و... اشاره شده بود. از مهم‌ترین اقدامات طی این برنامه، تلاش برای تدوین راهبرد توسعه صنعتی کشور بود که تا کنون انجام نشده است. به هر حال، در نود یک‌راهبرد مشخص برای صنعتی شدن، امانصنعت کشور بعد از پیروزی انقلاب دچار تحولات فراوانی شده است.

آفاق

ضوابط تفکر انقلابی-۲۷

مصلحت یا ذلت!

وزیر خارجه وقت آمریکا، صریحاً نقل می‌کند که پاسخ ارسال‌شده به ایران چنین مضمونی داشت: «چطور به خود اجازه داده‌اید چنین پیشنهاد گستاخانه‌ای بدهید؟»

نمونه‌ای دیگر از مصلحت‌اندیشی غیر انقلابی، نامه‌ای است که جمعی از نمایندگان مجلس ششم به رهبر معظم انقلاب نوشتند؛ نامه‌ای که به «نامه جام زهر» شهرت یافت. پاسخ رهبر معظم انقلاب به این نامه، نه در قالب یک جواب مکتوب، بلکه در سخنرانی روز بعد ایشان ارائه شد؛ پاسخی که در واقع نقدی بنیادین به این نوع مصلحت‌اندیشی بود. ایشان با مرور تجربه‌های انقلاب تأکید کردند که هر جا جمهوری اسلامی به اسلام، احکام اسلامی و آرمان‌های انقلاب تکیه کرده، پیروز شده و هر جا از این مبانی فاصله گرفته، دچار ضعف و شکست شده است. در این نگاه، بزرگ‌نمایی دشمن، کوچک‌نمایی توان ملت و تکرار دانهی گزاره «ما نمی‌توانیم»، نه نشانه عقلانیت سیاسی، بلکه محصول ضعف ایمان و فقدان روحیه انقلابی در برخی مسئولان دانسته شد. در هر دو نمونه، یک الگوی مشترک دیده می‌شود: تصمیم‌هایی که به نام مصلحت گرفته شدند، اما به دلیل تهی‌بودن از تفکر انقلابی، نه‌تنها مسئله‌ای را حل نکردند، بلکه بر مشکلات افزودند. اینها شکست انقلاب نبودند؛ بلکه شکست فهم مصلحت بودند. مصلحتی که به‌جای اتکا به توان ملت و اصول انقلاب، بر ترس از دشمن و امید بستن به او بنا شود، از درون ناپایدار است و نتیجه‌ای جز تحقیر و بن‌بست ندارد.

۱۱

خرد

شماره ۱۲۲۴ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴

صداقت

سیاست نامه

سیدمحمدباقر صدر- ۷۱

احیاجری!

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

بارزترین ویژگی‌های پیشرفت و هویت نزد شهید صدر که عملاً مشخصه مکتب فکری ایشان هم بوده، در هفت ویژگی فکری این شهید عزیز و نابغه نهفته بوده است. چهار تا از این ویژگی‌ها، یعنی روش‌شناسی تفکر، کل‌نگری و بالندگی نظری و حرکت از فرضیه به عمل‌گرایی و سفر از واقعیت به متن بررسی شد. در ادامه ویژگی‌های دیگر که برخی به پاسخ به مسئله پیشرفت و بخشی دیگر به پاسخ به مسئله هویت برمی‌گردد، تبیین می‌شود.

۵- احیاجری و بازگرداندن دویاره غایب؛ غیر از شهید صدر، احیاجری ویژگی مشترک بسیاری از اندیشمندان از قرن نوزدهم به بعد است؛ زیرا بسیاری از علمای بزرگ پیشرفت‌گرا معتقدن یکی از مهم‌ترین مشکلات امت اسلامی، این است که برخی از واجبات و ارزش‌های امت اسلامی در زندگی امت حضور ندارند؛ لذا اصطلاح «تکالیف پنهان‌شده» را در ست کردند؛ یعنی آن واجبات و ارزش‌هایی که مسلمانان از آنها غفلت کردند. این متفکران پیشرفت‌گرا احساس کردند که ارزش‌ها، عقاید و نظریه‌هایی در این میراث اسلامی وجود دارد که مشکل آن مرده بودن آن است. پس آمدند تا آن را زنده کنند.

اگر تجربه شهید صدر را بررسی کنیم، عنصر احیاجری را روشن می‌یابیم؛ مانند زنده کردن اندیشه حکومت اسلامی، زنده کردن مفاهیم اجرای شریعت، زنده کردن باور به راهبری اسلام برای زندگی، احیای مفهوم جهاد و مفهوم امر به معروف و نهی از منکر، زنده کردن مفاهیم فعالیت زنانه و مانند آن، که جنب شهید یا درباره آن نوشته یا در موردش صحبت کرده است.

۶- دفاع فعالانه یا پدافند تمدنی؛ متفکر مسلمان متعادل، در حالت تدافعی، درون را بیش از حد نقد نمی‌کند، درست همان‌گونه که از بیرون بیش از حد انتقاد نمی‌کند و از خود سلب مسئولیت نمی‌کند. شهید صدر باوجود این همه تلاش انتقادی برای روش‌های فکری ما، برای انتزاعی و غیرواقعی بودن ما، برای عملکرد نابودن ما، برای دور شدن ما از فقه نظریه‌پردازِی و به‌طور کلی اندیشه نظری و... با همه اینها، ایشان از ابتدا تا آخر عمر، در حالت تدافعی بود. از «فلسفه ما» در دفاع از اندیشه اسلامی در تقابل با گرایش‌های مارکسیستی، مادی‌گرایی دیالکتیکی و تاریخی، تا «مبانی منطقی استقرا» که در آن، نقد روش‌های منطقی خودمان را با ارائه روش‌های منطقی جدید که قادر به دفاع از ارزش‌ها و مفاهیم ماینز باشد ترکیب می‌کند. بنابر این، وقتی به دوصفحه آخر کتاب «مبانی منطقی استقرا» می‌رسیم، می‌فهمیم که اینن همه تلاش منطقی گسترده، با هدف خدمت به دفاع از مسئله «خداوند تبارک و تعالی» است؛ برای دفاع از وجود الهی و دفاع از وجودی فرامادی و فراطبیعی، در مقابل گرایش‌های مادی که در آن دوره به جهان اسلام هجوم می‌آوردند. (۱)

در اینجا متفکر مسلمان، احساس می‌کند که او مسئول دفاع از امتش و مسائل او و اندیشه و دین اوست و این از عناصر اساسی است که امتیاز شهید صدر به شمار می‌آید. لذا شهید صدر، دفاع از مسائل امت و اندیشه دینی را با نقد برخی نشانه‌های اشتباه و کشف خلأهای منفی در اندیشه دینی تلفیق کرد و این همان چیزی است که نشانه تعادل را در پاسخ به پرسش اصلی می‌سازد: پیشرفت و هویت با هم.

نکته گرام

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس: سپاه پاسداران یکی از قوی ترین و مؤثرترین نیروهای ضد تروریستی در دنیااست، فقط کسانی می توانند سابقه سپاه در مبارزه با تروریسم داعش را انکار کنند که خودشان در سمت تروریست ها ایستاده باشند.

حمایت از تروریسم نتیجه ای جز شیمانی برای کشورهای اروپایی نخواهد داشت.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه: نیروهای مسلح شجاع ما انگشت بر ماشه، آماده اند تا به طور سریع و قاطع به هرگونه تجاوز علیه خاک، حریم هوایی و آب های سرزمینی کشور عزیزمان پاسخ دهند. ایران همواره از یک توافق هسته ای منصفانه، عادلانه و مبتنی بر منافع متقابل استقبال کرده است؛ توافقی که از موضع برابر و عاری از هرگونه اجبار، تهدید و ارباب باشد. توافقی که نسبت به تأمین حقوق ایران برای بر خور داری از فناوری صلح امیز هسته ای اطمینان دهد و عدم دستیابی به سلاح هسته ای را تضمین کند.

مهدی فضائلی، عضو دفتر رهبر معظم انقلاب: «أَفَازَادُ أَنْ يَسْتَفْتَوْهُمْ مِنْ الْأَرْضِ فَأَعَزُّنَا وَتَمَّ مَعَهُ جَمِيعًا» (۱۰۳ اسراء)؛ پس فرعون تصمیم گرفت آنان(موسی و قومش) را از آن سرزمین براندازد، ولی ما او و همه کسانی را که با او بودند، غرق کردیم.

دربابان علی شمشخانی، نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای دفاع: ضربه محدود توهم است. هر اقدام نظامی، از سوی آمریکا از هر مبدأ و در هر سطحی، آغاز جنگ محسوب می شود و پاسخ آن فوری، همه جانبه و بی سابقه خواهد بود که متجاوز، قلب تل آویسو و همه پشتیبانی کنندگان از متجاوز را هدف می گیرد.

کاظم غرب آبادی، معاون حقوقی و بین المللی وزارت امور خارجه: ما خواهان جنگ نیستیم و نبودیم، اما بسیار خوب بلدیم از کشور و مردم خود دفاع کنیم. پاسخ ما به هر اقدام نظامی، قاطعانه و دردناک خواهد بود و حتی اقدام محدود نیز، پاسخی سخت و پشیمان کننده دریافت خواهد کرد.

ابوآلآء الولائی، مدیرکل کتابسیدالشهداء: ترامپ فرماندهان پیروزی (سردار حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس) را ترور فیزیکی کرد و اکنون می خواهد این کار را با ترور سیاسی المالکی تکرار کند. نوری المالکی؛ مادخالت آمریکا در امور داخلی عراق را رد می کنیم و آن را نقض حاکمیت ملی می دانیم. زبان گفت وگو میان کشورها تنها گزینه سیاسی در تعاملات است و نباید به زبان تحمیل و تهدید متوسل شد.

برونو رودریگس پارایلا، وزیر خارجه کوبا: ما تشدید اقدامات آمریکا علیه کوبا را به شدت محکوم می کنیم. واشنگتن اکنون به دنبال تحمیل یک نظام محاصره کامل بر تأمین سوخت کشور است. کوبا در مواجهه با اقدامات جدید دولت ترامپ علیه خود استوار است. ما مردمی انقلابی هستیم و همیشه آماده جنگیدن خواهیم بود.

محمد البرادعی، مدیرکل پیشین آژانس بین المللی انرژی اتمی: ادامه تهدیدهای یکجانبه به حمله نظامی علیه ایران، در شرایطی که هیچ خطر آشکار و فوری وجود ندارد و این تهدیدها با نقض قوانین بین المللی همراه است، همان فضای تلخ پیش از جنگ غیرقانونی و غیراخلاقی علیه عراق را تداعی می کند؛ جنگی که بر پایه دروغ ها شکل گرفت و پیامدهای فاجعه باری به جا گذاشت. به نظر می رسد جان انسان ها و ویرانی گسترده منطقه ای اهمیت ندارد. ما هرگز از تجربه های گذشته درس نمی گیریم.

آماده باش برای آینده!

نگاهی به ضرورت های امنیت ملی در عصر کوانتوم



حوزه رمزنگاری مقاوم در برابر کوانتوم و همچنین توسعه ارتباطات امن کوانتومی، نه یک انتخاب لوکس، بلکه یک ضرورت امنیت ملی است.

هرچند فناوری کوانتوم در جهان هنوز در مرحله رقابت سنگین و توسعه پر هزینه قرار دارد، اما ایران طی سال های اخیر در حوزه های مرتبط با فیزیک کوانتوم، فوتونیک، اپتیک پیشرفته و فناوری های پایه، سرمایه گذاری های علمی قابل توجهی انجام داده است. شکل گیری هسته های پژوهشی، تربیت نیروی انسانی متخصص و انجام پروژه های آزمایشگاهی، نشان می دهد که زیرساخت دانشی این حوزه در حال شکل گیری است؛ هرچند مسیر صنعتی سازی و عملیاتی سازی هنوز طولانی و پرچالش خواهد بود. نکته مهم این است که در حوزه امنیت ملی، «شروع زودهنگام» خود یک مزیت راهبردی به شمار می آید. حتی اگر بهره برداری عملیاتی گسترده سال ها زمان ببرد، کشوری که از حالا وارد این میدان شود، در آینده با شکاف فناوریانه کمتری مواجه خواهد شد.

در دکترین های جدید امنیتی، بازدارندگی دیگر فقط به موشک و تانک محدود نمی شود. امروز،

امنیت دیگر وابسته به سختی محاسباتی نیست، بلکه بر قوانین فیزیک کوانتومی استوار است. به بیان ساده، شنود یا دستکاری ارتباط، ذاتاً قابل آشکار سازی می شود و همین موضوع، سطحی از امنیت را فراهم می کند که با فناوری های کلاسیک قابل دستیابی نیست. برای قدرت های بزرگ، این حوزه دیگر صرفاً یک پروژه دانشگاهی یا آزمایشگاهی نیست؛ بلکه به تدریج در حال تبدیل شدن به بخشی از «زیرساخت راهبردی امنیت ملی» است. چرا این موضوع برای ایران حیاتی است؟

ایران کشوری است که همواره هدف فشارهای اطلاعاتی، سایبری و امنیتی بوده است. از حملات سایبری به زیرساخت ها گرفته تا عملیات های پیچیده اطلاعاتی که نشان می دهد میدان نبرد امروز، بیش از هر زمان دیگری دیجیتال و نامرئی شده است.

در چنین شرایطی، وابستگی به سامانه های رمزنگاری متداول، آن هم در افقی که کامپیوترهای کوانتومی می توانند آنها را بی اثر کنند، یک ریسک راهبردی به شمار می آید. به همین دلیل، ورود به

گزارش

کابوس پدافندهای غربی

گروه مجازستان

صبح صادق

موشک هایپر سونیک «فتاح» را باید یکی از مهم ترین نقاط عطف در تاریخ توان موشکی جمهوری اسلامی ایران دانست؛ سلاحی راهبردی که نه تنها موازنه قدرت نظامی در منطقه را تغییر داد، بلکه عملاً افسانه «پدافند نفوذناپذیر» رژیم صهیونیستی را نیز فرو ریخت. در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و همچنین عملیات های موفق مهرماه ۱۴۰۳، موشک فتاح با عملکردی کم نظیر توانست اهداف مهم دشمن را در فاصله بیش از ۴۰۰ کیلومتر با دقت بالا منهدم کند؛ عملکردی که تحلیلگران نظامی غربی نیز به ناچار آن را اعتراف کردند. این موشک نشان داد که دوران برتری مطلق سامانه های دفاع موشکی غربی به پایان رسیده است.

استفاده عملیاتی از نسل اول موشک های

فتاح، نقطه آغاز فروپاشی یکی از مهم ترین مؤلفه های جنگ روانی رژیم صهیونیستی بود؛ یعنی القای نفوذناپذیری سرزمین های اشغالی. تصاویر و گزارش های میدانی از اصابت موفق این موشک ها به اهداف حساس، به وضوح نشان داد که سامانه های چند لایه پدافندی دشمن، در برابر نسل جدید موشک های ایران، عملاً کارایی خود را از دست داده اند. سردرگمی آشکار فرماندهان صهیونیست در مدیریت بحران و ناتوانی در رهگیری این موشک ها، خود گواهی روشن بر تغییر معادلات راهبردی منطقه بود.

فتاح چگونه کار می کند؟ موشک فتاح یک موشک هایپر سونیک پیشرفته است که از ترکیب دو فناوری کلیدی بهره می برد: ۱- پیشرانه سوخت جامد در مرحله اول برای رسیدن به سرعت های بسیار بالا و ۲- موتور موج انفجاری (Scramjet) یا مشابه آن) در مرحله دوم برای حفظ و افزایش سرعت در جو.

ایسن ترکیب به فتاح امکان می دهد تا با سرعتی فراتر از ۵ ماخ (چند برابر سرعت صوت) حرکت کند و همزمان در مسیر پرواز، مانورهای سنگین و پیش بینی ناپذیر انجام دهد؛ ویژگی ای که عملاً محاسبات سامانه های رهگیری را مختل می کند. برخلاف موشک های بالستیک کلاسیک که مسیر پروازی نسبتاً پیش بینی پذیر دارند، فتاح می تواند در فاز نهایی پرواز، مسیر خود را تغییر داده و از زاویه ای غیر منتظره به هدف اصابت کند. همین مسئله، رهگیری آن را حتی برای پیشرفته ترین سامانه های آمریکایی و صهیونیستی به یک مأمریت تقریباً غیر ممکن تبدیل کرده است.

کارشناسان نظامی غربی، تولید و عملیاتی شدن فتاح را پاسخی مستقیم به افزایش تهدیدها علیه ایران و استقرار گسترده سامانه های موشکی آمریکا در منطقه ارزیابی کرده اند. از نظر برد، سرعت، قدرت مانور و

توان نفوذ، فتاح در رده پیشرفته ترین تسلیحات راهبردی جهان قرار می گیرد و ایران را به جمع معدود دارندگان فناوری موشکی هایپر سونیک وارد کرده است. این دستاورد، نه تنها یک موفقیت فنی، بلکه یک پیام راهبردی روشن برای دشمنان جمهوری اسلامی ایران است، به این معنا که دوران مصونیت از پاسخ ایران به پایان رسیده است.

نماد ورود جمهوری اسلامی ایران به نسل جدید جنگ های راهبردی و تثبیت یک بازدارندگی فعال و هوشمند است. بازدارندگی ای که نه بر پایه تهدید لفظی، بلکه بر توان واقعی، آزموده شده و عملیاتی بنا شده است. واقعیت میدانی نشان می دهد، دشمنان ایران بیش از هر زمان دیگری، با یک معادله جدید و پیچیده روبه رو شده اند: معادله ای که نام آن فتاح است.

خبر خوب

واکسن های mRNA

نانوستنر ایرانی با فناوری ایرانی



فناوران یک شرکت دانش بنیان با بومی سازی فناوری میکرو فلوئیدیک، موفق به طراحی و ساخت دستگاه های نانوستنر آزمایشگاهی و صنعتی برای تولید نانوحامل های دارویی لیپیدی و پلیمری شدند و این دستگاه امکان تولید نانوذرات مورد استفاده در داروهای پیشرفته و واکسن های mRNA را با قیمتی به مراتب کمتر از نمونه های خارجی

فراهم می کنند و اکنون در مراکز دانشگاهی، تحقیقاتی و حتی بازارهای صادراتی به کار گرفته شده اند. این شرکت دانش بنیان بار در کشور موفق به طراحی و ساخت دو دستگاه به منظور تولید نانوحامل های لیپیدی و پلیمری در مقیاس آزمایشگاهی و صنعتی شده است.

پژواک

پیامک های جعلی

شماره های شخصی را باور نکنید!



کلاهبرداران با ارسال پیامک درباره موضوعات روز، مانند کالابریک یا ابلاغیه قضایی، روی غفلت مردم حساب می کنند. با کلیک بر لینک پیامک، کاربر یا به صفحه فیشینگ هدایت می شود یا با دافزار روی گوشی نصب می شود که به تمام اطلاعات دسترسی پیدا می کند. برای تشخیص این پیامک ها، باید به دو نشانه اصلی توجه کنید: اول

اینکه این پیامک ها از یک شماره موبایل معمولی ارسال شده اند و دوم اینکه حاوی یک لینک هستند. سازمان های دولتی و رسمی مانند قوه قضائیه یا پلیس فتا، همیشه از سر شماره های متنی خاصی، مانند Adliran یا police Fata برای اطلاع رسانی استفاده می کنند.

گزارش صبح صادق از شانزدهمین جشنواره عمار

علیه آپارتاید فرهنگی!



آرش فهیم
دبیر گروه فرهنگ

شانزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار در حالی برگزار شد که این بار طنین فریاد عدالت‌طلبی و روایت پیشرفت، از صحن مسجد جامع ابوذر تهران تا سالن‌های سینما بهمن، مژده‌دهنده فصل جدیدی از بلوغ هنر انقلاب اسلامی است. جشنواره‌ای که به تعبیر رهبر معظم انقلاب نباید لحظه‌ای متوقف شود، امروز به درختی تناور تبدیل شده که ریشه‌هایش در باورهای مردمی و شاخسارهایش افق‌های جهانی را هدف گرفته‌اند.

دومین نشست خبری این‌ دوره در مکانی نمادین برگزار شد؛ مسجد جامع ابوذر؛ یکی از صدها مسجدی که دی ماه آشوب‌های امسال، طعمه حریق آشوبگران شد. جایی که به گفته «سعید خورشیدی»، رئیس شورای سیاست‌گذاری جشنواره، یادآور «ایام‌الله» و پیروزی قدرت نرم انقلاب بر فتنه‌های است. انتخاب این مکان، پیامی روشن داشت: عمار، سینما را به سنگرِ تبیین پیوند زده است.

«مرضیه هاشمی» دبیر این دوره هم با اشاره به توطئه‌های دشمن برای القای ناامیدی، از شکوه حضور هنرمندان با وجود فشارهای بین‌المللی سخن گفت. دریافت بیش از ۷۰۰ اثر از ۱۱ کشور جهان و رشد سه برابری آثار در مقایسه با سال گذشته، نشان از آن دارد که «عمار» دیگری یک رویداد داخلی نیست؛ بلکه کانون تجمع نخبگانی است که از عراق و لبنان تا بریتانیا و کانادا، دل در گرو آرمان مستضعفین دارند.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شانزدهمین جشنواره عمار، تمرکز بر کادرسازی برای هنر انقلاب است. عمار نه تنها یک ویتترین، بلکه یک «مدرسه» است. حضور پررنگ فیلمسازان جوان و آینده‌دار در بخش‌های گوناگون، نویدبخش ظهور نسلی است که خلأهای سینمای حرفه‌ای را با دغدغه‌مندی پر می‌کند.

«محمدحسین صبوری» دبیر اجرایی جشنواره، از حضور ۳ هزار و ۴۰ اثر در بخش‌های گوناگون خبر داد که از این میان، ۳۰۰ اثر به بخش مسابقه راه یافتند. این حجم از مشارکت، نشان‌دهنده پویایی نسل جوانی است که منتظر فرش قرمزهای فرمایشی نمانده و با دوربین‌های خود به قلب واقعیت زده‌اند. عمار در این دوره بار دیگر بر هویت «خانوادگی بودن» خود تأکید کرد. اکران‌های سینما بهمن در روزهای نخست، شاهد حضور گرم خانواده‌هایی بود که با فرزندان خردسال خود به تماشای آثار پویانمایی نشستند. این رویکرد، پاسخی هوشمندانه به نیاز جامعه برای داشتن تفریح سالم و مؤمنانه است.

در عین حال، جشنواره با بخش «روایای ایرانی»، به دنبال رفع خلأهای راهبردی در سینمای ایران

است. اکران فیلم بلند «خدای جنگ» که روایتگر پیشرفت‌های موشکی ایران با تکیه بر توان داخلی است، نمونه‌ای از سینمای قهرمان‌محور و ملی است که در سینمای بدنه کمتر دیده می‌شود. عمار با ورود به حوزه‌هایی چون «نبرد تمدنی»، «جنگ اقتصادی» و «حافظه ملی»، ثابت کرد که هنر می‌تواند پیشران اقتدار ملی باشد.

رئیس شورای سیاست‌گذاری جشنواره به درستی اشاره کرد که هنرمندان انقلابی در حوزه آسیب‌شناسی جامعه نیز «دست‌پُر» هستند. آثار بخش نقد درون‌گفتمانی نشان داد که نگاه هنرمندان عمار به مسائل اجتماعی، دقیق‌تر و هنری‌تر شده است. نشست‌های خبری چالش‌برانگیز، مانند نشست مستند «چگونه بانک بزنیم؟»، گواهی بر این مدعاست که عمار نه تنها بلندگوی دستاوردها، بلکه زبان گویای مردم در مطالبه عدالت و نقد ساختارهای ناکارآمد اقتصادی است.

بخش ویژه‌ای از جشنواره امسال به گزارش‌های روایی و تصویری از حوادث اخیر کشور اختصاص یافته است. در روزگاری که دشمن با تمام توان رسانه‌ای خود به دنبال تطهیر پهلوی و القای بن‌بست در جامعه است، عمار با آثاری چون «ساختمان شیشه‌ای» و مستندهایی درباره شهدای مدافع امنیت (مانند «طلبه رشید»)، آرایش تهاجمی به خود گرفته است.

این جشنواره نشان داد، «جمهور مردم» همچنان در صحنه هستند. حضور خانواده شهید امین عباس رشید در کنار تماشاگران و توه خردسال شهید در سالن سینما، پیوندی عاطفی میان هنر و ایثار ایجاد کرد که هیچ جشنواره سکولاری قادر به بازآفرینی آن نیست.

شانزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار، با شعار وحدت و هوشیاری، فراتر از یک رویداد هنری، به مثابه یک «عملیات فرهنگی» ظاهر شده است. این جشنواره با توجه به نسل‌های مختلف، تلاش برای رفع خلأهای ملی و راهبردی، و تبدیل سینما به محفلی برای خانواده‌ها، نشان داد که سینمای انقلاب اسلامی زنده، پویا و رو به جلو است. عمار، امروز پاسخی است به نیاز جامعه‌ای که می‌خواهد

روایت صادقانه خود را بر پرده نقره‌ای ببیند.

از محراب تا آپارات

در حالی‌که سینماهای مدرن و مجلل در کلان‌شهرها تنها پذیرای بخش محدودی از جامعه هستند، جشنواره عمار با تکیه بر «نهضت اکران مردمی»، مرزهای جغرافیایی و طبقاتی را شکسته است. این گزارش روایتی است از اکران‌کنندگان که بدون بودجه‌های دولتی، پروژه‌های خود را به دورترین روستاها و محروم‌ترین نقاط مرزی برده‌اند تا «صدای انقلاب» به گوش همه برسد.

یکی از زیباترین جلوه‌های اکران مردمی، احیای نقش اجتماعی مساجد است. در این دوره از جشنواره، گزارش‌های متعددی از اکران فیلم در روستاهای محروم سیستان و بلوچستان و کوهستان‌های کهگیلویه و بویراحمد به دبیرخانه رسید. اکران‌کنندگان که اغلب جوانان دانشجو یا طلبه‌های دغدغه‌مند هستند، با نصب یک پرده سفید ساده در صحن مساجد، محفلی برای گفت‌وگو ایجاد می‌کنند. در اینجا، سینما دیگر یک کالای لوکس نیست، بلکه ابزاری برای «تبیین» و «امیدآفرینی» است.

عمار نشان داد که پرده سینما می‌تواند هر جایی نصب شود. اکران مستندهایی با موضوع نقد منصفانه و عدالت‌خواهی در میان کارگران کارخانه‌های در آستانه تعطیلی، یا نمایش فیلم‌های داستانی در کانون‌های اصلاح و تربیت و یادگان‌های نظامی، نشان‌دهنده هوشمندی شبکه اکران عمار است. این اکران‌ها نه تنها برای مخاطب سرگرمی سالم را به ارمان می‌برد، بلکه به او احساس «دیده شدن» می‌دهد. وقتی کارگری می‌بیند دغدغه‌اش روی پرده نقش بسته، پیوند او با نظام و آرمان‌های انقلاب مستحکم‌تر می‌شود.

شبکه اکران مردمی عمار عملاً با «آپارتاید فرهنگی» مبارزه می‌کند. در مناطقی که نزدیک‌ترین سینما به آنها صدها کیلومتر فاصله دارد، عمار با بسته‌های اکران خود، عدالت رسانه‌ای را محقق کرده است. این حرکت، مصداق بارز فرمایش رهبر معظم انقلاب است که عمار را یک «کار مبارک»

خواندند. در این دوره، شاهد بودیم که فیلم‌های بخش «روایای ایرانی» و دستاوردهای علمی کشور، بیشترین درخواست اکران را در مناطق محروم داشتند که نشان‌دهنده عطش مردم برای شنیدن اخبار پیشرفت است.

پشت هر اکران، داستانی از ایثار نهفته است؛ اکران‌کننده‌ای که در برف و کولاک دستگاه اکران را به سختی جابه‌جا می‌کند، یا نوجوانی که با پول توجیبی خود پتر تبلیغاتی فیلم را تهیه کرده است. اینها «افسران جنگ نرم» هستند که بدون نام و نشان، اجازه نمی‌دهند چراغ هنر انقلاب در هیچ نقطه‌ای از ایران خاموش شود.

فانوس هنر مقاومت در نظم جدید جهانی

جشنواره عمار در حالی به ایستگاه شانزدهم رسید که بخش بین‌الملل آن، به تثبیت نسبی رسیده است. حضور آثاری از ۱۱ کشور جهان و هنرمندانی که از قلب آمریکا و اروپا تا کشورهای محور مقاومت، با عبور از سد سانسور و تهدید، آثار خود را به دبیرخانه عمار رسانده‌اند، نشان‌دهنده یک «بیداری هنری» جهانی است.

مرضیه هاشمی، دبیر جشنواره در سخنان خود به نکته‌ای کلیدی اشاره کرد: «بسیاری از هنرمندان در غرب به دلیل حمایت از آرمان فلسطین و شرکت در عمار با تهدید اخراج و زندان روبه‌رو هستند.» با این حال، حضور آثاری از بریتانیا، کانادا و آمریکا نشان می‌دهد قدرت نرم انقلاب اسلامی توانسته است وجدان‌های بیدار را در قلب دنیای غرب با خود همراه کند. این حضور «جایزه موزانیک مرگ بر آمریکا» را از یک نماد سیاسی به یک «بیانیه هنری علیه ظلم» تبدیل کرده است.

در این دوره، موضوعاتی چون «نظم جدید جهانی» و «نبرد تمدنی ایران با غرب وحشی» تنها شعار نبودند، بلکه در قالب مستندهایی از یمن، لبنان و عراق به تصویر کشیده شدند. عمار ثابت کرد که میان مبارز یمنی در جبهه نظامی و مستندساز بریتانیایی در جبهه فرهنگ، یک نخ تسبیح وجود دارد و آن، ایستادگی در برابر یکجانبه‌گرایی است. آثار این بخش نشان داد که روایت ایران از آزادی و عدالت، در حال تبدیل شدن به «گفتمان غالب» در میان نخبگان ضداستکباری جهان است. دنیای رسانه‌ای امروز، صدای مظلومان غزه، بحرین و یمن را بایکوت می‌کند، اما عمار هر چند به وسع خودش، این صداها را بازتاب می‌دهد. بخش بین‌الملل جشنواره با اکران آثاری که جنایات صهیونیسم و استعمار نورا افشا می‌کنند، عملاً نقش «رسانه جایگزین» را ایفا کرد.

شانزدهمین جشنواره عمار با تمام فراز و نشیب‌ها، فشارهای مالی و بی‌مهری‌های داخلی، به کار خود پایان داد اما چراغی که روشن کرد، در هزاران نقطه اکران مردمی همچنان می‌سوزد. عمار ثابت کرد که برای اثرگذاری، به فرش قرمز نیاز نیست و نیاز به «ایمان» و «دوربین» است.

یادداشت

رۀ خون دی ۱۴۰۴ در نمایش خانگی

سعید رضایی

خبرنگار

اتفاقات تلخ دی‌ماه ۱۴۰۴، بار دیگر نشان داد میدان نبرد، قبل از خیابان به عرصه روایت و تصویر منتقل شده است. اگر روزی شبکه‌های ماهواره‌ای چون «من و تو» با مستندهای سفارشی، وظیفه «خاطر‌سازی جعلی» از دوران پهلوی را بر عهده داشتند، امروز این مأموریت به شکلی پیچیده‌تر، دراماتیک‌تر و البته خطرناک‌تر به لایه‌های زیرین شبکه نمایش خانگی نفوذ کرده است. آنچه در دی‌ماه امسال شاهد بودیم، نه یک اعتراض خودجوش، بلکه فوران خشونت و توهمی بود که بذران ماه‌ها قبل در رسانه و اذهان کاشته شده بود.

نخستین ردپای این جریان را باید در عادی‌سازی خشونت خیابانی جست‌وجو کرد. پلتفرم‌های نمایش خانگی در سال‌های اخیر به تولید آثاری که «قانون‌گریزی» را ذکاوت و «چاقو‌کشی» را غیرت و شجاعت معرفی می‌کردند، ذائقه مخاطب جوان را به سمت خون‌ریزی سوق دادند. در برخی از این آثار، بن‌بست‌های اجتماعی تعدماً چنان تاریک ترسیم می‌شد که تنها راه حل باقی‌مانده برای قهرمان پوشالی داستان، سلاخی مأمور قانون در خیابان بود.

این تصویرسازی‌ها، قبح‌زدایی از تقابل فیزیکی با حافظان امنیت را به پروژه‌ای نظام‌مند تبدیل کرد. وقتی نوجوان ما در قاب تصویر، قتل یک مأمور را به مثابه یک کنش قهرمانانه تماشا می‌کند، در روز آشوب، سنگ و چاقوی خود را نه ابزار جنایت، بلکه ابزار عدالت می‌بیند.

اما خطرناک‌تر از خشونت فیزیکی، «تورر حقیقت» و تحریف تاریخ معاصر است. سریال «تاسیان» نمونه بارز این است‌حاله فرهنگی است. خانم کارگردان در این اثر، با استفاده از تکنیک‌های بصری فریبنده، طراحی لباس‌های پَر زرق و برق و چهره‌پردازی‌های جعلی، جامعه عصر پهلوسی دوم را طوری تصویر کرده است که گویی ایران آن زمان، قطعه‌ای از بهشت بوده است. هر چند در ظاهر این سریال، ماجراهایی مثل سرکوب مخالفان رژیم وقت و شکنجه در بازداشتگاه‌ها به شکل خفیف به نمایش در آمد، اما آنچه‌ه روی ناخودآگاه مخاطب کار کرد، جلوه‌های پر نقش و نگار، و رنگ‌آمیزی خاص آن دوران سیاه بود. غلبه رنگ‌های روشن و شاد در پس زمینه این نوع تصویرسازی، عامل تکمیل جنگ شناختی در حوزه پهلوی‌شناسی در این سریال بود. اینجاست که پروژه نیمه‌تمام شبکه‌هایی مثل «من و تو»، در پلتفرم‌های داخلی به یک «فرآیند نفوذ» تبدیل می‌شود.

تأثیر این بمباران فرهنگی، دیگر یک تحلیل تئوریک نیست؛ بلکه یک واقعیت میدانی است. در میان صدها بازداشتی اغتشاشات اخیر، اعترافات جوانی که تحت تأثیر سریال «تاسیان» به خیابان آمده‌بود، تکان‌دهنده است. او صراحتاً می‌گوید: «من هیچ درکی از تاریخ نداشتم. وقتی آن زندگی شیک، آن لباس‌ها و آن فضای باز نمایش داده شده در سریال را دیدم، احساس کردم حقم خورده شده است.»

این اعتراف، سندی بر این جریان است که از سوی مدیران فرهنگی چندان جدی گرفته نشد و در قلب پلتفرم‌های بومی اتفاق افتاد. جایی که بودجه‌های کلان صرف می‌شود تا جای شاکي و متهم در تاریخ عوض شود. شبکه نمایش خانگی که قرار بود ووترین هنر و فرهنگ ایرانی باشد، حالا به بستری برای تولید «نفرت» و «نوستالژی کاذب» تبدیل شده است. آیا تبدیل شدن برخی پلتفرم‌ها به تریبون تطهیر پهلوی و ترویج خشونت علیه مأمور قانون، تصادفی است، یا این یک ریل‌گذاری دقیق برای رساندن بخشی از جامعه به حوادث دی ۱۴۰۴ بود؟

قبیله عشق |

قلبی که برای مردم می‌تپید



در روزهایی که آشوبگران با تخریب اموال عمومی و ایجاد ناامنی، آرامش شهر اصفهان را هدف قرار داده بودند، جوانان مؤمن و غیور این شهر بی‌ادعا به میدان آمدند تا از امنیت مردم و مقدسات دفاع کنند. یکی از این جوانان، «شهید اسماعیل حلاجی» بود؛ مهندسی نخیه، فعال فرهنگی و بسیجی مخلص که سرانجام در مسیر دفاع از مسجد و شهر، به آرزوی دیرینه‌اش، یعنی شهادت رسید. «علی‌نقش» یکی از دوستان شهید می‌گوید: «اسماعیل و من از بچه‌های مسجد نوریاران هستیم. از زمانی که نوجوان بود و وارد کانون فرهنگی نوریاران شد، با هم دوست بودیم. او خیلی زود با همه بچه‌های مجموعه انس گرفت؛ چرا که خیلی فعال و مسئولیت‌پذیر بود. از آنجایی که در اکثر فعالیت‌ها مشارکت می‌کرد و همیشه پایه ثابت فعالیت‌ها و برگزاری برنامه‌های مختلف بود، مسئول پشتیبانی پایگاه بسیج مسجد شد. او معمولاً در پشتیبانی از کارها و فعالیت‌های مجموعه نقش پررنگی داشت و خیلی مخلصانه سخت‌ترین کارهای هر برنامه‌ای را انجام می‌داد. گمنام و بدون توقع کار می‌کرد و در انجام کارهای مختلف پیش قدم بود و هیچ وقت کاری به او تحمیل نمی‌شد. او در فضای مربی‌گری مجموعه هم وارد شد و مربی و کمک مربی تعدادی از نوجوانان و جوانان شد. نوجوانانی که شهید مربی آنها بود دیروز خیلی ناراحت بودند. با وجود اینکه رشته تحصیلی شهید از گرایش‌های فنی و مهندسی بود و در بهترین دانشگاه‌ها تحصیل کرد، اما دنبال کارهای راحت نبود. حتی در شغل خود هم پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد یک شرکت دانش‌بنیان تأسیس کرد تا بتواند یک کار بنیادین در عرصه فعالیت‌های علمی و فناوری انجام دهد. از آنجایی که دغدغه فعالیت‌های فرهنگی را داشت و خودش هم در این فضا فعالیت کرده بود، خیلی علاقه‌مند بود که حتماً در یک مجموعه انقلابی مانند مسجد نوریاران نقش‌آفرینی کند؛ بنابراین مسئولیت‌پذیرانه شروع به تربیت نسل نوجوان و برگزاری برنامه‌های فرهنگی کرد. شهید علاوه بر اینکه یک مهندس بود، کشاورزی هم می‌کرد. در روستای خودشان یک زمین داشت و ماههایی از سال را در آنجا کشاورزی می‌کرد.

شب جمعه هجده دی چهارراه هشت بهشت اصفهان شلوغ شده بود و جمعیت زیادی از اغتشاش‌گران وارد عمل شده بودند. تعدادی از بچه‌های سپاه تصمیم گرفتند به چهارراه هشت بهشت بروند تا آنجا را آرام کنند. تعدادی از بچه‌ها از جمله شهید اسماعیل حلاجی با نیروهای سپاه همراه شدند. در مسیر نوریاران به سمت چهارراه هشت بهشت صدای تیراندازی شنیده می‌شود و دوستان متوجه می‌شوند اسماعیل بر زمین افتاد. سریع به اطراف نگاه می‌کنند و به چند نفر مشکوک می‌شوند، اما پس از مدتی باتوجه به اینکه تیر از پشت به سر شهید اصابت کرده متوجه می‌شوند از ساختمان نیمه کاره یکی از تروریست‌ها به شهید شلیک کرده است. حدود ۲۰ دقیقه در بیمارستان صدوقی تلاش کردند تا اسماعیل زنده بماند، اما رزق او شهادت بود و به شهادت رسید.»

گزارش صبح صادق از دیدار صمیمانه جانشین نمایندگی ولی فقیه در سپاه با جانبازان دوران دفاع مقدس

قهرمانان دیروز نگران ذهن جوانان امروز



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه



در خانه‌هایی که دیوارهای‌شان شاهد اشک و لبخند، صبر و استقامت، و سال‌هایی طولانی از انتظار و درد بوده‌اند، جنگ هنوز تمام نشده است. جنگ برای خانواده‌های جانبازان، نه در آتش‌پس‌ها پایان یافته و نه در کتاب‌های تاریخ. اینجا، در میان کوچه‌های جنت‌آباد شمالی، کن تهران و خانه‌ای در خیابان دماوند که هنوز بوی خاکریزهای کربلای پنج و نصر ۴ را با خود دارد، روایت ایثار همچنان زنده است؛ روایتی که این بار شنیده می‌شود که سال‌هاست بار سنگین جانبازی را بی‌صدا به دوش می‌کشند.

هم‌زمان با سالروز میلاد امام حسین(ع)، حضرت ابوالفضل العباس(ع) و روز جانباز، هیتی از سوی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، با حضور جانشین نمایندگی ولی فقیه، حجت‌الاسلام و المسلمین طیبی‌فر به همراه برادران فتاح چراغی، محمد ترابی و علی جعفری، راهی دیدار خانواده سه جانباز سرافراز دفاع مقدس شد؛ جانبازانی که نام و ایثارشان سال‌هاست در حافظه هم‌زمان‌شان ماندگار است.

نخستین مقصد، محله جنت‌آباد شمالی بود؛ خانه جانباز محمدرضا جعفری‌راد، جانباز ۶۶ درصد دفاع مقدس. خانه‌ای آرام، با سکوتی که گویی در دل خود هزاران ناگفته را پنهان کرده است. جعفری‌راد، که دو فرزند دارد، سال‌هاست با عوارض جسمی و روحی ناشی از جانبازی زندگی می‌کند؛ اما آنچه روایت این خانه را عمیق‌تر می‌کند، سخنان همسری است که از نخستین روزهای مجروحیت تا امروز،

همراه و تکیه‌گاه او بوده است. او از سال‌هایی گفت که درد، همچان همیشگی خانه بود و صبر، تنها راه ادامه دادن.

دومین دیدار، در محله کن تهران و منزل جانباز محمدرضا افشار، جانباز ۷۷ درصد دفاع مقدس رقم خورد. حجت‌الاسلام طیبی‌فر در این دیدار، با طرح پرسش‌هایی درباره نحوه مجروحیت این جانباز در جبهه‌ها، پای خاطراتی نشست که هنوز هم تازه و زنده‌اند. او در ادامه، با اشاره به اجر صبر و ایستادگی خانواده‌های جانبازان، به‌ویژه همسران آنان، از نقش بی‌بدیل این زنان در استمرار روحیه مقاومت سخن گفت؛ زنانی که سال‌ها بی‌ادعا، بار مشکلات را به دوش کشیده‌اند.

اما روایت سوم، روایتی متفاوت‌تر بود؛ روایتی که گذشته و حال را به هم پیوند می‌داد. در خانه جانباز محمد قاسمی، جانباز ۸۰ درصد دفاع مقدس، جنگ از شکل نظامی فاصله گرفته و به میدان دیگری کشیده شده است؛ میدان جنگ رسانه. قاسمی، رزمنده‌ای که در عملیات‌های کربلای پنج و نصر ۴ از ناحیه دست، چشم و پا مجروح شده، امروز با نگاهی عمیق و تجربه‌محور، از تهدیدی سخن می‌گوید که به باور او، کمتر از گلوله و خمپاره خطرناک نیست.

او می‌گوید: «انقلاب ما یک انقلاب دینی، الهی و مذهبی است و همچنین یک انقلاب شیعی. شیعه همواره با مظلومیت، درد، هجران و شهادت عجین بوده است. از بحث سقیفه بنی‌ساعده و غصب خلافت بگیرید، خانه‌نشین شدن حضرت، تا شهادت بی‌بی فاطمه زهرا(س)، تا وضعیت صلح امام مجتبی(ع) و شهادت مظلومانه ایشان.»

قاسمی، با مکتبی که از عمق دغدغه‌اش حکایت دارد، ادامه می‌دهد: «اما نکته‌ای که الان از نظر من خیلی حائز اهمیت است و دلم می‌خواست سردار جوانی را می‌دیدم و با ایشان صحبت می‌کردم. این است که جنگ،

جنگ رسانه است. واتساپ یک ابزار دشمن است؛ یک نرم‌افزار و در واقع یک رسانه صهیونی است. وقتی مالکیتش مال آنهاست، این نرم‌افزار شماره‌محور هم هست؛ یعنی الان ما یک‌سری از شهیدایی که در جنگ ۱۲ روزه دادیم، بر مبنای همین، در واقع شماره تلفن‌ها و اینها ردیابی شدند.»

او تأکید می‌کند: «جان کلام من این است که تأکید من روی بحث جنگ رسانه است. ما باید آن‌قدر توجه داشته باشیم که اجازه تخریب ذهن جوان‌ها و نوجوان‌های ما داده نشود.»

در ادامه این دیدار، سردار فرجیان‌زاده نیز با اشاره به وقایع اخیر گفت: «مردم ایران هیچ گناهی نداشتند، ولی قربانی جنایت جنایتکاران داعش صفت و مغول‌صفت شدند. یکی از اهداف اغتشاشگران کشته‌سازی بود. تمام تیم‌ها و گروه‌هایی که روز هجدهم و نوزدهم وارد شدند، آموزش دیده بودند. در اعتراضات‌شان هم هست که می‌گویند به ما دستور داده شده بود، اگر نتوانستیم پلیس، بسیجی یا پاسدار مقابل خودمان را بزنیم، همین کسی که کنار دست‌مان است، همین عابر پیاده، همین مردم، حتی همراهان خودمان را بزنیم و در واقع یک کشته‌سازی وسیع انجام بدهیم؛ تا بعد از آن، با امپراتوری رسانه‌ای که در اختیار دارند، این کشته‌سازی را به نظام جمهوری اسلامی نسبت بدهند.»

او با مرور تجربه دفاع مقدس افزود: «وقتی صدام در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با تمام تجهیزات و امکاناتی که از ۱۵ سال پیش آماده کرده بود، از هوا و زمین و دریا به کشور ما حمله کرد و شهرها و فرودگاه‌ها و مراکز مختلف شهرهای ما را هدف قرار داد، بسیاری از کشورهای دنیا در طول هشت سال دفاع مقدس می‌گفت شروع‌کننده جنگ ایران بوده است. الان هم متأسفانه در داخل کشور کسانی هستند که به همین باورند؛ یعنی آنقدر عقب‌ماندگی عقلانی دارند و آنقدر ضعیف عقلانی دارند که

این واقعیت را نمی‌فهمند.» فرجیان‌زاده ادامه داد: «با پیگیری‌هایی که جمهوری اسلامی در دفاع مقدس انجام داد، در قطعه‌نامه ۵۹۸ یکی از بندها این بود که شروع‌کننده جنگ مشخص شود. تا اینکه در سال ۱۳۷۰ یا ۱۳۷۱ رسماً، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که متجاوز چه کسی بوده است.»

او همچنین گفت: «حضور تاریخی و ماندگار مردم در ۲۲ دی نشان داد که سطح آگاهی بالا رفته و مردم ترفندها، فریبکاری‌ها و حيله‌های دشمن را به‌خوبی می‌شناسند و تسلیم آن نمی‌شوند. حقیقت را نمی‌توان برای همیشه پنهان کرد؛ حقیقت مانند خورشید است، شاید مدتی ابر جلوی آن را بگیرد، اما نهایتاً می‌درخشد.»

همسر جانباز قاسمی نیز با نگاهی مادرانه و نگران، از فشارهای سنگین رسانه‌ای بر نسل جوان سخن گفت: «جوان‌ها تحت فشار شدید فضای رسانه‌ای هستند؛ ماهواره، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مدام در حال تأثیرگذاری‌اند. باید حتماً به این نکته توجه کنیم که این زندگی آرام و این آرامشی که داریم، مدیون شهدا و جانبازان است. جانبازان، شهدا و بسیجی‌ها از خودشان دفاع رسانه‌ای ندارند.» او افزود: «برخی از جوان‌های مادچار نوعی فقر فرهنگی شده‌اند؛ چون سن‌شان کم است و درک عمیقی ندارند، به‌شدت تحت تأثیر ماهواره، فضای مجازی، اینستاگرام و رسانه‌ها قرار می‌گیرند. در جنگ اخیر هم واتساپ، اینستاگرام و ماهواره تأثیر زیادی روی آن‌ها گذاشت.»

و در پایان سخنانش گفت: «اگر با آنها صحبت شود، اگر رفتار خوب ببینند، می‌بینیم که دل‌شان پاک است؛ اما با فضاسازی کاذب، این بچه‌ها را جذب می‌کنند. متأسفانه رسانه ما ضعیف عمل می‌کند.»

خبر |

تلاش بی‌وقفه

در اوج سرمای زمستان و هم‌زمان با ثبت دمای منفی ۲۷ درجه سانتی‌گراد در برخی نقاط استان اردبیل، پروژه ساماندهی و بهسازی رودخانه بالیخلوچای بدون وقفه در حال اجراست. این پروژه عمرانی، با وجود کولاک و یخبندان، با تلاش مستمر متخصصان مؤسسه پایاپ نیرو، وابسته به هلدینگ تخصصی نیروپیش می‌رود. حضور عوامل اجرایی و استفاده از تجهیزات تخصصی، جلوه‌ای از تعهد به خدمت‌رسانی و کار جهادی را به نمایش گذاشته است. ساماندهی این رودخانه نقش مهمی در مدیریت سیلاب، حفاظت از محیط زیست و بهبود سیمای شهری اردبیل ایفا می‌کند و نمادی از اولویت‌داشتن آبادانی حتی در سخت‌ترین وضعیت اقلیمی است.

جشنواره جهادگران

جشنواره بین‌المللی جهادگران با هدف گفتمان‌سازی صحیح و بازنمایی ظرفیت‌های حرکت‌های جهادی برگزار می‌شود. این جشنواره بستری برای معرفی تجربیات نوآورانه و دستاوردهای گروه‌های جهادی فراهم کرده و با مشارکت جهادگران، متخصصان، خیرین و سیاست‌گذاران، در سه بخش تخصصی، ادبی و هنری شکل می‌گیرد؛ در آستانه هفتمین دوره، این رویداد می‌کوشد روایت‌هایی از امید، همدلی و خدمت را برجسته کرده و با تمرکز بر طرح‌های اثربخش خدمت‌رسانی، بازنمایی پیشرفت در مناطق کم‌برخوردار و موضوع ویژه «خدمت و مقاومت در جنگ ۱۲ روزه»، زمینه‌ساز هم‌پیمانی جهانی در مسیر عدالت و پیشرفت باشد. مهلت ارسال آثار ۳۰ بهمن ماه است.

بزرگ‌ترین پروژه

هم‌زمان با فرارسیدن ماه مبارک شعبان، عملیات اجرایی حفاری دیوارهای دیافراگمی پروژه «پارک‌سوار احمدی» شیراز با استفاده از دستگاه پیشرفته هیدروفورز BC۳۰۰ آغاز شد. این عملیات روز چهارشنبه اول بهمن ۱۴۰۴ و با حفاری تا عمق ۲۸ متر از سوی مؤسسه «ایستاب» از هلدینگ تخصصی نیروی این قرارگاه به اجرا درآمد. پروژه پارک‌سوار احمدی، بزرگ‌ترین پروژه غیرمترویی شهرداری شیراز، نقش کلیدی در تکمیل ارتباط خطوط یک و چهار مترو دارد. این مجموعه چندمنظوره با زیربنای گسترده، با هدف ارتقای حمل‌ونقل عمومی و توسعه خدمات شهری طراحی شده و پس از بهره‌برداری، تأثیر قابل‌توجهی در تسهیل تردد شهروندان خواهد داشت.

سردار احمد وحیدی عنوان کرد

اتصال مستقیم ۱۷۰ حساب هدایت‌کننده آشوب به رژیم صهیونی



روانی کنند.»

وی با اشاره به تحولات غزه گفت: «در غزه، با وجود همه جنایات و کشتارها، دشمن شکست خورد. درست است که مردم مظلوم غزه شهید شدند، اما نتیجه نهایی این شد که رژیم صهیونیستی به منفورترین رژیم جهان تبدیل شد و امروز حتی در میان حامیان سابق خود نیز جایگاهی ندارد.»

جانشین فرمانده کل سپاه تصریح کرد: «دشمن بارها اعلام کرده بود که حزب‌الله باید نابود شُود، اما امروز می‌بینیم که نه‌تنها حزب‌الله از بین نرفته، بلکه دشمن حتی جرئت ورود مجدد به یک جنگ زمینی را ندارد.»

وی با اشاره به جنگ ۶۰روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان افزود: «آنها با تمام توان آمدند، اما نهایت پیشروی‌شان کمتر از دو کیلومتر بود و همین تجربه، امروز موجب شده است که خود فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی از تکرار چنین جنگی دچار هراس باشند.»

سردار وحیدی با اشاره به عراق گفت: «در عراق نیز با وجود فشارهای سنگین، تهدیدها و مداخلات آشکار، جریان‌های مقاومت در انتخابات موفق‌تر از گذشته ظاهر شدند و جریان‌های وابسته به آمریکا حتی نتوانستند رأی قابل توجهی کسب کنند.»

سردار وحیدی با بیان اینکه مدعیان دموکراسی، نتیجه انتخابات را تنها زمانی می‌پذیرند که مطابق میل آنها باشد، اظهار کرد: «وقتی مردم عراق بر اساس رأی خود مسیر دیگری را انتخاب می‌کنند، همان مدعیان

جانشین فرمانده کل سپاه، گفت: «سناریوی اول دشمن حمله نظامی مستقیم بود؛ به این امید که مردم قیام کنند، گروه‌های تجزیه‌طلب در شمال غرب و جنوب کشور وارد عمل شوند و کشور از درون دچار فروپاشی شود. تصور آنها این بود که ایران ضعیف شده و اختیار اداره خود را ندارد و به‌زعم خودشان، ایران حلقه آخر زنجیره مقاومت است.»

«سردار سرتیپ پاسدار احمد وحیدی» جانشین فرمانده کل سپاه، در اجلاس‌یه «علمای پایتخت» گفت: «دشمنان سال‌ها از واژه تغییر رفتار استفاده کردند، اما حقیقت این است که نتیجه تغییر رفتار از نگاه آنها، چیزی جز تغییر نظام نبود؛ همان چیزی که امام خمینی (ره) از آن به‌عنوان جایگزینی اسلام آمریکایی به‌جای اسلام ناب محمدی (ص) یاد کردند.»

وی با اشاره به ماهیت سازمان‌یافته اغتشاشات، گفت: «در یک بازه زمانی بسیار کوتاه، در چند صد نقطه از کشور، به‌صورت هم‌زمان، اقدامات تخریبی آغاز شد؛ اقدامی که بدون سازمان‌دهی، آموزش، تأمین مالی و هدایت حرفه‌ای امکان‌پذیر نبود.»

سردار وحیدی با اشاره به ابعاد جنگ شناختی دشمن، اظهار کرد: «بیش از ۱۷۰ حساب هدایت‌کننده متصل به رژیم صهیونیستی، با شبکه‌ای شامل میلیون‌ها مخاطب، مأمور تولید و انتشار پیام در فضای مجازی بودند تا افکار عمومی را ملتهب کرده و کشور را وارد بی‌ثباتی

آیین رونمایی از شکایت کیفری خانواده شهدای فتنه از آمریکا و رژیم صهیونی

آمریکا به‌دنبال بلعیدن ایران است



دستور کار خود قرار دادند.»

سردار شمخانی ادامه داد: «رئیس‌جمهور آمریکا با وجود ادعای خود مبنی بر حمایت از مردم ایران برای حضور در خیابان‌ها، اقدام به امضای تحریم علیه همین مردم کرد؛ کاری که چهره پلید این‌فرد دیوانه و مفلوک را بیش از پیش عیان کرد.»

معاون حقوقی و پارلمانی سپاه تصریح کرد: ««فراخوان»، اسم رمز مוסاد و سازمان سیا برای آشوب و جنگ تروریستی در ایران بود و تقاله پهلوی، وسیله‌ای در دست این سازمان‌هاست.»

وی ادامه داد: «از وکلای جهادی درخواست می‌کنم، علیه همه کسانی که جوانان را تحریک کردند تا به خیابان‌های بیابند و اموال عمومی مردم را به آتش بکشند، طرح دعوا شود.»

در ادامه این مراسم، «علی نیک‌زاد» نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز با بیان اینکه ایران اسلامی مظلوم مقتدر است، اظهار داشت: «آمریکا و سران آن دشمن شمار یک ما هستند و بین جمهوری‌خواه و دموکرات‌ها تفاوتی ندارد.»

نایب رئیس مجلس در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اینکه آمریکا به‌دنبال چپاول منابع زیر زمینی و رو زمینی ماست، گفت: «رژیم صهیونیستی نیز به‌دنبال نابودی ماست؛ چراکه با بودن ایران نمی‌تواند به هدف خود که نیل تا فرات است، دست پیدا کند.»

آیین رونمایی شکایت کیفری و دادخواهی حقوقی خانواده معظم شهدای فتنه دی‌ماه ۱۴۰۴ از آمریکا و رژیم صهیونیستی، با حضور خانواده معظم شهدا و مسئولان حقوقی کشور در دانشگاه جامع انقلاب اسلامی برگزار شد. در این آیین که به همت گروه جهادی حکیم برگزار شده، از تعدادی از خانواده شهدا و جانبازان فتنه اخیر برای پیگیری حقوقی بین‌المللی وکالت اخذ شد. گفتنی است، این شکایت کیفری و دادخواست حقوقی، علیه دولت تروریست‌پرور و سرمدمداران تروریست آمریکا، رژیم صهیونی کودک‌کش، گروهک‌های تروریست، تجزیه‌طلب، سلبریتی‌های وابسته، ضدانقلاب و شبکه‌های معاند به دلیل حمایت از تروریست‌های فتنه‌گر، تنظیم شده است.

سردار «سهراب‌علی شمخانی» معاون حقوقی و پارلمانی سپاه در این آیین با بیان اینکه دادخواست و دادنامه خانواده شهدای این فتنه ازسوی وکلای جهادی تنظیم شده است و با تأکید بر اینکه، این جنایات در داخل و خارج از کشور پیگیری خواهد شد، اظهار داشت: «آمریکا از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی وزمانی که امام خمینی(ره) در سال ۱۳۴۲ این نهضت را آغاز کردند، دشمن ملت ایران بوده است و امام(ره) در آن زمان به صراحت، این موضوع را اعلام کردند.»

وی با بیان اینکه «گوترش» اعلام کرد که شورای امنیت سازمان ملل دیگر کارایی ندارد و این امریکاست که تصمیم‌گیری می‌کند، گفت: «انقلاب اسلامی با پیروزی خود به‌عنوان سد مستحکمی در برابر این ظالمان قرار گرفت؛ لذا از بدو پیروزی این انقلاب، شروع به دشمنی با آن کردند و در این زمینه تجزیه‌طلبی، جنگ، فتنه، اختلاف‌افکنی میان قومیت‌ها و کودتا را در

نماینده ولی فقیه در سپاه در همایش تجلیل از خانواده شهدا و جانبازان

ولایت فقیه‌عالم را برای ظهور آماده‌می‌کند



حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی گفت: «امروز باید خدا را به‌خاطر نعمت رهبری الهی فرزانه، تربیت شده در مکتب قرآن و ولایت شکرگزار باشیم. شاید تعبیر مالک اشتر برای امام زمان مناسب باشد، و حتی دقیق‌تر، مسلم امام زمان؛ چراکه مسلم مأمور شد آمادگی مردم عراق را برای آمدن امام حسین(ع) بسنجد.

این رهبر عزیز نیز آمده است تا عالم را برای نهضت ظهور آماده کند.»

همایش تجلیل از خانواده شهدا و جانبازان و قدردانی از پاسداران نمونه نمایندگی ولی فقیه در سپاه با حضور «حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه و سرداران، معاونان، مدیران عالی و کارکنان نمایندگی برگزار شد.

در این مراسم نماینده ولی فقیه در سپاه گفت: «من باور دارم که تحمل رنج شهادت عزیزان، فرزندان، همسران و هم‌زمان، از شهادت خود انسان دشوارتر است. شهید، به تعبیر قرآن، از لحظه شهادت، شادی و جشن او آغاز می‌شود. در عاشورا، حضرت ابوالفضل(ع) اصرار داشت که ابتدا برادرانش به میدان بروند و با دشمن بجنگند. وقتی از او پرسیدند چرا، فرمود می‌خواهم ثواب تحمل شهادت برادر را داشته باشم؛ و این خود جایگاهی ویژه دارد.»

وی با اشاره به اینکه این قانون الهی بر این است که همواره دو جبهه حق و باطل با دو رهبری در تقابلند، گفت: «خداوند درباره هر دو سخن گفته است؛ می‌فرماید پیامبران و رهبران الهی را فرستادیم تا مردم را به سوی مقصد الهی رهبری کنند: «وجعلناهم أئمة يهدون بأمرنا». در مقابل، می‌فرماید شیاطین انس و جن را نیز قرار دادیم: «وجعلناهم أئمة يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ». آنان نیز رهبری می‌کنند، اما به سوی آتش.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی اظهار داشت: «بسیاری از آنچه درباره فرعون گفته

شده، درباره این طاغوت‌ها و ستمگران زمان نیز صدق می‌کند. مأموریت‌شان بردن مردم به سوی جهنم است. انسان‌ها در این میانه محک می‌خورند و نشان می‌دهند در کدام جبهه قرار دارند.»

وی تصریح کرد: «امروز باید خدا را به‌خاطر نعمت رهبری الهی فرزانه، تربیت شده در مکتب قرآن و ولایت شکرگزار باشیم. شاید تعبیر مالک اشتر برای امام زمان مناسب باشد، و حتی دقیق‌تر، مسلم امام زمان؛ چراکه مسلم مأمور شد آمادگی مردم عراق را برای آمدن امام حسین(ع) بسنجد. این رهبر عزیز نیز آمده است تا عالم را برای نهضت ظهور آماده کند.»

انتخاب ۱۵۰ نفر از نمایندگی برای پاسدار نمونه

در بخش دیگر این مراسم «سردار نقی‌زاده» با اشاره به مراسم پاسدار نمونه اظهار داشت: «در مجموعه نمایندگی، روند انتخاب پاسدار نمونه از چهار ماه قبل آغاز شد؛ کمیسیون‌ها فعال شدند، پرونده‌ها و عملکردها بررسی شد و در مجموع ۱۵۰ نفر از سوی نمایندگی به‌سپاه معرفی شدند. با همکاری و پیگیری معاونت نیروی انسانی، از میان این ۱۵۰ نفر حدود ۳۶ نفر در سطح کل نمایندگی به‌عنوان پاسداران نمونه انتخاب شدند که امروز از آنها قدردانی شد. همچنین اسامی این عزیزان برای رقابت با سایر پاسداران و انتخاب نمونه‌های کل سپاه معرفی شده است.

خبر

ضربه اطلاعاتی

در پی رصد اطلاعاتی دقیق نیروهای سازمان اطلاعات سپاه حضرت ابوالفضل(ع) استان لرستان، دو نفر از عاملان اصلی حمله به مقر فرماندهی انتظامی شهرستان ازنا شناسایی و دستگیر شدند. بنا بر اعلام روابط عمومی سپاه، این افراد پس از اقدامات هدفمند اطلاعاتی و شناسایی هویت، در عملیات جداگانه از مخفیگاه خود بازداشت شدند. یکی از متهمان هنگام دستگیری قصد فرار داشت که با اقدام به‌موقع نیروهای امنیتی ناکام ماند. متهمان پس از بازجویی و تشکیل پرونده به مراجع قضایی تحویل شدند. سپاه لرستان بر تداوم اشراق اطلاعاتی و برخورد قانونی و قاطع با مخлан امنیت عمومی تأکید کرد.

گزینه شکست خورده

«سردار نائینی» با اشاره به تشدید جنگ روانی آمریکا، تأکید کرد: «تصورسازی از جنگ و اعزام ناوهای هواپیمابر، حربه‌ای تکراری برای اعمال دیپلماسی زور است.» به گفته وی، «مقامات کاخ سفید پس از ناکامی در فتنه مسلحانه و جنگ ۱۲ روزه، دچار سردرگمی شده و با هدف ایجاد التهاب و تزریق ترس کاذب، به فضاسازی رسانه‌ای روی آورده‌اند.» سخنگوی سپاه با رد تهدیدات نظامی آمریکا، تصریح کرد: «واقعیت میدان با تبلیغات دشمن متفاوت است و ایران بر تحرکات دشمن اشراق کامل دارد.» او با یادآوری ضربات واردشده به دشمن، از آمادگی برای همه سناریوها خبر داد.

۱۵

پاسدار

شماره ۱۲۲۴ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴

صداقت

روی خط

اهالی اتحادیه اروپا تروریست شماييد

۰۹۱۲۰۰۰۱۳۳۹ / اهالی جنایتکار اتحادیه اروپا، تروریست شماييد که ارتش جنایتکار بریتانیا ۴ میلیون هندی را در بنگال قتل عام کرد؛ ارتش وحوش فرانسوی یک و نیم میلیون نفر را در الجزایر کشت؛ ارتش خون‌ریز آلمان جان صدهزار نفر را در نامیبیا در اردوگاه‌های کار اجباری و آزمایش‌های انسانی گرفت و بر جنازه‌های‌شان رقصید و با جرمجه‌هاشان فوتبال بازی کرد. تروریست شماييد که بویی از انسانیت‌نداريد.

۰۹۱۲۰۰۰۳۳۷۲ / به نظر من هيچ کاری مثل گروگان گرفتن یک نظامی آمریکایی نمی‌تواند آمریکا را به وحشت بیندازد. نه حمله به پایگاه‌های‌شان، نه گرفتن تلفات زیاد، هيچ کدام به اندازه این کار ترامپ و دولت آمریکا را تحقیر نمی‌کند.

۰۹۳۶۰۰۰۷۳۱۵ / با انتخاب نوری مالکی، مؤسس حشدالشعبی و مقلد سرسخت رهبری، آمریکا خیلی ناراحت شد؛ اما شیعیان نشان دادند که امنیت کشور اولویت است و تصمیم‌شان بر اساس شرایط آینده گرفته شده، نه فقط سیاست خارجی.

۰۹۲۱۰۰۰۷۵۱۲ / همه خواهیم دید که خداوند این بار قدرتش را به مؤمنان نشان می‌دهد. مثل داستان فرعون، وعده خدا خلاف ندارد و کسانی که با حق هستند، پیروز خواهند شد.

۰۹۱۷۰۰۰۸۳۶۴ / رسانه‌های صهیونیستی می‌خواهند مردم ایران باور کنند حمله آمریکا قطعی است، اما خودشان از موشک‌های ایران وحشت دارند و فقط ژست تهاجمی می‌گیرند. عربده می‌کشد، گفته شهید آوینی آرامش‌بخش است: حتی اگر سحر فرعون بتواند بر معجزه موسی غلبه کند، تسلیحات آمریکا نمی‌تواند ایمان ما را شکست دهد. قدرت واقعی با کسانی است که در مسیر حق هستند.

۰۹۳۳۰۰۰۲۴۵۵ / آمریکا گفته بود اگر گروه‌های طرفدار ایران دولت آینده عراق را به دست بگیرند، پول نفت را نمی‌دهد؛ اما حالا نوری مالکی، نخست‌وزیر و عدنان فیحان، نایب‌رئیس پارلمان شدند؛ یعنی هرچه آمریکا خواست، برعکس شد.

۰۹۱۲۰۰۰۳۴۱۹ / در جنگ رسانه‌ای امروز، اینترنت داخلی قوی به همان اندازه مهم است که تجهیزات نظامی. مراقبت از فضای مجازی مثل دفاع از خرمشهر حیاتی است.

۰۹۳۶۰۰۰۲۱۷۳ / تجربه پنجاه سال انقلاب نشان داده است هزینه انفعال خیلی بالاست. با این حال برخی غرب‌گراها باز هم در مقابل دشمنان سکوت می‌کنند، در حالی که حقایق روشن و تجربه‌های جهانی گواه است.

۰۹۱۴۰۰۰۲۱۵۵ / در پی فتنه داخلی ۲۴۲۷ نفر شهید دادیم. این عزیزان عدد نیستند؛ بلکه درس زندگی هستند و به ما عبرت می‌دهند که مراقب باشیم و اگر حواس مان نباشد در گرداب رسانه‌ای دشمن اسیر خواهیم شد و برای دشمنان بازی خواهیم کرد.

۰۹۱۹۰۰۰۷۴۱۹ / رسانه‌ها تنها کارشان این است که جای شهید و جلودار تغییر دهند. واقعا کارکنان صدا و سیما خسته نباشند که این سری تمام قد زحمت کشیدند که چهره و حشیانه این اغتشاشگران برای مردم روشن شود.

۰۹۱۹۰۰۰۸۴۳۷ / برخی سلبریتی‌ها با حرف‌های‌شان آشوبگران را تشویق کردند و باعث خسارت به اموال عمومی شدند. بسیاری از مردم به عنوان مدعی‌العموم دنبال گرفتن خسارت از تک‌تک آن‌ها هستند.

۰۹۳۶۰۰۰۱۸۲۲ / دولت و مجلس باید زمین‌با خانه‌پیش‌ساخته برای کسانی که مسکن ندارند فراهم کنند تا مشکل بزرگ آنها حل شود.

صداق

هفته‌نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی
سردبیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زارعی، عزیز‌غضنفری، مهدی‌سعیدی،فتح‌الله‌پریشان، علی‌قاسمی، حسین‌عبداللهی‌فر،رضاصارمی‌راد دبیر‌تحریر:یه‌سیدفخرالدین‌موسوی مدیر‌فنی: محمد‌صالح‌نادری نگارش‌و‌ویرایش:محبوبه‌حاجی‌آقایی صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی عکاس: حامد‌گودرزی ناظر‌چاپ:سعید‌قاسمی

چاپ:مرکز چاپ‌سپاه:۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن:۰۱۱۰و۰۱۰۰۷۷۴۶ (۰۲۱)

basirat.ir

@sobhesadegh_fa

نمایر:۰۲۶۴۸۸۴۷۷

سامانه پیامک:۰۲۳۰۰۹۹۰۳۰۰

شماره ۱۲۲۴ | دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴

کتابیه



خبر این است...

پیچیده خبر پشت خبر در شب طوفان بالاست همیشه همه جا پرچم ایران داغ از پی داغ است که لرزانده زمین را آوار جنون مانده مگر بین بیابان؟ آری خبر این است خبر سرخ‌تر از سرخ باید که خبر را برسانید به باران آری خبر این است که گل‌های شقایق رفتند غریبانه در آغوش شهیدان آری خبر این است که در مکتب قاسم عشاق ندارند، دمی طاقت هجران آری خبر این است که با شوق زیارت رفتند شهیدانه از این کوی و خیابان از حضرت حیدر، نفس تازه گرفتند در راه ولایت همه رفتند به قربان یاران بسیجی علی، لشکر دلدار جمعند دوباره همه در روضه رضوان آواز شهید است که پیچیده در افلاک از غزه و لبنان و یمن تا دل تهران زلزل بخوانید که شد زلزله برپا بنگر که فرو ریخته شد خانه شیطان والفتح بخوانید که ما فاتح رزمیم با نصر الهی وبه شکرانه ایمان خیر شکنانیم در این خط مقدم حیدر مددی! باز بخوان سوره انسان صهیون چه غلط کرد؟ غلط‌های زیادی! باید بشود از عمل خویش شپیمان باید که شب فتنه، «علی» را بشناسیم دل را مسپاریم به هر بزدل نادان ای خصم فرومایه بدان مثل همیشه ما ملت عشاق حسینیم به قرآن یک ذره هم از خاک وطن را نفروشیم هستیم بر آن عهد که بستیم، دوچندان جمهوری اسلامی ایران، حرم ماست باید که بخوانیم دگر بار از ایران ایران حسین‌بن علی، خیمه عشق است جانم به فدای حرم و رهبر جانان

محمد‌مهدی‌عبداللهی

صبحانه

تعالد، بهترین راهکار

انجام بعضی از کارها اگر چه سختی زیادی به دنبال دارد، اما در زندگی بسیار تأثیرگذار و مورد نیاز است، مثل حفظ تعادل! تعادل بین شوخی کردن و جدی بودن، تعادل بین حرف زدن و حرف نزن، تعادل بین احساس و عقل و تعادل بین غریزه و فطرت و...؛ همواره تعادل داشتن است که زندگی را به ثبات و منطق می‌رساند.

داستان

امید دوباره

دارن از دیدن این همه مجروح، گریه می‌کن. اینجا صدای تیر و نارنجک قطع نمی‌شه؛ سمت منطقه ما نیست؛ اما صداها خیلی زیاده...»

یک لحظه صدایش رفت، فکر کردم تماس قطع شده که با صدای لرزانی گفت: «اگه بیمارستان رو بگیرن چی می‌شه؟ من خیلی می‌ترسم. کاش اومده بودیم خونه...» گفتم: «ترس دخترم...من الان میام بیمارستان...» جیع ضعیفی کشید و با نگرانی گفت: «نه بابا شما از خونه بیرون نیایید...»

دلداری‌اش دادیم که نگران نباش، نیروهای خودمان را دست‌کم نگیرید؛ اما فداکاری و ازخودگذشتگی مأموران و دلداری ما ذره‌ای از ددمنشی صهیون کم نمی‌کرد.

مادرش در خانه گریه می‌کرد و ختم صلوات گرفته بود: «خدایا امشبو بخیر بگذرون. خدایا مراقب‌شون باش...»

دوباره تماس گرفتیم تا از اوضاع بیمارستان خبر بگیریم. گفت: «اینجا محشری شده؛ تموم پرستارا از بخش به اورژانس رفتن. هیچ‌کس

تلخند

ظالمان می آیند و می روند این ایران است که همیشه استوار ایستاده است / کارتونست: زینب رحمتی



سلامت

درمان سرفه!

زهر احسینی

کارشناس تغذیه

«سرفه» یک سازوکار دفاعی در بدن است که عوامل بیماری‌زا را بیرون می‌اندازد؛ اما چرا گاهی به سرفه خشک دچار می‌شویم؟ علت‌های بسیاری برای ابتلا به علامت سرفه خشک وجود دارد. نکته‌ای که اهمیت دارد، این است که چگونه از شر سرفه خشک خلاص شویم. سرفه‌های خشکی که در صورت ادامه داشتن، افراد را کلافه می‌کند و آنها به راه‌های گوناگون متوسل می‌شوند تا از دست‌آن خلاص شوند. یکی از اصلی‌ترین علایم سرماخوردگی و آنفولانزا سرفه خشک است. گاهی اوقات سرفه خشک بعد از اتمام دوره بیماری و بهبودی کامل تا مدتی باقی می‌ماند و بسیار آزاردهنده ست. اگر سرفه خشک به دلیل عفونت‌های ویروسی، مانند سرماخوردگی ایجاد شده باشد، معمولاً طی یک تا دو هفته خودبه‌خود یا با مصرف داروهای سرماخوردگی و درمان خانگی‌گلودرد و سرفه برطرف می‌شود، البته ناگفته نماند که گاهی مصرف برخی داروها و شربت‌ها برای سرفه خشک خود موجب ایجاد سرفه خشک حساسیتی می‌شود. درمان‌های خانگی شامل عسل، چای زنجبیل، بخورهای مختلف و غرغره آب نمک است. هیدراته ماندن و دوری از مواد محرک مانند دود و گردوغبار و مصرف داروی گیاهی می‌تواند تسکین‌دهنده باشد. اگر علایم ادامه یافت یا بدتر شد، باید در این زمینه حتماً با پزشک مشورت کرد. استنشاق بخار آب هم می‌تواند به تسکین گلو و کاهش سرفه کمک کند. خوب است بدانیم یکی از مهم‌ترین مواردی که به سرفه خشک کمک می‌کند، دانه «به» است و خواص به دانه برای سرفه بسیار زیاد است. دمنوش به‌دانه باعث آرام شدن و تسکین سرفه خشک شده و مجاری تنفسی را نرم می‌کند. این دانه حتی در جلوگیری از سرفه خشک مؤثر است. بهتر است برای بهبود درد و خارش گلو و رفع سرفه از دستگاه بخور برای مرطوب نگه‌داشتن خانه استفاده کنیم.

صادقانه

گل بی‌خار

امام صادق(ع) فرمودند: از پیشی‌گیرندگان در کارهای خیر باشید، گل بی‌خار باشید. کسانی پیش از شما وجود داشتند که گل بی‌خار بودند و من می‌ترسم که شما خار بی‌گل باشید! دعوت‌کنندگان به سوی پروردگارتان باشید و مردم را وارد اسلام کنید و از آن، بیرون‌شان نکنید. آنان که پیش از شما بودند، این چنین بودند؛ مردم را وارد اسلام می‌کردند، نه آنکه ایشان را از آن خارج سازند. مستدرک‌الموائل، حدیث۱۳۹۹۷

روایت

همیشه در میدان



در عملیات بدر، در خط مقدم، من شاهد حضور فرزند عزیز رهبر معظم انقلاب، آقا مصطفی در کنار بسیجیان عارف بودم. خیلی عادی و ساده. در طول هشت سال دفاع مقدس، بارها ایشان را در لشکرهای سیدالشهداء(ع) و محمدرسول‌الله(ص) می‌دیدم. این حضور شجاعانه فرزندان آقا در جبهه، نشان از تعهدرهبر معظم انقلاب و توجه ایشان به تربیت فرزندان دارد. این الگویی برای همه مردم و مسئولان است که بین فرزند خودشان و بزرگ‌ترین مقام کشور هیچ فرقی نباشد.

سردار سرلشکر سیدبیحی صفوی

حسن ختام

نرگس‌ترین گل دنیا، بیا

سلام بر نور روشن زمین و آسمان! سلام بر تو و مهربانی همیشه دست‌گیرت که تنها راه نجات است. سلامی بغض‌آلود و امیدوار از میان قلب‌های غمدیده دور مانده از وصال یار. پاییز و زمستان دنیا را پشت سر گذاشتیم و از هجرانت، هر چه گفتیم تمام نشد... از سوز و سرمای دی به زیبایی خوش‌عطر گل‌های نرگس پناه بردیم و دانستیم تمام زیبایی‌های دنیا کنار زیبایی و عطر محبوب رنگ می‌بازد، نرگسش که جای خود دارد، اما با ما بگو به زیباترین گل نرگس دنیا در کدام زمستان عمرمان خواهیم رسید، هم او که از آمدنش امید در دل‌های‌مان جوانه خواهد زد و روزگارمان بهار خواهد شد. برای این همه انتظار چه چاره‌ای کنار گذاشتی یار غایب از نظر! که جز به دیدارت رها نشویم از بند غم. دست به دست‌مان بده و دعاهای هر صبح و شب‌مان را خودت آمین بگو آقای لحظه‌های نیاز ما... با ما بگو چند بهار و زمستان دیگر از عمرمان بگذرد تا به روز وصال نزدیک شویم؟ آه که اگر تمام شود مهلت زندگی و چشم کم سویی‌مان به زیبایی گل نرگس روشن نشده باشد! دلخوشی کل عالم! به این قلب‌سراسر محزون ودستانی پر از نیاز، یاد بده خواستن تو را چگونه تمنا کند تا به اجابت برسد.

